

آکمی ویژه

رادیو همد

هفت و پنجاه دقیقه

هزاره صبح

موج FM ۹۳/۹

موج AM ۹۰۰

PRICE: 1000 RIALS

TERRADENT med5

مسواک

نشا

روزنامه

۲۰ صفحه

نشان

روزنامه

۲۰ صفحه

نشان

روزنامه

۲۰ صفحه

روزنامه جامع ملی ایران

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

روزنامه

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

روزنامه

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

روزنامه

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

روزنامه

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

روزنامه

با حضور ۸۰۰ میهمان خارجی و ۸۰۰ هزار زائر شهرستانی

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می شود

۲ صفحه

تجمع دفتر تحکیم وحدت

حماسه دوم خرداد

پیرومون بزرگداشت

در پارک لاله برگزار می گردد

ملت بزرگوار ایران، دانشجویان آگاه!

همان گونه که مطلعید در گرامیداشت حماسه دوم خرداد این اتحادیه قصد آن داشت تا راهپیمایی از انقلاب تا آزادی را برگزار نماید اما مع الاسف کمیسیون ماده ۱۰ احزاب که متشکل از ۴ نماینده از قوای قضائی و مجلس و یک نماینده از وزارت کشور می باشند در یک اقدام توسعه ستیزانه اقدام به عدم صدور مجوز مراسم در نیم روز شنبه ۱ خرداد نمودند.

لذا بدینوسیله به اطلاع دانشجویان و ملت شریف می رساند؛ پیرو هماهنگی این اتحادیه با وزارت کشور، به جای راهپیمایی گذشته تجمع دانشجویی دفتر تحکیم وحدت رأس ساعت ۱۳/۳۰ بعدازظهر در ضلع غربی پارک لاله و با مجوز وزارت کشور در مورخه ۷۸/۲/۲ برگزار خواهد شد.

بنابینه تطبیق این اتحادیه در ارتباط با این اقدام ضدمدنی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در آینده نزدیک صادر می گردد.

آشپزی

سالروز دوم فرداد گرامی باد

غذای سالم و خوشمزه

با مواد استفاده شده

تلفن : ۶۴۶۴۴۲۰

کتاب تحمل مخالف

نوشته مهدی فتحی زاده سیرجانی بمناسبت سالروز حماسه دوم خرداد بزودی منتشر خواهد شد

تقدیم به آقای خاتمی، اسطوره و مظهر تحمل آرا، مخالف

انتشارات زهام ۶۴۶۵۲۱۴

مدیرمسئول همچنان پاسخگوست

معاون مطبوعاتی:

گروه اجتماعی - خبرنگاران به هنگام بروز مشکل از مصونیت برخوردارند و مدیرمسئول نشریه پاسخگو خواهد بود.

معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیروز در اصفهان با تأکید بر این مطلب گفت: قانون مطبوعات از خبرنگاری که جزو مشاغل شاق و طاقت فرساست، دفاع می کند.

یک روزنامه عراقی از اتحاد تهران و ریاض علیه بغداد خبر داد

گروه داخلی - یک روزنامه عراقی نوشت: «ایران و عربستان درصدد تشکیل اتحادیه ای علیه بغداد هستند». به گزارش فرانس پرس روزنامه «بابل» که توسط عدی پسر صدام اداره می شود نوشت: «توطئه علیه عراق بانمجد شدن گروه هایی که قبلا در تضاد بودند شکل جدیدی به خود گرفته است».

این روزنامه ادعا کرد: «ریاض و تهران به نام آشتی مجدد و فراموش کردن گذشته از سرگیری

زغال سپید

مخصوص صادرات

تصفیه شده، بدون دود، بو، جرقه و خاکستر

تهیه شده از چوب درختان لیمو و نارنج

جهت مصارف خانگی و صنعتی

در بسته بندی های شیک سوپر مارکتی

۰۹۱۱۷۱۷۸۳۵۲ شرکت بسته بندی مواد غذایی فیروزی سپهر

پیشکش نمایندگی

به مناسبت دوم خرداد یک هفته با ۱۰ درصد تخفیف

مجری دکوراسیون داخلی، مللمان اداری، پارتیشن و تجهیزات اداری، تبلیغات و گرافیک

تلفن : ۰۲۵-۷۱۷۲۷۱ فاکس : ۰۲۵-۷۱۷۲۷۱

طرح روز

کوروش قاضی مراد

حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ چو ایران نباشد تن من مباد

چندین سالگی

کرد همایی عاشقان تارا...

حجت الاسلام والمسلمین خاتمی :

ارج گذاری به اینارگران عرصه جهاد و شهادت از تکالیف همیشگی دولت خدمتگزار است.

به مناسبت بزرگداشت حماسه های جاویدان اینارگران انقلاب اسلامی در طول دفاع مقدس و گرامیداشت آزادسازی خرمشهر و تجلیل از خدمات امیر شهید صیاد شیرازی و برای

میتاق با آرمان های امام شهیدان بیعت با مقام معظم رهبری حمایت از دولت خاتمی

زمان: ۳ خرداد ۵ بعدازظهر مکان: حسینیه جماران

این پیام یک کودک است

با یک لیوان آب می توان گلی را شاداب کرد و راه شادابی گل صرفه جویی است

سانیا منصور ۴ ساله از تهران

شرکت آب و فاضلاب استان تهران روابط عمومی

ادامه از صفحه اول

واو از خواست برای آنچه‌آن را توهین به ارزش‌های اسلامی نامید پوزش بخواهد. همین روحانی محافظه کارروز انتخاب خاتمی را روز بیماری انقلاب ایران نامید و اظهار امیدواری کرد که این بیماری دیر بازود برطرف گردد. افزون بر این رهبر یک گروه تندرو بزرگداشت سالگرد ریاست جمهوری خاتمی را تقبیح کرد و به مقایسه‌آن با جشن‌هایی که شاه‌سابق ایران برای تأسیس سلطنت بر گزار می کرد پرداخت. یک نشریه محافظه کار نیزتصویر خترانی را چاپ کرد که حجاب اسلامی را رعایت نکرده بودند و در مراسم سخنرانی رئیس جمهور او را تشویق می کردند. تحلیل‌گران سیاسی معتقدند آنچه‌موجب این حملات شدید محافظه کاران به رئیس جمهور خاتمی شد، نه‌وجود چند به حجاب یا کفش‌زدن جوانان بلکه صداهای یکپارچه‌آنها بود که رسماً خواستار بر کناری چند چهره محافظه کار (از جمله محمد پزدی رئیس قوه‌قضائیه و علی لاریجانی رئیس تلویزیون ایران) شده بودند. این صداها در محیط سروشیده محل بر گزاری نماز جمعه تهران (که همیشه در اختیار محافظه کاران بوده است) چند برابر می شد. آیا انعکاس این صداها است که محافظه کاران را می‌آزارد؟ پاسخ این پرسش را امروز بیش از هر زمان دیگر می توان گرفت؛ بزرگ‌ترین گروه دانشجویی کشور – که هوادار خاتمی نیز هست – درصدد بود یک راهپیمایی بزرگ را انجام دهد، اما با مخالفت محافظه کاران این مراسم به یک تجمع در پارک لاله (جایی که به وزارت کشور ایران می‌کوشد آن را به هاید پارک تهران بدل کند) تقلیل یافت. و دیپلماسی پنهانی تشکیل می‌دهد که برخی از اعضای دولت در دو سال اخیر از خودشان سالیان دراز پیش گاه‌دولت خاتمی (و نه شخصیت خاصی) به اندازه زمانی که از سخنان عطاالله مهاجرانی بوی معامله با محافظه کاران به مشام رسید، تضعیف نشد. مهاجرانی که پس از نوری به‌شاخمن ترین چهره کابینه تبدیل شده‌بود در یک فاصله‌زمانی شش ماهه (از شهریور ۷۷ تا بهمن ماه همان سال) به تعطیلات رفت و ماه عسل روابط خود را با محافظه کاران گذراند؛ ابتدا با تعطیلی روزنامه توس موافقت کرد، سپس روند آزادی مطبوعات را کند کرد و سرانجام به کناره گیری (و در حقیقت بر کناری) احمد بورقانی معاون مستقل طرفدار آزادی خود رضایت داد. این فاصله‌شده ماه‌آمدگی محافظه کاران در بر کناری مهاجرانی را پاپین آورد و آنان که آماده بودند پس از بر کناری عبدالله نوری با عزل مهاجرانی کار را یکسره کنند پنهانه‌ای برای تداوم پروژه خود یافتند. پس از تعطیلات شش ماهه مهاجرانی بار دیگر روند اصلاحات را آغاز کرد؛ به تدریج آزادی های به دست آمده پس از دوم خرداد اوج و شتاب بیشتری گرفت و چند طرح و برنامه جدید برای تداوم برنامه‌های دولت در دستور کار قرار گرفت. طبیعی بود که محافظه کاران واکنش نشان دهند و تصمیم به بر کناری مهاجرانی بگیرند اما دیگر مانع برای این کار از دست رفته بود: نمایندگان مستقل پارلمان حاضر نبودند بر نیرنوشته سیاسی خود را در آخرین سال حیات مجلس پنجم به محافظه کاران گره بزنند و به عنوان نمایندگان ضد دولت شناخته شوند. یک محاسبه هوشمندانه از سوی مهاجرانی دولت را از یک گذرگاه خطرناک نجات داد. در دیگر نهاد مهم دولتی یعنی وزارت کشور این عمل گرای وجود نداشت: عبدالله نوری حاضر نبود شرط بقا را بپذیرد و در نتیجه حذف شد. البته عبدالله نوری به عنوان خط مقدم رویاری محافظه کاران نمایند یک نمونه از مباحثی در معرض تمامی رهنمون‌ها قرار گرفته وازجمله توصیه کار گزاران در گونه‌آمنند در جلسه استیضاح که در مورد نوری جواب نداد و منجر به دفاع جدی مهاجرانی از خود شد. جانشین نوری چندان مانند او افکار عمومی را فاصله‌ای کمتر از یک پوخی معتقدند نقش فائقه معاونت سیاسی او به گونه‌ای تنظیم شده است که در هر دو شرایط قبل وبعد از استیضاح نوری روی کارآمنند موسوی لاری جواب می‌دهد. این نکته‌ای است که حتی موحدی ساوچی نیز به آن معترف است. در پناه همین وضعیت است که روند اصلاحات در وزارت کشور برخلاف وزارت فرهنگ نوسان زیادی ندارد. رفتار مهاجرانی

خاتمی نیز برای یکصد هزار عضو شوراهای شهر و روستا در یک روز شگانه سخنرانی خواهد کرد. به نظر می‌رسد طراحی چنین برنامه‌ای برای خاتمی در سالگرد دوم خرداد بیش از هوشمندی خطر احسان آن نشانه‌ای از لحاظ فکری بازتاب‌های آتی محافظه کاران در برابر یک بزرگداشت دیگر برای دوم خرداد باشد: اصلاح طلبان دوست ندارند خاتمی یک بار دیگر متهم به بر گزاری جشن پیروزی شود.

گزارش امروز نشاط که به بررسی روند دو ساله اصلاحات در ایران اختصاص دارد می‌کوشد کارنامه‌ای از هر چند تازه‌آنجیخ داده است ارائه کند:

۱. دولت، آیا همچنان مونور

اصلاحات است؟

هنگامی که محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران شد اداریات که تنها یک قوه از قوای حاکم بر کشور را در اختیار دارد و اندکی بعد در اداریات که حتی در این قوه نیز اختیارات او محدود است. این نکته زمانی برای او روشن شد که تنها مجلس به دشواری

به‌وزیران پیشنهاد شده او رأی داد، بلکه وزیر اطلاعات کابینه‌اش از میان یک فهرست پانزده نفری و به توصیه برگزیده شد. یک سال و اندی بعد همین وزیر توصیه شده مجبور به استعفا شد و خاتمی توانست به انتخابی همچنان محدود اما مشروط دست بزند. با وجود این خاتمی دو عضو کلیدی کابینه‌اش را نیز از دست داد: غلامحسین گریباجی از همان آغاز از کابینه خارج شد و عبدالله نوری در فاصله‌ای کمتر از یک سال مجبور به خروج از دولت شد. در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی تا مرز از دست دادن وزیر فرهنگ و سخنگوی دولتش نیز تهدید شد؛ تلاشی که ناکام ماند اما عملاً دولت را تا مرز لامبدهی پیش برد. با وجود این پاشنه آشیل دولت خاتمی را نه سئوالات و استیضاح‌های پیگیر محافظه کاران که راست روی‌ها در وزارت فرهنگ (که مدیریت آن متعلق به حزب کار گزاران است) به گونه‌ای است که می‌توان برای اصلاحات فرهنگی پس از یک دوره اوج تعطیلات شش ماهه در نظر گرفت اما ثبات برنامه در دولت با به شکلی است که حتی در دوره عبدالله نوری از روند مشخصی برخوردار بوده‌است. با وجود این اصلاحات سیاسی در کشور تا آن جایی که به دولت مربوط است به کندی پیش می‌رود. هنوز به‌واسطه اپوزیسیون مجوز فعالیت داده نشده‌است و تعداد میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های سیاسی (که در دوره وزارت نوری اوج گرفت بود) سقوط کرده است. اگر این دو مورد را موکول به دخالت محافظه کاران در نهادهایی مانند کمیسیون ماده (۱۴) نهاد تصمیم گیرنده در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی) بدانیم آنچه به عنوان یک نقطه ضعف در نظر می‌آید به تعویق افتادن تلاش برای حذف فطرات فائقه شورای نگهبان بر انتخابات در ایران است. پس از بازگشت لایحه اصلاح قانون انتخابات از جلسه هیات دولت وزارت کشور به نظر رسیده که دولت وزارت کشور از پیگیری ماجرا صرف نظر کرده‌اند. در دادران به یک راه حل موقت یعنی تعیین کمیته داوری برای رفع دغدغه محافظه کاران و اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای نشان دهنده نکته مهمتری از این عدم پیگیری بود. ناظران معتقدند وزارت کشور علامت‌هایی برای عدم پیگیری از جانب برخی مقامات عالیه دریافت کرده بود. با وجود این چندی بعد با بازدیدن شدن به مجلس ششم رسیدگی به این مشکل در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت. اما همان گونه که محافظه کاران زمان مناسبی برای استیضاح مهاجرانی انتخاب نکرده بودند اصلاح طلبان نیز در انتخاب زمان دچار اشتباه شدند. این بار این محافظه کاران بودند که توانستند مجوز فعالیت داده نشده‌است را از آینده خود بینماک کنند و با ایجاد فشار، چوروانی موجود علیه نظارت فائقه شورای نگهبان را به پدیده‌ای علیه خودش تبدیل کنند. تا اینجا کار، انتخاب سال یابانی مجلس پنجم برای اصلاح قانون انتخابات یک اشتباه استراتژیک جدی بود. اما در برابر، یک نوب در کارنامه اصلاحات سیاسی دولت وجود دارد. بر گزاری انتخابات شوراهای از هر منظری یک گام به پیش برای اصلاحات در ایران بود. هم‌آن‌رو که یک راه‌مندی تأسیس می‌شد و هم‌آن‌رو که بخشی از نیروهای دم و کرات به آن راه-ی-افتن-د-از سوی دیگر وزارت کشور گام‌هایی اساسی برای تکمیل دیگر حلقه‌های تمرکززدایی از قدرت سیاسی در ایران برداشته است که قابل چشم پوشی نیست. در جمله مهم ترین این گام‌ها می‌توان در دادن اختیارات بیشتر به استانداران

نشاط بررسی می‌کند

کارنامه دوسال اصلاحات دولت خاتمی

واکاستن از اقتدار پایتخت دید. شباه همین برنامه تمرکززدایی در حوزه فرهنگ نیز دیده می‌شود. وزارت فرهنگ نیز تلاش‌هایی را در جهت کاستن از شرح وظایف خود و افزایش نقش نظارتی‌اش در دستور کار قرار داده است. سخن گفتن از تدوین قانون کتاب و قانون سینما که عملاً نقش دولت را به شکل یک ناظر تغییر می‌دهد از جمله مهمترین برنامه‌هایی است که می‌تواند به عنوان نمود یک برنامه اصلاحات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. ضمن آن‌که اگر مهاجرانی پس از رویکرد خود به محافظه کاران همچنان به خلمشی معاون خود در یک ساله نخست وزارت نش (محمد بورقانی) وفادار باشد، در حوزه مطبوعات کارنامه اصلاح کمابیش موفق است، اما به هر میزان که با زاویه دیدی شفقانه و خوش بینانه به روند اصلاحات سیاسی و فرهنگی نگاه کنیم، چنین چشم اندازی در افق اصلاحات اقتصادی وجود ندارد. وزرا و مسئولان اقتصادی دولت در این دوساله از کم‌سخن ترین اعضای کابینه بوده‌اند. تنها برنامه اقتصادی دولت در این مدت تدوین یک طرح مبهم و دوپهلوی اقتصادی به نام ساماندهی اقتصادی بود که بیش از همه بیابانر شکاف‌های درونی دولت در عرصه اقتصاد است. روند اصلاحات اقتصادی در درون دولت تا اندازه‌ای کند بوده است که حتی به تیم اقتصادی هاشمی رفسنجانی جز چند چپ اردنگس افزوده نشده است و طبیعی است که در چنین شرایطی نه تنها الگوهای جدید یا حتی اردنگس مجال بروز نمی‌یابند بلکه در بهم تنیدن اختلاف خود نوعی پریشانی اقتصادی را دامن می‌زنند. پاره‌ای از صاحب نظران با در نظر گرفتن شرایط فوق توصیه می‌کنند که خاتمی به ترمیم کابینه دست زند. این توصیه تا آنجا پیش رفت که در آغاز سال جدید تبدیل به یک شایعه شد. تک‌دید دفتر ریاست جمهوری نشان داد که خاتمی هنوز حاضر نیست آنچه را ایرانیان رودریاستی می‌خوانند کنار بگذارد و حتی به دلیل همین نوسانات خود حاضر است همه هزینه‌های این کار را بپذیرد. از همین روست که حتی وزیر دوم اطلاعات کابینه او اولین انتخابش نیست. صاحب نظراتی که این توصیه را می‌کنند معتقدند حداقل انتظاری که از خاتمی می‌رود یک دست کردن تیم اقتصادی است. آنان معتقدند که حداقل تا زمان مشخص نشدن رهاکار اقتصادی متعلق به شخص خاتمی و جناح میانه‌ای که او در میان چپ‌های اردنگس و کار گزاران تشکیل داده است، او باید میان این دو برنامه یک برنامه و یک تیم را برگزیند. پاره‌ای دیگر از صاحب نظران با در نظر گرفتن شخصیت سیاسی خاتمی و لکت‌های اخلاقی او در برخورد صریح با دیگران توصیه می‌کنند که او به تدوین یک برنامه استراتژیک برای روند



اصلاحات در درون دولتش بپردازد. چنین انتظاری البته باید از یک حزب سیاسی خواسته شود اما در شرایطی که چنین چیزی وجود ندارد طبیعی است که خاتمی مجبور به استعفا شد و خاتمی توانست به انتخابی همچنان محدود اما مشروط دست بزند. با وجود این خاتمی دو عضو کلیدی کابینه‌اش را نیز از دست داد: غلامحسین گریباجی از همان آغاز از کابینه خارج شد و عبدالله نوری در فاصله‌ای کمتر از یک سال مجبور به خروج از دولت شد. در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی تا مرز از دست دادن وزیر فرهنگ و سخنگوی دولتش نیز تهدید شد؛ تلاشی که ناکام ماند اما عملاً دولت را تا مرز لامبدهی پیش برد. با وجود این پاشنه آشیل دولت خاتمی را نه سئوالات و استیضاح‌های پیگیر محافظه کاران که راست روی‌ها در وزارت فرهنگ (که مدیریت آن متعلق به حزب کار گزاران است) به گونه‌ای است که می‌توان برای اصلاحات فرهنگی پس از یک دوره اوج تعطیلات شش ماهه در نظر گرفت اما ثبات برنامه در دولت با به شکلی است که حتی در دوره عبدالله نوری از روند مشخصی برخوردار بوده‌است. با وجود این اصلاحات سیاسی در کشور تا آن جایی که به دولت مربوط است به کندی پیش می‌رود. هنوز به‌واسطه اپوزیسیون مجوز فعالیت داده نشده‌است و تعداد میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های سیاسی (که در دوره وزارت نوری اوج گرفت بود) سقوط کرده است. اگر این دو مورد را موکول به دخالت محافظه کاران در نهادهایی مانند کمیسیون ماده (۱۴) نهاد تصمیم گیرنده در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی) بدانیم آنچه به عنوان یک نقطه ضعف در نظر می‌آید به تعویق افتادن تلاش برای حذف فطرات فائقه شورای نگهبان بر انتخابات در ایران است. پس از بازگشت لایحه اصلاح قانون انتخابات از جلسه هیات دولت وزارت کشور به نظر رسیده که دولت وزارت کشور از پیگیری ماجرا صرف نظر کرده‌اند. در دادران به یک راه حل موقت یعنی تعیین کمیته داوری برای رفع دغدغه محافظه کاران و اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای نشان دهنده نکته مهمتری از این عدم پیگیری بود. ناظران معتقدند وزارت کشور علامت‌هایی برای عدم پیگیری از جانب برخی مقامات عالیه دریافت کرده بود. با وجود این چندی بعد با بازدیدن شدن به مجلس ششم رسیدگی به این مشکل در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت. اما همان گونه که محافظه کاران زمان مناسبی برای استیضاح مهاجرانی انتخاب نکرده بودند اصلاح طلبان نیز در انتخاب زمان دچار اشتباه شدند. این بار این محافظه کاران بودند که توانستند مجوز فعالیت داده نشده‌است را از آینده خود بینماک کنند و با ایجاد فشار، چوروانی موجود علیه نظارت فائقه شورای نگهبان را به پدیده‌ای علیه خودش تبدیل کنند. تا اینجا کار، انتخاب سال یابانی مجلس پنجم برای اصلاح قانون انتخابات یک اشتباه استراتژیک جدی بود. اما در برابر، یک نوب در کارنامه اصلاحات سیاسی دولت وجود دارد. بر گزاری انتخابات شوراهای از هر منظری یک گام به پیش برای اصلاحات در ایران بود. هم‌آن‌رو که یک راه‌مندی تأسیس می‌شد و هم‌آن‌رو که بخشی از نیروهای دم و کرات به آن راه-ی-افتن-د-از سوی دیگر وزارت کشور گام‌هایی اساسی برای تکمیل دیگر حلقه‌های تمرکززدایی از قدرت سیاسی در ایران برداشته است که قابل چشم پوشی نیست. در جمله مهم ترین این گام‌ها می‌توان در دادن اختیارات بیشتر به استانداران

اصلاحات در درون دولتش بپردازد. چنین انتظاری البته باید از یک حزب سیاسی خواسته شود اما در شرایطی که چنین چیزی وجود ندارد طبیعی است که خاتمی مجبور به استعفا شد و خاتمی توانست به انتخابی همچنان محدود اما مشروط دست بزند. با وجود این خاتمی دو عضو کلیدی کابینه‌اش را نیز از دست داد: غلامحسین گریباجی از همان آغاز از کابینه خارج شد و عبدالله نوری در فاصله‌ای کمتر از یک سال مجبور به خروج از دولت شد. در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی تا مرز از دست دادن وزیر فرهنگ و سخنگوی دولتش نیز تهدید شد؛ تلاشی که ناکام ماند اما عملاً دولت را تا مرز لامبدهی پیش برد. با وجود این پاشنه آشیل دولت خاتمی را نه سئوالات و استیضاح‌های پیگیر محافظه کاران که راست روی‌ها در وزارت فرهنگ (که مدیریت آن متعلق به حزب کار گزاران است) به گونه‌ای است که می‌توان برای اصلاحات فرهنگی پس از یک دوره اوج تعطیلات شش ماهه در نظر گرفت اما ثبات برنامه در دولت با به شکلی است که حتی در دوره عبدالله نوری از روند مشخصی برخوردار بوده‌است. با وجود این اصلاحات سیاسی در کشور تا آن جایی که به دولت مربوط است به کندی پیش می‌رود. هنوز به‌واسطه اپوزیسیون مجوز فعالیت داده نشده‌است و تعداد میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های سیاسی (که در دوره وزارت نوری اوج گرفت بود) سقوط کرده است. اگر این دو مورد را موکول به دخالت محافظه کاران در نهادهایی مانند کمیسیون ماده (۱۴) نهاد تصمیم گیرنده در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی) بدانیم آنچه به عنوان یک نقطه ضعف در نظر می‌آید به تعویق افتادن تلاش برای حذف فطرات فائقه شورای نگهبان بر انتخابات در ایران است. پس از بازگشت لایحه اصلاح قانون انتخابات از جلسه هیات دولت وزارت کشور به نظر رسیده که دولت وزارت کشور از پیگیری ماجرا صرف نظر کرده‌اند. در دادران به یک راه حل موقت یعنی تعیین کمیته داوری برای رفع دغدغه محافظه کاران و اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای نشان دهنده نکته مهمتری از این عدم پیگیری بود. ناظران معتقدند وزارت کشور علامت‌هایی برای عدم پیگیری از جانب برخی مقامات عالیه دریافت کرده بود. با وجود این چندی بعد با بازدیدن شدن به مجلس ششم رسیدگی به این مشکل در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت. اما همان گونه که محافظه کاران زمان مناسبی برای استیضاح مهاجرانی انتخاب نکرده بودند اصلاح طلبان نیز در انتخاب زمان دچار اشتباه شدند. این بار این محافظه کاران بودند که توانستند مجوز فعالیت داده نشده‌است را از آینده خود بینماک کنند و با ایجاد فشار، چوروانی موجود علیه نظارت فائقه شورای نگهبان را به پدیده‌ای علیه خودش تبدیل کنند. تا اینجا کار، انتخاب سال یابانی مجلس پنجم برای اصلاح قانون انتخابات یک اشتباه استراتژیک جدی بود. اما در برابر، یک نوب در کارنامه اصلاحات سیاسی دولت وجود دارد. بر گزاری انتخابات شوراهای از هر منظری یک گام به پیش برای اصلاحات در ایران بود. هم‌آن‌رو که یک راه‌مندی تأسیس می‌شد و هم‌آن‌رو که بخشی از نیروهای دم و کرات به آن راه-ی-افتن-د-از سوی دیگر وزارت کشور گام‌هایی اساسی برای تکمیل دیگر حلقه‌های تمرکززدایی از قدرت سیاسی در ایران برداشته است که قابل چشم پوشی نیست. در جمله مهم ترین این گام‌ها می‌توان در دادن اختیارات بیشتر به استانداران

اصلاحات در درون دولتش بپردازد. چنین انتظاری البته باید از یک حزب سیاسی خواسته شود اما در شرایطی که چنین چیزی وجود ندارد طبیعی است که خاتمی مجبور به استعفا شد و خاتمی توانست به انتخابی همچنان محدود اما مشروط دست بزند. با وجود این خاتمی دو عضو کلیدی کابینه‌اش را نیز از دست داد: غلامحسین گریباجی از همان آغاز از کابینه خارج شد و عبدالله نوری در فاصله‌ای کمتر از یک سال مجبور به خروج از دولت شد. در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی تا مرز از دست دادن وزیر فرهنگ و سخنگوی دولتش نیز تهدید شد؛ تلاشی که ناکام ماند اما عملاً دولت را تا مرز لامبدهی پیش برد. با وجود این پاشنه آشیل دولت خاتمی را نه سئوالات و استیضاح‌های پیگیر محافظه کاران که راست روی‌ها در وزارت فرهنگ (که مدیریت آن متعلق به حزب کار گزاران است) به گونه‌ای است که می‌توان برای اصلاحات فرهنگی پس از یک دوره اوج تعطیلات شش ماهه در نظر گرفت اما ثبات برنامه در دولت با به شکلی است که حتی در دوره عبدالله نوری از روند مشخصی برخوردار بوده‌است. با وجود این اصلاحات سیاسی در کشور تا آن جایی که به دولت مربوط است به کندی پیش می‌رود. هنوز به‌واسطه اپوزیسیون مجوز فعالیت داده نشده‌است و تعداد میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های سیاسی (که در دوره وزارت نوری اوج گرفت بود) سقوط کرده است. اگر این دو مورد را موکول به دخالت محافظه کاران در نهادهایی مانند کمیسیون ماده (۱۴) نهاد تصمیم گیرنده در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی) بدانیم آنچه به عنوان یک نقطه ضعف در نظر می‌آید به تعویق افتادن تلاش برای حذف فطرات فائقه شورای نگهبان بر انتخابات در ایران است. پس از بازگشت لایحه اصلاح قانون انتخابات از جلسه هیات دولت وزارت کشور به نظر رسیده که دولت وزارت کشور از پیگیری ماجرا صرف نظر کرده‌اند. در دادران به یک راه حل موقت یعنی تعیین کمیته داوری برای رفع دغدغه محافظه کاران و اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای نشان دهنده نکته مهمتری از این عدم پیگیری بود. ناظران معتقدند وزارت کشور علامت‌هایی برای عدم پیگیری از جانب برخی مقامات عالیه دریافت کرده بود. با وجود این چندی بعد با بازدیدن شدن به مجلس ششم رسیدگی به این مشکل در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت. اما همان گونه که محافظه کاران زمان مناسبی برای استیضاح مهاجرانی انتخاب نکرده بودند اصلاح طلبان نیز در انتخاب زمان دچار اشتباه شدند. این بار این محافظه کاران بودند که توانستند مجوز فعالیت داده نشده‌است را از آینده خود بینماک کنند و با ایجاد فشار، چوروانی موجود علیه نظارت فائقه شورای نگهبان را به پدیده‌ای علیه خودش تبدیل کنند. تا اینجا کار، انتخاب سال یابانی مجلس پنجم برای اصلاح قانون انتخابات یک اشتباه استراتژیک جدی بود. اما در برابر، یک نوب در کارنامه اصلاحات سیاسی دولت وجود دارد. بر گزاری انتخابات شوراهای از هر منظری یک گام به پیش برای اصلاحات در ایران بود. هم‌آن‌رو که یک راه‌مندی تأسیس می‌شد و هم‌آن‌رو که بخشی از نیروهای دم و کرات به آن راه-ی-افتن-د-از سوی دیگر وزارت کشور گام‌هایی اساسی برای تکمیل دیگر حلقه‌های تمرکززدایی از قدرت سیاسی در ایران برداشته است که قابل چشم پوشی نیست. در جمله مهم ترین این گام‌ها می‌توان در دادن اختیارات بیشتر به استانداران

روى دیگر سه اصلاحات در ایران مخالفتی هستند که به نظر می‌رسد بیش از همه در صف محافظه کاران قرار گیرند. محافظه کاران ناکام از دست‌یابی به ریاست جمهوری ایران بیش از همه در نهادهایی جای گرفته‌اند که رأی مردم در مورد آنها یا چندان دخیل نیست و یا با وساطه‌هایی اعمال می‌گردد. این نهادها که صف طولی از... مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروهای نظامی و انتظامی و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند در طول دوساله اخیر چندان با روند اصلاحات هم‌دلی نشان نداده‌اند (اگر نگوئیم مخالفت وزر زیدنه‌اند) نشاء بین این مجموعه شورای نگهبان بوده است و حداقل تا زمانی که نهاد‌های مدنی توانسته‌اند در پناه سال گذشته (میان دوره‌ای مجلس پنجم و سومین دوره مجلس خبرگان) نقش مؤثری در حذف نیروهای اصلاح طلب خارج از دولت داشته‌است و در دیگر انتخاباتی که خارج از نظرات شورای نگهبان قرار داشت این وظیفه را به هیات پارلمانی نظارت سپرد. (انتخابات مهرماه). صاحب خبرگان از این نظر مهم ترین نهادهای شد که از چنگ اصلاحات خارج شد و شوراهای تنها نهادهای شد که (به دلیل ضعف اقتدار هیات نظارت نسبت به شورای نگهبان) در دامان اصلاح طلبان افتاد. در کنار این قدرت فائقه نقش

نشاط بررسی می‌کند

اصلاحات در درون دولتش بپردازد. چنین انتظاری البته باید از یک حزب سیاسی خواسته شود اما در شرایطی که چنین چیزی وجود ندارد طبیعی است که خاتمی مجبور به استعفا شد و خاتمی توانست به انتخابی همچنان محدود اما مشروط دست بزند. با وجود این خاتمی دو عضو کلیدی کابینه‌اش را نیز از دست داد: غلامحسین گریباجی از همان آغاز از کابینه خارج شد و عبدالله نوری در فاصله‌ای کمتر از یک سال مجبور به خروج از دولت شد. در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی تا مرز از دست دادن وزیر فرهنگ و سخنگوی دولتش نیز تهدید شد؛ تلاشی که ناکام ماند اما عملاً دولت را تا مرز لامبدهی پیش برد. با وجود این پاشنه آشیل دولت خاتمی را نه سئوالات و استیضاح‌های پیگیر محافظه کاران که راست روی‌ها در وزارت فرهنگ (که مدیریت آن متعلق به حزب کار گزاران است) به گونه‌ای است که می‌توان برای اصلاحات فرهنگی پس از یک دوره اوج تعطیلات شش ماهه در نظر گرفت اما ثبات برنامه در دولت با به شکلی است که حتی در دوره عبدالله نوری از روند مشخصی برخوردار بوده‌است. با وجود این اصلاحات سیاسی در کشور تا آن جایی که به دولت مربوط است به کندی پیش می‌رود. هنوز به‌واسطه اپوزیسیون مجوز فعالیت داده نشده‌است و تعداد میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های سیاسی (که در دوره وزارت نوری اوج گرفت بود) سقوط کرده است. اگر این دو مورد را موکول به دخالت محافظه کاران در نهادهایی مانند کمیسیون ماده (۱۴) نهاد تصمیم گیرنده در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی) بدانیم آنچه به عنوان یک نقطه ضعف در نظر می‌آید به تعویق افتادن تلاش برای حذف فطرات فائقه شورای نگهبان بر انتخابات در ایران است. پس از بازگشت لایحه اصلاح قانون انتخابات از جلسه هیات دولت وزارت کشور به نظر رسیده که دولت وزارت کشور از پیگیری ماجرا صرف نظر کرده‌اند. در دادران به یک راه حل موقت یعنی تعیین کمیته داوری برای رفع دغدغه محافظه کاران و اصلاح طلبان در انتخابات شوراهای نشان دهنده نکته مهمتری از این عدم پیگیری بود. ناظران معتقدند وزارت کشور علامت‌هایی برای عدم پیگیری از جانب برخی مقامات عالیه دریافت کرده بود. با وجود این چندی بعد با بازدیدن شدن به مجلس ششم رسیدگی به این مشکل در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت. اما همان گونه که محافظه کاران زمان مناسبی برای استیضاح مهاجرانی انتخاب نکرده بودند اصلاح طلبان نیز در انتخاب زمان دچار اشتباه شدند. این بار این محافظه کاران بودند که توانستند مجوز فعالیت داده نشده‌است را از آینده خود بینماک کنند و با ایجاد فشار، چوروانی موجود علیه نظارت فائقه شورای نگهبان را به پدیده‌ای علیه خودش تبدیل کنند. تا اینجا کار، انتخاب سال یابانی مجلس پنجم برای اصلاح قانون انتخابات یک اشتباه استراتژیک جدی بود. اما در برابر، یک نوب در کارنامه اصلاحات سیاسی دولت وجود دارد. بر گزاری انتخابات شوراهای از هر منظری یک گام به پیش برای اصلاحات در ایران بود. هم‌آن‌رو که یک راه‌مندی تأسیس می‌شد و هم‌آن‌رو که بخشی از نیروهای دم و کرات به آن راه-ی-افتن-د-از سوی دیگر وزارت کشور گام‌هایی اساسی برای تکمیل دیگر حلقه‌های تمرکززدایی از قدرت سیاسی در ایران برداشته است که قابل چشم پوشی نیست. در جمله مهم ترین این گام‌ها می‌توان در دادن اختیارات بیشتر به استانداران

سازمان آگهی های روزنامه نشاط

سازمان آگهی های روزنامه نشاط در نظر دارد به مناسبت سالروز حماسه دوم خرداد ، به شرکتها و تولید کنندگانی که به مناسبت این روز محصولات و خدمات خود را با تخفیف عرضه مینمایند و یا این مناسبت را شادباش می گویند ، ۵۰ درصد تخفیف در حوزه آگهی ارائه نماید .
روزنامه نشاط (روزنامه جامعه مدنی ایران) در انتظار همراهی و همیاری همه شرکتهای محترم در این مناسبت می باشد .
تلفنهای پذیرش آگهی : ۲۵ ۸۷۷۹۱ و ۲۷۷۲۷۷ ۸۷۷

مجمع تشخیص مصلحت نظام غیر قابل انکار است. هر چند که پاره‌ای اصلاح طلبان (خوشینی‌ها، نوری، موسوی و...) در کنار بخشی از نیروهای نزدیک تر به ایشان (هاشمی رفسنجانی، نورخوشی و...) در این نهاد حضور دارند اما با وجود این قدرت محافظه کاران در مجمع تا اندازه‌ای هست که بتوانند مدیریت هاشمی رفسنجانی را (که گردش به راست‌های او معروف است) تحت تأثیر قرار دهند و از غلبه اصلاح طلبان جلوگیری کنند. شاید به همین دلیل است که به تدریج در طول این دوساله دولت سومی نیز شکل گرفته‌است که بعضاً از اقتدار بیشتری از دولت رسمی بر خور دار است. نیروهای نظامی و انتظامی نیز در همین راستا بیشترین فاصله را با دولت، طی سال‌های اخیر، داشته‌اند. در حالی که همواره نقش فرماندهی کل قوا در محدوده نیروهای انتظامی، به‌ویژر کشور تقویش می‌شد عبدالله نوری مستثنی شد و تنها هنگامی که فرمانده وقت و حاضر نیروی انتظامی و مرد شماره دوی آن نشین شدند وزیر بعدی در مقام جانشینی قرار گرفت. دوگانگی منطق حاکم بر رفتار رسمی دولت و مدیریت اطلاعاتی کشور تا به‌آنجا پیش رفت که وزیر ی رفت و وزیر جدیدی آمد و البته تنها یک افشاگری توانست این تحول را ایجاد کند.

در کنار قوای دور از دسترس رای مردم (که به نظر می‌رسد اصلاح طلبان را انتخاب کرده‌اند) تنها نهاد متکی به رأی مردم که در اختیار محافظه کاران است نیز به نحو هوشمندانه‌ای مبارزه با اصلاحات را پیشه ساخته‌است. مجلس شورای اسلامی مدتی است که استفاده از قانون را در برابر حقوق اساسی آموخته‌است و می‌کوشد تمایلات ابزاری را زان، تلاش برای تعیین قانون آزادی مطبوعات و از همه مهم‌تر بر کناری با تلاش برای بر کناری اصلاح طلبان سیاسی و فرهنگی در دولت از مهم ترین فازهای این پروژه بوده است. پروژه‌ای که در قوه قضائیه (نهادی با یک واسطه منبعت از مردم) نیز دنبال می‌شود. مهم ترین پروژه‌هایی که این دوران ۲ سال گذشته کشود دستگیری و اصلاح طلب هوادار خاتمی در دولت و بیرون رایی یعنی غلامحسین کرباسچی و محسن کدیور بوده‌است. با پایان آخرین سال فعالیت مجلس پنجم و نیز خاتمه دوره دوساله ریاست محمد پزدی بر قوه قضائیه انتظار می‌رود که کدسب‌رای وارد بر جو اصلاحات در کشور برداشته شود. بخصوص با توجه به این‌که با کدسب‌رای اعتماد مجدد مهاجرانی از مجلس نیز نامه تعداد زیادی از نمایندگان پارلمان به رهبری، پوسته‌اندین دو مرگ اصلی تجمع محافظه کاران (سکس قوه قضائیه) در کشور خورده‌است. اما در کنار این دشواری‌ها بر سر راه محافظه کاران در ساخت رسمی قدرت، باید نقش مهم و غیر قابل پیش‌بینی دوستان ساکن در ساخت موازی قدرت را در نظر آورد. شورای نگهبان و دیگر نهادهایی از این دست می‌توانند به‌احتی فزای موجود فعالیت را برای محافظه کاران تجدید کنند. آیا این نوع چاره‌جویی‌های سیاسی به داد محافظه کاران خواهد رسید؟

۳. اصلاح طلبان آنسوی دیوار

در کنار این دو صف، هواداران و مخالفان اصلاحات، نیروهای اصلاح طلبی نیز وجود دارند که آن سوی دیوار قدرت قرار گرفته‌اند. نقش روشنفکران، روزنامه نگاران، دانشجویان و... در این دوساله چنان بوده‌است که گویی همان نقش را که قدرت‌های موازی برای محافظه کاران بازی می‌کنند، این لایه اجتماعی برای جریان اصلاح گرایبی به عهده دارد. نکته جالب توجه‌ان که بخشی از این اصلاح طلبان همان نیروهای هستند که با تلاش مهاجرانی از دولت به بیرون رانده شده‌اند. حضور عبدالله نوری در عرصه مطبوعات مهمترین نمونه این اصلاح طلبان آن سوی دیوار است و اگر محافظه کاران به انتفال کرباسچی از دولت بسنده می‌کردند دومین نمونه این گروه بود. در کنار این سیاستمداران تبعیدی همچنان دانشجویان و روزنامه نگاران راسخ ترین و مؤثر ترین هواداران خاتمی و اصلاحات سیاسی و فرهنگی او به شمار می‌روند. این دو گروه به دلیل شبکه ارتباطی گسترده خود در سراسر کشور توانسته‌اند مانند پیام‌رسانان امین اصلاحات عمل کنند و حتی رسانه‌های فراگیر اما محافظه کاری مانند صدا و سیما را پشت سر بگذارند. محافظه کاران گرچه در دو سال گذشته پروژه‌های زیادی در دستور کار قرار دادند و حتی گاه موفق هم شدند، اما هیچ کدام آنها بدون جلب توجه افکار عمومی به فرجام نر رسید. یعنی درست در همان زمانی که محسن کدیور در زندان به سر می‌برد پیام او به یک سمینار دانشجویی در شیراز خوانده می‌شد و وزارت فرهنگ مجوز نشر کتابی شامل دفاعیات او را ص-ادر ک-رده بود. بخش عمده‌ای از توفیقات مجموعه اصلاح طلبان در ۲ سال گذشته را باید محصور همین تار شا به دانست. از افشای قتل‌های مخفی و رسیدگی به پرونده آنها گرفته تلاش برای ترمیم کابینه حداقل در حوزه وزارت اطلاعات، همه، نمودهایی از توفیق در راستای این تلاش بوده است. بخش عمده‌ای از فضای لازم برای تداوم اصلاحات و تبدیل آن به خواستنی عمومی می‌گونه‌ای که خاتمی بتواند مدعی

نمایندگی آن در برابر محافظه کاران شود در اثر تیزبینی همین روزنامه‌ها و نیز جلساتی بدست آمده‌است که توسط دانشجویان بر گزار شده‌است. با وجود این در برخی مواقع همین نهادها به پهنه‌ای علیه جنبش اصلاح طلب بدل شده است. عبدالله نوری به سبب اجازه‌های مکرری که به دانشجویان اصلاح طلب برای بر گزاری میتینگ داد، بر کنار شد و عطاالله مهاجرانی به سبب مجوزهای نشر روزنامه خاتمی است به‌واسطه عزل پیش رفت. به نظر می‌رسد در این میان یک حلقه مفقوده نیز وجود دارد نه تنها احزاب اپوزیسیون که حتی گروه‌های سیاسی هوادار خاتمی نقش ویژه‌ای در فضای سیاسی کشور ندارند. دو حزب عمده طرفدار خاتمی جبهه مشارکت، و حزب کار گزاران بیش از آن‌که در فکر عمومی کردن گستره نفوذ خود باشند به شاشین‌های انتخاباتی برای رای جمع کردن تبدیل شده‌اند. به نظر می‌رسد خاتمی باید بخشی بیشتری از وظایف سیاسی خود را بر دوش اصلاح طلبان آن سوی دیوار بگذارد. اما پاسخ به این سؤال که آیا آنها خواهند توانست باری را که بر دوش خاتمی است به‌وش بکشند باید به آینده موکول کرد؛ آینده‌ای که در آن بسیاری نکات نادیده امروز دیده خواهند شد و به خصوص شکاف‌هایی را که در صف اصلاح طلبان وجود دارد. عربیان خواهند کرد. در آخرین انتخابات سال گذشته (شوراهای جبهه مشارکت و حزب کار گزاران رفاقتی نیز پوستینی را انجام دادند. آبی این رایت بر مجلس ششم اوج خواهد گرفت؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال حداقل تا زمان وجود رقیب مشترک منفی است اما آنچه غیر قابل اعضای است شکاف‌ها و رقابت‌های درونی است که میان دو جناح چپ و میانه اصلاح طلبان وجود دارد. حداقل انتظاری که خاتمی سیاستمداران هوادار خود می‌تواند داشته باشد فعال نکردن این شکاف هاست. در حوزه نهاد‌های مدنی نیز تحولاتی که در کارنامه دو سال اصلاحات خاتمی دیده می‌شود نمی‌تواند از چشم تحلیلگران پوشیده بماند. از همین زاویه‌است که تأسیس چند نهاد منتهی‌مانند انجمنی برای روزنامه نگاران یا گسترش نهاد‌های دانشجویی شایسته توجه است. از همه تحولات رخ داده در این حوزه‌ان چه بیش از همه سرور صدا کرد اجازه دادن به نویسندگان برای برپایی یک نهاد بیست سال در محاق مانده بود. شاید بتوان گفت اکنون نویسندگان تنها گروه مخالفی بود که رسماً از یک مقام دولت خاتمی نامه حمایت آمیز گرفت. نکته مهم تر آن که این نهاد‌های مدنی به تدریج سهم بیشتری در کشور و حتی ساخت رسمی دولت می‌یابند. روشنفکرانی که در جریان انتخابات جمهوری از خاتمی حمایت کرده بودند، اینک اجازه یافته‌اند امور خودشان را خود برعهده گیرند: سپردن امور سینمایی به خانه سینما و اداره جشنواره مطبوعات توسط روزنامه نگاران دو نمونه بارز این پدیده‌ن هستند و این پدیده نیز به نوبه خود خبر از یک دانه تاریخی دیگر می‌کند: روشنفکران ایرانی که زمانی به دولت بودن افتخار می‌کردند اینک افتخار را در با دولت بودن می‌جویند.

دوم خرداد امسال که بگذرد دو سال از آغاز اصلاحات در ایران می‌گذرد. این که ایرانیان در این دو سال به چه دستاوردهایی رسیده‌اند سؤال‌های است جدی که همه اصلاح طلبان ایرانی در باره‌ان نمی‌اندیشند و به نظر می‌رسد چنین اندیشه‌ای اینک مغلوب دغدغه دیگری شده‌است: دغدغه‌این که برنامه اصلاحات تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟

کمال خرازی:

ایران و آذربایجان از امکانات سیاسی برای توسعه روابط برخوردارند

گروه داخلی - وزیر امور خارجه ایران روز جمعه در پایان نشست یک روزه شورای وزیران سازمان همکاری های اقتصادی منطقه ای در «باکو» با «توفیق دو الفقاراف» وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان دیدار و گفت و گو کرد.

کمال خرازی در این دیدار گفت: «برای توسعه روابط در همه زمینه ها امکانات حادی وجود دارد و هر دو طرف باید از این امکانات به نحو مطلوب و مفیدی بهره بگیرند،

وی در پایان این دیدار انتخاب وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان که به ریاست شورای وزیران «اکو» را به وی تبریک گفت و ابراز امیدواری کرد که با انتخاب «دو الفقاراف» این شورا فعال تر از گذشته به وظایف خود عمل نماید.
نهمین اجلاس شورای وزیران سازمان همکاری های منطقه ای «اکو»، روز جمعه با حضور نمایندگان ده کشور عضو این سازمان در سرای گلستان شهر باکو پایتخت جمهوری آذربایجان بر گزار شد.

 بی ستون
 غلطهای زیادی دانشجویان
 سیدابراهیم نبوی
 جاسبی: ایادی تشنج آفرین مطبوعات را از دانشگاه حذف خواهیم کرد.
 مقدمه
 باتوجه به اینکه دانشگاه مهم علم و دانش بوده و شخصیت های علمی بزرگی مانند فارابی، ابن سینا، ابن خلدون، ابوریحان بیرونی، ابن مسکویه و غیره در این مملکت بروز کرده اند و با عنایت به اینکه علم و دانش بسیار مهم است و بهتر از ثروت می باشد و در راستای این امر که لیبرالیسم و آزادی های اقتصادی و فرهنگی اموری ممنوع بوده و جز در مورد دانشگاه آزاد لازم نیست امورات لیبرالیستی رایج شود و با اظهار علاقه نسبت به اعلام اینکه بخش اعظم دانشجویان تا اطلاع ثانوی صغیر می باشند و مواردی از این دست ما تصمیم گرفته ایم تا با تأسیس یک دانشگاه بسیار آزاد گامی در راستای توسعه علمی کشور و توسعه اقتصادی خودمان برداشته، لذا موارد زیر جهت کلیه دانشجویان دانشگاه بسیار آزاد بخشنامه می شود.
 بخشنامه
 ۱) دانشجویان عزیز هنگام ثبت نام یا پدر و مادرشان مراجعه کنند.
 ۲) کلیه دانشجویان مورد نظارت استصوابی قرار می گیرند.
 ۳) دانشجویانی که با روزنامه ها در تباط داشته و یا در طول سال در سلا عام و مخصوصاً مراسم دوم خرداد کف بزنند باید هر ترم دو برابر شهریه بپردازند.
 ۴) دانشجویان باید با خودشان لیوان کبکی، جامدادی و ناخن گیر همراه داشته باشند.
 ۵) حتی الامکان پوشک اضافی همراه بیاورند.
 ۶) در دانشجویی که سرچای خودش کار بدی کند به کمیته انضباطی معرفی می شود.
 ۷) کلیه دانشجویان باید نام خود و کلاس شان را روی کت یا روبروش خود یا یک گل خوشگلوزی نمایند.
 ۷) آوردن عکس بر گردان، آب نبات، آداماس تق تقی، بادکنک، بویو، یام یام و عکس هنرپیشه هندی در دانشگاه ممنوع است.
 ۸) کلیه دانشجویانی که از چراغ قرمز رد می شوند علاوه بر جریمه راهنمایی و رانندگی باید هر واحد ۳۰۰۰ تومان جریمه بپردازند.
 ۹) دانشجویانی که در حیاط لی لی و هفت سنگ بازی می کنند به مدت یک ساعت باید یک لنگی گوشه حیاط بایستند.
 ۱۰) در صورت فروش ساختمان دانشگاه بسیار آزاد، دانشجویان نیز همراه با ساختمان فروخته می شوند و حق هیچ گونه اعتراضی ندارند.
 ۱) دانشجویان حق ندارند غلطهای زیادی بکنند.
 ooo
 نتیجه گیری آموزشی: برده داری برای توسعه آموزش بسیار مفید است.
 نتیجه گیری اخلاقی: ماژاد هشتیم که در عطلی دلمان خواست بکنیم.
 نتیجه گیری اقتصادی: پول بده، تو سری هم بخور.
 نتیجه گیری سیاسی: سیاست بهترین راه کسب درآمد است.

با رسانه ها

صبح امروز: مطبوعات باندی

علیرضا علوی تبار در یادداشتی با عنوان مطبوعات و دلبستگی های آدمی به ارزیابی حریفه مطبوعات پرداخته و نوشته است: «گاهی در عرصه مطبوعات با پدیده‌ای مواجه می‌شویم که می‌توان از آن به مطبوعات باندی تعبیر کرد. منظور از باند گروهی از افراد است که مبانی فکر و جهت گیری‌های مشخص سیاسی خود را پنهان کرده و باوجود داشتن هدایت فکری و جهت گیری مشترک از اعلام آن خودداری می‌کن

آماده‌باشی نیروهای حافظ صلح ناتو

گروه بین الملل - B.B.C: نیروهای زمینی ناتو در مقدونیه خود را آماده می سازند تا به عنوان نیروهای حافظ صلح وارد کوزوو شوند.

به گزارش B.B.C، از مقدونیه، دولت ایالات متحده آمریکا روز گذشته به نیروهای زمینی ناتو در مقدونیه دستور داد تا برای انجام عملیات صلح طلبانه آماده شوند. آمریکا قصد دارد با کمک نیروهای زمینی ناتو به عنوان حافظان صلح، تمامی پناهندگان آلبانیایی تبار را به کوزوو بازگرداند.

براساس این گزارش، متحدین غربی تأکید می کنند که این نیروها تنها برای برقراری صلح هستند و جهت جنگ آماده نمی شوند. در این حال مقامات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تصریح کردند که بازگرداندن تمامی پناهندگان آلبانیایی تبار به کوزوو حداقل ۲ سال طول خواهد کشید. به این منظور ناتو برآورد کرد که ۲۸ هزار سرباز برای عملیات حفظ صلح لازم است اما روز گذشته «بیل کلینتون» رئیس جمهوری آمریکا خواستار ۲ برابر شدن این تعداد شد که نشان دهنده تغییر آشکار در استراتژی ناتو است. در این حال روز گذشته جنگنده بمب افکن های ناتو، با ۷۰۰ سورتی

پرواز بر فراز خاک یوگسلاوی شدیدترین حملات خود را از زمان آغاز این حملات انجام دادند. در این حملات، هواپیماهای غربی مواضع تجهیزات نظامی نیروهای صرب را در کوزوو مورد حمله قرار داده اند و با پرتاب



بیش از هزار موشک و صدها بمب گرافیتی و لیزری، به سیستم های انتقال برق و مخازن سوخت در سر تاسر یوگسلاوی آسیب رساندند. در اثر این بمباران بار دیگر اکثر مناطق یوگسلاوی شب و روز گذشته در تاریکی فرو رفته بود.

جنگنده های ناتو همچنین

دیپلماسی: پس از پایان مذاکرات «تالبوت - آختیساری - چرنومیردین» در مسکو، «مارتی آختیساری» رئیس جمهور فنلاند روز گذشته در سوئد با کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل دیدار ووی را در جریان مذاکرات روسیه و آمریکا در «مسکو» قرار داد. این مذاکرات قرار است از روز سه شنبه

جاری در «مسکو» از سر گرفته شود. این در حالی است که «لامبرتودینی» رئیس جمهوری ایتالیا از «میلوسویچ» همتای یوگسلاو خود خواست تا با پذیرش طرح گروه ۸ به بحران بالکان پایان دهد.

محور اصلی در بحران بالکان وضعیت پناهندگان و چگونگی بازگشت آنها با امنیت کامل به کوزوو است. چرا که امکان رسیدگی مناسب به این حجم عظیم پناهندگان آلبانیایی تبار در کشورهای مختلف در درازمدت بسیار مشکل خواهد بود. به گزارش «کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان» (U.N.H.C.R) در حال حاضر بیش از ۹۲۰ هزار پناهنده آلبانیایی تبار در کشورهای مختلف وجود دارند که ۴۳۳/۴۰۰ نفر آنها فقط در آلبانی، فقیرترین کشور اروپا ساکن هستند. روز گذشته با توجه به سیل روزافزون پناهندگان به آلبانی، یک اردوگاه جدید با ظرفیت ۱۰ هزار نفر در ۳۵ کیلومتری «تیرانا» پایتخت آلبانی ایجاد شده که در اولین مرحله ۳۰۰ نفر را در خود پذیرفت و قرار است تا چند روز آینده ۲۲۰ نفر دیگر از پناهندگان کوزوو نیز به اردوگاه آورده شوند. بحران کوزوو نیز در اصل به خاطر حل مشکل این آوارگان آغاز شد.



مقاومت نیروهای جبهه متحد اسلامی در برابر طالبان

کابل - خبرگزایها: با بروز درگیری شدید میان نیروهای طالبان و جبهه متحد اسلامی در «دره صوف»، صدها تن از مردم در استان شمالی «سنگان» خانه و کاشانه خود را ترک کردند.

خبرگزاری (A.P) از کابل، به نقل از «حسین انواری» یکی از سخنگویان

جبهه ائتلاف شمال اعلام کرد، نیروهای طالبان روز جمعه از نواحی شمال شرق و شمال غرب به «دره صوف» حمله کردند و گفته می شود که روز گذشته نیز نبردی سنگین میان طالبان و نیروهای ائتلاف شمال در مرکز این ناحیه ادامه داشته است.

با این حال طالبان بار د بروز درگیری در «دره صوف»، مدعی است که این ناحیه در کنترل کامل نیروهای وی قرار دارد.

«انواری» همچنین تصریح کرد که در جریان درگیری میان نیروهای دو طرف، حداقل ۸ غیرنظامی کشته



باراک می خواهد صلح را مزه مزه کند

بیت المقدس - A.F.P: عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان، طی یک سال، امری عملی و امکان پذیر است.

به گزارش (A.F.P) از بیت المقدس، دو ژنرال بازنشسته اوتش اسرائیل و از دوستان «یهود باراک»، نخست وزیر جدید این کشور، روز گذشته با اعلام این مطلب، اظهار داشتند که عقب نشینی نیروهای اسرائیلی طی یک سال کاملاً معقول و دقیقاً براساس قولی است که «باراک» پیش از انتخابات به مردم لبنان داده بود.

براساس همین گزارش، رئیس پیشین سازمان امنیتی اسرائیل (موساد) در ادامه سخنانش گفت که وی امیدوار است براساس توافق نامه میان لبنان و سوریه، عقب نشینی نیروهای اسرائیل به زودی میسر شده و نهایتاً این امر به تحرکات صلح آمیز بعدی در منطقه منجر شود.

عقب نشینی از جنوب لبنان یکی از قول های اساسی بود که «باراک» در «سخنان خود پیش از برگزاری انتخابات، داده بود. وی اعلام کرد که به دنبال تجدید مذاکرات صلح با سوریه است که از ۳ سال پیش تاکنون، به حال تعلیق درآمده است.

گفتنی است که باتوجه به صحبت های «باراک» پیش از انتخابات و قول های زیادی که چه به مردم جنوب لبنان و چه به مردم فلسطین در راستای برقراری صلح با آنها داده است، در واقع، جهان عرب چشم به نخستین از موده های وی در زمینه انجام تعهدات خویش دارد.

اجلاس «کومسا» امروز گشایش می یابد

ناپروبی - A.F.P: سران ۲۱ کشور عضو بازار مشترک کشورهای شرق و جنوب آفریقا (کومسا)، امروز در ناپروبی گرد هم می آیند تا در مورد هماهنگی اقتصادی منطقه ای به بحث و گفت و گو بنشینند.

به گزارش (A.F.P) از ناپروبی، کومسا قرار است رسماً از ۳۰ اکتبر ۲۰۰۰ (۸ آبان ۱۳۷۹) هم زمان با اعلام ایجاد منطقه بازار آزاد در محدوده کشورهای آفریقایی، کار خود را آغاز کند.

به گفته برخی از صاحب نظران، نام این گروه، «کومسا»، کمی از واقعیت کشورهای عضو دور است، چرا که به عنوان مثال، مصر یکی از کشورهای عضو است در حالی که آفریقای جنوبی از کنیا، تنها ۱۴/۷

میلیون دلار می باشد.

انتظار می رود که این اجلاس، روز دوشنبه و سه شنبه را به بحث پیرامون ورود به بازار تجارت آزاد، همکاری در حمل و نقل و ارتباطات، تأسیس یک منطقه با سرمایه گذاری مشترک اعضا، همکاری در امور کشاورزی، و ایجاد کمربند صلح و امنیت در منطقه، بگذراند.

۱۲ کشور آفریقایی شامل، «بروندی»، «جمهوری دموکراتیک کنگو»، «جیبوتی»، «اتیوپی»، «مالاوی»، «موریتانی»، «نامیبیا»، «رواندا»، «سودان»، «تانزانیا»، «واگاندا»، «زامبیا» و «زیمبابوه»، همگی با دستور کار این اجلاس که قرار است ۳ روز ادامه داشته باشد، موافق هستند.

قابل توجه برج سازان انواع رنگ جهت اسکت فلزی با نشان استاندارد

با شرایط ویژه ۰۸۰۷۵۳۵۹
مجرد ۰۹۱۱۲۲۶۲۰۲

به مناسبت سالروز دوم خرداد تخفیف ویژه از اول تا دهم خرداد

SAT GRE TOEFL

SAT GRE TOEFL

تبریک به مناسبت فرارسیدن دوم خرداد

۱۰٪ تخفیف تا ۱۵ خرداد

مجموعه کامل از تستهای

GRE • TOEFL

با فرمت جدید در یک CD کامپیوتری

کلاسهای آماده سازی برای امتحانات کامپیوتری

SAT • GRE • TOEFL

۲۵۴۵۰۴۲ - ۲۵۸۷۹۵۴ - ۹ الی ۱۳

SAT GRE TOEFL SAT GRE TOEFL

در همین زمینه، کمیسیون انتخابات اندونزی روز گذشته اعلام کرد، ۱۱ هزار و ۵۸۲ نفر برای تصاحب ۶۶۲ کرسی در مجلس نمایندگان شرکت کردند.

در کمیسیون انتخابات اندونزی، نمایندگان هر ۴۸ حزب این کشور حضور دارند. این ۴۸ حزب برای پیروزی در نخستین انتخابات آزاد اندونزی رقابت می کنند.

از سوی دیگر، در آستانه انتخابات آزاد در اندونزی تظاهرات دانشجویی علیه سوهارتو، رئیس جمهور پیشین در جاکار تا ادامه دارد. تظاهر کنندگان که خواستار محاکمه سوهارتو هستند شعارهایی نیز علیه حزب حاکم کل کار سر می دهند.

بازگشت نوگیری به وطن

خارطوم - رویتر: جعفر نوگیری، رئیس جمهوری پیشین سودان، روز گذشته، پس از ۱۲ سال تبعید در قاهره، به کشورش بازگشت.

به گزارش رویتر از خارطوم، هواپیمای اختصاصی که از سوی دولت

با تیریک سالروز دوم خرداد

آموزشگاه موسیقی شهرزاد

در کلیه رشته ها هنرجو می پذیرد

۱۰۵۳۳

یاشار اوغلو موز

دوغوم گونون مدنی جامعه نین

دوغوم گونیه بیرلشیب ییزی آرتیق

سوییدیردی بوگونو سنه تبریک دئیریک

شهین- اکبر

جناب مهندس مرگدری

انتصاب شما را به سمت مدیر

سازمان جهاد سازندگی

استان گلستان تبریک عرض می نمایم.

اتحادیه مرغداران استان گلستان

و شرکت تعاونی مرغداران علی آباد کتول

۱۸۶۳۹۶۰ - ۸۶۳۹۱۸

۱۷۶۵

یادداشت

تزار دمکرات در برابر قانونگذاران روسیه

حسام الدین امامی

روز گذشته، نخستین بخش از تحلیل آقای حسام الدین امامی پیرامون روسیه، قانونگذاران آن و یلیتسین را خواندید. اینک توجه شما خوانندگان عزیز را به بخش پایانی این یادداشت جلب می کنیم:

به طور کلی «یلتسین» طی ۵ سال حکومت خود، در حکم بندبازی بود که برای نجات خود نخست وزیران متعددی را رنگ و جلا داده، لجن مال و یا قربانی کرده و عداللزوم پاره ای از آنها را - «چرنومیردین» - دوباره بر صحنه فرستاده است. سئوالی که برای کارشناسان سیاسی مطرح است این است که:

آیا این قبیل اقدامات «یلتسین» برای نجات روسیه است یا نجات خودش؟ قرائن و شواهد صحنه سیاسی روسیه قسمت دوم را تأیید می کند. «یلتسین»، با تنی بیمار و بدنی نا استوار و صدادی لرزان همچنان سودای زمامداری در سال ۲۰۰۰ را در سر می پروراند مخالفت دوما، کاهش حمایت او در مجلس علیای قانونگزار ی روسیه، استقلال رای «پریماکف» و محبوبیت دامن گستر او از عوامل اصلی اقدام ناسزاوار رئیس جمهوری به برکناری اوست.

نگرانی غرب

غرب که از سال ۱۹۹۱ امیدهای فراوانی را به «یلتسین بسته بود، برکناری «پریماکف» را در این برهه زمانی بسیار بدشگون تلقی کرده است. زیرا از نظر داخلی «پریماکف» تنها نخست وزیری بود می توانست ثبات سیاسی داخلی را تأمین کرده و پارلمان را به تصویب خواسته های «صندوق بین المللی پول» راضی کند. خواسته هایی که برای مردم روسیه هضم آن دشوار است و «دوما» برای تصویب آن تعلل می ورزد.

افزایش مالیات ها و کاهش بودجه عمومی سرآمد تقاضاهای صندوق مزبور برای اعطای وام ۴/۳ میلیارد دلاری به روسیه است.

اما نگرانی بزرگتر غرب در مورد نقشی است که روسیه می توانست در مذاکرات احتمالی صلح یوگسلاوی بازی کند. «تالبوت» معاون وزارت خارجه آمریکا چندبار در مسکو با دولت روسیه در این مورد مذاکره کرد. به علاوه «چرنومیردین» نخست وزیر سابق در مقام فرستاده مخصوص روسیه در بالکان از مدتی پیش در این زمینه در تلاش است.

بمباران سفارت چین در بلغراد هم دورنمای سیاست سختگیرانه ای را از جانب یکن در برابر هرنوع مصوبه شورای امنیت عرضه می دارد. از اینرو با بحران سیاسی جدیدی که در غیاب دولت پدید آمده، معلوم نیست این روزنه امیدی که روبه رشد، کی گشوده خواهد شد؟

عکس العمل داخلی را هم در برابر این اقدام «یلتسین» نمی توان کم اهمیت دانست. استانداران ایالات مختلف از این بیمناکند که بحران جدید و روبارونی رئیس جمهوری با پارلمان تا مدت ها بازتاب خود را در مدیریت آنها بر جای گذارد.

اخیر «یلتسین» صورت گرفت، بار دیگر این درس عمومی را تأیید کرد که رئیس جمهوری در «برج عاج» نشسته و اندک تماسی با مردم و گرفتاری ها و نیازهای آنها ندارد.

غیرقابل پیش بینی

بر خلاف آنچه که پیش بینی شده بود، لایحه استیضاح «یلتسین» در دمای روسیه رای کافی نیاورد. ناظران سیاسی کاستی مزبور را مولود بازی های پشت پرده کرملین می دانند. «نیویورک تایمز» طی مقاله ای در شماره ۱۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت) خود می نویسد:

«زند ودها و آنتریک های پشت پرده کرملین دست کمی از توطئه های دربار تزارها ندارند... و به دنبال شکست غیر مترقبه لایحه استیضاح در

«دوما» همین روزنامه در شماره ۱۶ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) خود اشاره می کند که: «شایع است که از چند روز قبل از طرح استیضاح در «دوما» پاره ای از نمایندگان را که آماده رای دادن به آن بودند، به ترتیبی خریده بودند؛ پاره ای را با دادن وعده مناصب جدید و پاره ای را حتی با دادن پول» اظهارات تند و تیز نمایندگان دوما و اتهامات شدیدی که متوجه «یلتسین» کردند و حملات متقابل نمایندگان «یلتسین» در «دوما» نشان داد که صرف نظر از لایحه استیضاح، اکثریت نمایندگان از کنار گذاشتن «پریماکف» مصبانی هستند و کشمکش پارلمان و رئیس جمهوری خاتمه نیافته است.

«یژکوف»، رهبر حزب «خانه ما روسیه» خاطر نشان ساخت که: «رد لایحه استیضاح به معنای توجیه اعمال «یلتسین» نیست. از نظر حقوقی ممکن است درست جلوه کند ولی از نظر سیاسی چنین نیست و ما همچنان شکایت دیرینه خود را از «یلتسین» داریم.

با طرح استیضاح در واقع «دوما» شخصیت حقوقی خود را در برابر رئیس جمهوری بار دیگر نشان داد. اظهارات نمایندگان لیبرال میانه و نشان داد که علاوه بر فراکسیون کمونیست، تقریباً اکثریت «دوما» باسیاست های یلتسین مخالفند.

هر چند «یلتسین» از استیضاح جان سالم به در برد ولی کشمکش سیاسی او ومخالفان در روزها و ماه های آینده ادامه خواهد یافت. خصوصاً که استیاشین نخست وزیر پیشنهادی او به «دوما» اندک آشنایی با مسائل اقتصادی برای حل بحران روسیه ندارد.

بدین ترتیب در حالی که انتخابات «دوما» در آذرماه تجدید خواهد شد، معلوم نیست که در این بازی خطرناکی که در پیش است، تزار دموکرات موفق خواهد شد یا قانونگزاران روسیه؟

برپایم دنیا

دلهی نو

دو زندانی در دلهی نو، روز گذشته با خوردن مارمولک های سمی، توانستند خود را از بازجویی نهای توسط پلیس زندان نجات دهند.

«سرور آلام» و «سوشی کومار» پس از خوردن مارمولک ها به بیمارستان انتقال یافتند. نگهبان زندان در این زمینه گفت: «زمانی که برای آنها غذا می بردم، متوجه شدم که هر دوروی زمین افتاده اند و در حالی که درد بسیاری می کشیدند، روی برگه های بازجویی، مطالبی نوشتند، به گفته پلیس هند، این دو نمی خواستند نام جواهر فروشی که جواهر دزدیده شده را از آنها خریده بود، فاش کنند و بدین سبب به چنین کاری دست زدند.

پلیس هند اعلام کرد این دو تن به اتهام اقدام به خودکشی نیز باید مدت بیشتری را در زندان بگذرانند تا شاید سر عقل بیایند و اسم جواهر فروش را بگویند!

صوفیا

عتیقہ فروشی در صوفیا، پایتخت بلغارستان، روز گذشته اظهار امیدواری کرد که هرچه زودتر جنگ یوگسلاوی با ناتو خاتمه یابد. چه دغیر این صورت، میزان فروش وی در زمینه قطعات موشکی، کاهش می یابد!

«امیل میخائیلوف»، صاحب این عتیقه فروشی به خبرنگارگان گفت: «یوگسلاو در همسایگی ما قرار دارد و ۸ هفته بمباران ناتو، موجب شده تا قطعات زیادی از موشک های مختلف در اطراف کشور یافت شود، بسیاری از مردم با علاقه، تصمیم به تهیه کلیسکون هایی در این زمینه گرفته اند. و در حال حاضر این قطعات را با قیمت بالا می خرند،

وی افزود: «چنانچه این بمباران ها همین طور ادامه یابد، میزان این خرده ریزها و قطعات زیادتر می شود و مسلماً دیگر ارزش چندانی نخواهد داشت!»

«امیل» معتقد است که عتیقه های وی خواستاران فراوانی در سراسر دنیا دارد و او به هیچ وجه نمی خواهد این منبع عظیم درآمد را از دست بدهد.

در آستانه سومین دوم خرداد



نسل دوم با جامعه سخن می گوید

روزی که خاتمی به دانشگاه آمد
یاشار زمانفر، ۲۰ ساله است و از کرج برای ما نوشته است:
اردیبهشت ۵۹ بود که من متولد شدم. اردیبهشت ۶۰، من یک ساله شدم. اردیبهشت ۶۱ دو ساله شدم... و در خرداد ۷۶ یک ماه از ۱۸ سالگی من می گذشت، اما آن را بهتر از زاده‌ام، به یاد دارم. در خرداد ۷۶ بود که فهمیدم من هم هستم یک ایرانی، یک مسلمان. با کوله بار سنگین تاریخ میهنم یادگار آنان که آمدند و نوشتند، ساختند، خوانند، حال من آنان را می شناسم. می دانم بایک کیست، می دانم رستم که بود، شریعتی را، چمران را، رجایی، بهشتی، طالقانی و همه مردان مرد را می شناسم. آنان از این سرزمین بودند. چگونه خود را ایرانی ندانم؛ اهل سرزمینی که بوی چای و زعفران می دهد.

زمانفر از روزی که خاتمی به دانشگاه تهران آمد، می نویسد: شوق، شور و هیجان، سکوت و بی تایی... او آنجاست. او در دانشگاه است. رویه روی هزاران جوان که چون رودی می خروشد به سوی قطره بارانی که روزی از آنان بود و حال به آنان بازگشته است. او با ما عهده می بندد و ما از شادی هلهله سر می دهیم. حال، ما هم هستیم و ما سز نوشت ایران را تعیین می کنیم، ما هستیم و بودن را دوست داریم. کنار هم بودن را، شاد زیستن را وفاداری را. اما گروهی گفتند: چون چند تار موی دختران پاک تر از باران این خاک پیدا بود، آنان و پسران چرب مویی که عینک دودی می زنند، خود فروخته و مفسد هستند. ما محکوم شدیم، به جرم شادی. به جرم دست زدن. اما هیچ گاه نپرسیدند که چه می اندیشیم. از زندگی، از سیاست، از معنویت و از خیلی چیزهایی دیگر چه تعریفی داریم؟!

آنان هیچ نمی دانند که بعد از آن روز، من به خواهر دانشجویم در دانشگاه احترام بسیار بیشتری می گذارم. تنها برای آن که او را انسانی والا می دانم. از او احترام می خواهم پس به او احترام می گذارم. خاتمی را دوست دارم و میلیون ها نفر دیگر هم چون من او را دوست دارند. ما او را تنها نمی گذاریم.

جوانان ایران پشت سر ما ایستاده اند
یک جوان ۲۳ ساله مشهدی در بخشی از نامه اش آورده است: آقای رئیس جمهوری! من به عنوان عضوی کوچک از جامعه جوانان که با لاابالی گری و بی بند و باری متخلفم، سرکوبی آزادی بیان و قلم و اندیشه را نمی پذیرم. به جرات عنوان می کنم که تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد تنها به خاطر انجام وظیفه صفحه آخر شناسنامه ام را مهیور به مهر انتخابات مختلف می کردم و ولی با شرکت در این انتخابات متوجه شدم که رای من هم در رسیدن شما به این مقام مؤثر بوده است.

در هر برهه ای از تاریخ تنگ نظرانی بوده اند که خود را برتر و عاقل تر از دیگران می پنداشتند و به خاطر همین پندار باطل اجازه شکوفایی

اشاره:

نسل دوم انقلاب روزهای تعیین کننده ای را می گذراند، روزهایی که این نسل در چنبره تحولات سیاسی و اجتماعی خواسته های خود را از دولت و مدیران سیاسی طلب می کند. خواسته های آنان و نگاه آنان به وضعیت و آینده چنان است که گویی واگذار کردن سرنوشت خود به نامعلوم را تاب نمی آورد و قصد کرده اند تا آینده را با اراده خویش بسازند.

نشاط تلاش کرده است تا خواسته های جوانان امروز را متعکس کند، چنان که مطبوعات همکار نیز چنین می کنند. در آستانه ورود به سومین سال آغاز ریاست جمهوری خاتمی - رئیس جمهوری برگزیده جوانان امروز ایران - گزیده ای از انبوه نامه های این نسل را می خوانید.

استعدادها را نمی داده اند. این حقیقت را حتی را در زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نیز شاهد بوده ایم. اینک خواسته نسل جوان جامعه این است که با تمام توان خویش در جهت برقراری آزادی عقیده و بیان که وعده داده اید، گام بردارید و بدانید که جوانان فهیم و مستعد ایران پشت سر شما ایستاده اند.

بیایید باور کنیم
صندوق کیلی، ۱۷ ساله از تهران، نامه ای با عنوان «بیایید باور کنیم» نوشته و بهار ۷۶ را، فصل روشن شدن مجهولات خوانده است. سال ۷۶ سال از بین رفتن علایم آزاردهنده برای او و بسیاری چون او بود، سالی که صدف و دیگران باامفاهییمی چون راست و چپ، محافظه کار و اولین سالی بود که به سن رای دادن رسیده بودند و می توانستیم در انتخابات شرکت کنیم. ولی فرصت کم بود شاید فقط چند روز، ولی همان چند روز هم برای شناختن او کافی بود. ظاهر آراسته و آرامش بیانگر تشخیص بود و لحن صحبتش گویای متناشتن، کلمات را شمرده و با طمأنینه بیان می کرد. نگاهش مهربان و جست وجوگر بود. گویی می خواهید احساسات را در صورتت بخوانند. هر چند مجال کوتاهی داشت تا با مردم صحبت کند و اهدافش را بیان کند. ولی همان فرصت کوتاه هم کافی بود تا بیست میلیون ایرانی را به پای

۱۸ ساله های بسیاری هم سن من هستند که هم سان من نمی اندیشند
بیایید از آنان هم بخواهیم نظر خود را بگویند
«ما» تنها با هم فکرنمان نیست که «ما» می شویم ما با آنان ما می شویم

صندوق های رای بکشد، همان فرصت کوتاه کافی بود تا حماسه دوم خرداد شکل بگیرد و بعد از سال ها چنین جمعیت کثیری از ایرانیان با هم یکصدا به یک چیز رای بدهند.

دیدگاه هایش در عین روشنی عمیق بود و اهدافش در عین سادگی پرمحتوا، او چیزی را نمی خواست که با وجود اهمیت سال ها بود که در ایران رنگ باخته بود و آن حضور جوانان در عرصه های مختلف بود. او اهمیت این فشر را خوب می دانست، می دانست که اگر آنان در عرصه باشند خیلی از غیرممکن ها ممکن می شوند، چیزی که خیلی ها از آن وحشت دارند و شاید به همین خاطر بود که سال ها آنان را به نژوا کشیده بودند.

من هم یکی از آنان ولی سال ۷۵، سال آخر انزوی من و شاید هزاران جوان دیگر بود. حضور او در صحنه خیلی از ماها را بیدار کرد به ما فهماند که غیر از ککبور و شغل آینده چیز دیگری هم هست که باید نگرانش باشیم و آن سرنوشت کشورمان است. از جوانانی مانند خودم سوال می کنم، اگر کشور سرنوشت روشنی نداشته باشد، سرنوشت ما چه مفهومی پیدا می کند؟ وقتی مسایل مهم مملکتی مجهول باقی مانده اند، آیا باید انتظار داشته باشیم که معادله آینده ما به جواب برسد؟

خاتمی تلاش می کند که با کشورهای مختلفی که تا به حال روابط زیادی با آن ها نداشته ایم رابطه برقرار کنیم. نه فقط برای زیاد کردن واردات و صادرات، بلکه برای این که فرهنگ ها را با هم تبادل کنیم. این درست نیست که فرهنگ کشورهای غرب را به فرهنگ مبتذل غرب، نام بگذاریم. این فرهنگ حاصل سال ها تلاش مردم آن کشورهاست. به همین خاطر برای خودشان محترم است. آیا ما دوست داریم کسی به آداب و رسوم ما توهین کند؟ آیا ما دوست داریم کسی تشریفات ما را برای ازدواج به باد تمسخر بگیرد؟ همین طور است عقاید آنان برای خودشان، چرا ما به خوداجازه می دهیم که برای سال ها تلاش آنان به اندازه ذره ای ارزش قایل نشویم؟

فقط فیلم های به قول معروف مبتذل آنان را به یاد می آوریم؟ چرا به یاد خدمات پزشکی آنان به نسل بشر نمی افتمیم؟ چرا از غرب فقط آهنگ های گوشخراش را به یاد می آوریم؟ آیا شوین و بتهوون در جایی غیر از غرب آن شاهکارهای

اجتماعی

مادران ما نیز سلطنت او را پرپر کردند.

دوستانم! من هم سال ۵۷ را ندیدم. من هم تازه بهمن ۵۹ به دنیا آمدم.

من هم «رفتن شاه و آمدن امام را ندیدیم، آشوب مخالفان را ندیدم و حماسه سرهای بی تن را ندیدم. دست های بریده عباس و شکست سردار عشق و اخلاص را نیز ندیدم». این همه را ندیدم. اما همه را شنیدم.

چند باره و چندباره! و می دانم که هیچ وقت شنیدن عین واقعیت نیست. بهرنگ مجده سال و از نسل دوم انقلاب است و شاید به نوعی بهترین تعریف از وحدت را داده است، در پایان نامه خود آورده است:

دوستان! بیایید همان قدر که به خودمان حق اظهارنظر می دهیم، به مخالفان خود نیز این حق را بدهسیم. بی شک، ۱۸ ساله های بسیاری هم سن من هستند که هم سان من نمی اندیشند، بیایید از آنان هم بخواهیم. نظر خود را بگویند. «ما» تنها با هم فکر انمان نیست که «ما» می شویم. ما با آنان ما می شویم. بیایید خویشتن نباشیم. ما حق داریم.

سلام خرداد، خوش آمدی
حامد شجاع باغینی، هفده ساله است، در نامه ای به خرداد سلام می کند و می نویسد: صدای پایش را می شنویم، عطرش را در هوا استشمام می کنیم، مزه اش هم در دهان ما

است! لطافتش را هم می شود حس کرد! حتی وجودش را می توان دید! خرداد را می گویم! ماه گیلان و هلو و آلو و زردآلو! ماه آغشته به عطر گل سرخ! ماه امتحانات دانش آموزان! ماه انواع و اقسام مسابقات فوتبال! انگار رسم بر این است که دانش آموزان امتحانات پایان سال خود را همواره، با چاشنی مسابقات فوتبال سیر می کنند! یک سال

چند باره و چندباره! و می دانم که هیچ وقت شنیدن عین واقعیت نیست.

به‌رنگ مجده سال و از نسل دوم انقلاب است و شاید به نوعی بهترین تعریف از وحدت را داده است، در پایان نامه خود آورده است:

دوستان! بیایید همان قدر که به خودمان حق اظهارنظر می دهیم، به مخالفان خود نیز این حق را بدهسیم. بی شک، ۱۸ ساله های بسیاری هم سن من هستند که هم سان من نمی اندیشند، بیایید از آنان هم بخواهیم. نظر خود را بگویند. «ما» تنها با هم فکر انمان نیست که «ما» می شویم. ما با آنان ما می شویم. بیایید خویشتن نباشیم. ما حق داریم.

خرداد برای ما ایرانیان ماهی سرشار از خاطرات گوناگون است. خرداد، یادآور حماسه های جاویدان مردم ایران و احیاکننده نام بزرگانی است که در این ماه دل از دار دنیا کردند. خرداد بانام عزیزی چون خاتمی آغاز می شود و با یاد بزرگی چون چمران پایان می یابد.

دوم و سوم خرداد دو روز ماندنی تاریخی ایران و یادآور دو

مجال کوتاهی داشت تا با مردم صحبت کند و اهدافش را بیان کند
ولی همان فرصت کوتاه هم کافی بود تا بیست میلیون ایرانی را به پای صندوق های رای بکشد
همان فرصت کوتاه کافی بود تا حماسه دوم خرداد شکل بگیرد
و بعد از سال ها چنین جمعیت کثیری از ایرانیان با هم یکصدا به یک چیز رای بدهند

مسابقات مقدمانی المپیک، یک سال مسابقات مقدمانی جام جهانی، یک سال جام ملت های اروپا و... در آستانه خردادماه، دانش آموزان حال و هوای دیگری دارند. از همین حالا شیرینی سه ماه تعطیلات را حس می کنند. البته از همین حالا که جامعه ما، تلخی اوقات ضایع شده در ایام تابستان از سوی این قشر عظیم را با نهایت تأسف (طبق معمول!) در می یابد. از همه این ها که بگذریم،

روز همه ایرانیان است.

جنوب و شمال تهران، با قطب نمای آجر و آهن

نسترن یزدانی، ۱۶ ساله، یکی از اعضای گروه دانش آموزی فردای روشن است. او در بخشی از نامه ای که برای ما فرستاده است می نویسد:

«دانشگاه بهشت بعضی ها شده، جامعه ای که دانشگاه سرزمین آمل و آرزوهای آنان است جوانان بهترین سال های جوانی، شادابی و نشاط خود صرف عبور از دیوار عظیم و صعب العبور کنکور می کنند و اگر به بهشت موعود خود راه یابند، سال های پر نشاط زندگی خود را صرف کسب مدرک «مهندسی متر کردن خیابان» می کنند، مدرکی که به آنان این امکان را می دهد تا بعد از چند سال، همراه با دوستان «بهشتی» خود در کارخانه بیکاری همکار شوند!

وای، از آن مغزهای جوان، فکرهای تازه و استعدادهای درخشان و نیروی جوانی که از دیست می رود. آخر همه که «پویا» نیستند، عده زیادی کسانی هستند که باید دستشان را گرفت و هدایتشان کرد، تا به آنجا که باید، برسند. جامعه ما، جامعه ای است که در پایتخت آن بیشتر امکانات تمرکز یافته و جوان شهرستانی در حسرت بهشتی برین، می سوزد. شهری پایتخت کشور ماست که پارک ها، مغازه ها، ماشین ها، ساختمان ها و حتی آدم ها، جنوب و شمال آن را تعیین می کند نه قطب نما.



۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱																	
۲																	
۳																	
۴																	
۵																	
۶																	
۷																	
۸																	
۹																	
۱۰																	
۱۱																	
۱۲																	
۱۳																	

۱- آن را از ویژگی های سینمحم خاتمی بر شمرده اند - نت چهارم ۲- همیشه با برج می آید - سر سلسله امامان بزرگوار ما - رنگ ۳- نامی برای پسران - سرور عرب - بی نام - از مرکبات ۴- سرزمین - هم در بیان دارد هم بلکان باید بوزد تا پرچم به اهتزاز درآید - سر بر آن می گذاریم و استراحت می کنیم ۵- زبان مردم لرستان - مارک نوعی خودروی سنگین - قرض وام - دستور ۶- بله آلمانی - تیروبی که باید از آن برای ساختن بهره گرفت نه تخریب - شکننده - حرف همراهی عرب- همه ما داریم ۷- کشور ما از جمله ارزشمندترین آنها در تاریخ شربیت است ۸- سازمان جاسوسی آمریکا- خاندان واحدی برای اندازه گیری سرعت هواپیماهای تندرو - تنها - از ویتامین ها ۹- طلا - ایستگاه فضایی روسیه- دیدنی ۱۰- کشتی جنگی - از آلات موسیقی ۱۰- کشوری هم مرز با اردن - پسوندی که نگهبانی را رساند - عظمت و بزرگی - کوچک خارجی ۱۱- امیدواریم کسی نبیند - نصف - تله - نامی برای دختران ۱۲- قسمتی از سیستم ترمز خودرو - یکی از دلایل ممنوعیت فصلی صید ماهی - خانه چوبی ۱۲- تکرار یک - حرف - باید به این مجموعه تلویزیونی عراق ۹- در آب داشتن آن کنایه از فکر حلیله است - شهر محل تولد استاد مطهری - حرف دهن کچی ۱۰- آش - بعضی کشتی ها دارند - چون با چراغ آید

گزینه ت بر کردالا ۱۱- این قطب های آهنربا یکدیگر را دفع می کنند - حرف درد- لباس شا ۱۲- روز رستاخیز- فلز های - سوره ای در قرآن ۱۳- تقویت رادیویی - بلای خاتمانسوز است - رشته وریسمان ۱۴- ماه دهم - صدای درشتج - پژواک - بعضی ها همیشه مخالف آن را کوک می کنند ۱۵- وضع

مالی ادارات و شرکت ها که خراب شود دیگر به پرسنل نمی دهند - تاریخ ابزار کار اوست ۱۶- مهره ای در شطرنج - شد - معدنی ۱۸- این هم نوعی اسید است - از گیاهان دارویی

حل جدول شماره (۶۴)

ت ن گ خ و ص ل ه ت ج ص ل ع ل م و ر س ا ی ب و ق ب ا ک و ی ی ب ک م ن ی ب و ل و س ب ر ا ن ه ی ل ا م ر ی ه م ا م و ش ا ز ب ل س ی م ا س ل و ک ک ا س ن ی ل ا س ت ا ر ا ر ت ا ر ا ب ی ن خ ا ش م ن ا ز ر و ا ل و و ب ی ن د ی ر ک ه ی م ه ی ر ن د ا ق د ا م ا ن ت ش ی ر ا ر ی ا ن ج ن و و ا ا ف م ر ی ا ل م ی ی ج ن ن ن ب ت و ل ی گ ا ن ه پ ر ن س د د ر ی ا ی و ل ا ت ی م و ر د ا ن ش ج و ی ا ف ر ا س ی ا ب

بیمارن دایتهی - هرگاه رخ دهد نماز آیات واجب است ۲- قدرت و توان - قسمتی از حمام های قدیمی ۳- به روستا یا دهکده گویند - چای چرچیل - افعال انگلیسی را منفی می کند ۴- ماده ای صمغی که از برخی گیاهان نواحی هندو ماژری بدست می آید - برای ظهور آخرین آنها باید دست به دعا بردارد ۵- از اقوام

عمودی:

۱- از داروهای مورد نیاز برخی بیماران دایتهی - هرگاه رخ دهد نماز آیات واجب است ۲- قدرت و توان - قسمتی از حمام های قدیمی ۳- به روستا یا دهکده گویند - چای چرچیل - افعال انگلیسی را منفی می کند ۴- ماده ای صمغی که از برخی گیاهان نواحی هندو ماژری بدست می آید - برای ظهور آخرین آنها باید دست به دعا بردارد ۵- از اقوام

بهرنگ پارسا، از رشت، خطاب به هم نسلان خود، نوشته است:

دوستانم! من هم طرفدار خاتمی هستم «من هم طرفدار آزادی اندیشه و بیان هستم. من هم طرفدار احترام به رای دیگران هستم. اما برای توجیه این طرفداری، کسی را محکوم نمی کنم. اگر شاه به بود، پدران و مادران ما، تکلیف خود را با او روشن کردند. اگر پهلوی «هزاران هزار جوان را پرپر کرد»، پدران و

ادبیات نمایشی

نگاهی به زندگی و آثار نعلبندیان به مناسبت سال مرگ او

ناگهان عباس نعلبندیان

محسن آژرم

نسل امروز نمایش ایران (منظورم کسانی است که تازه یا به عرصه هنر نمایش گذاشته اند) با عباس نعلبندیان آشنا نیستند، اگر هم او را بشناسند، این شناخت به یک یا دو نوشته او محدود می شود.

۱- پدر او روزنامه فروش بود و در خیابان فردوسی دکه روزنامه فروشی داشت. وقتی در سال ۱۳۴۷ نمایشنامه تجربی و عجیب «پژوهشی ژرف و سترگ و نو در سنگواره های دوره بیست و پنجم زمین شناسی یا چهاردهم، بیستم و غیره» فرقی نمی کند، برنده جایزه اول تلویزیون ملی ایران شد، تمام روشنفکران دوست داشتند نمایشنامه نویسی را ببینند که در دکه پدر روزنامه می فروشد.

صورت زندگی «نعلبندیان» هیچ گاه تغییر نکرد. یعنی به دنبال مال و منال دنیا نبود. حتی زمانی که مدیریت «کارگاه نمایش» را برعهده گرفت، سعی نکرد شکل زندگی خود را عوض کند. کارگاه نمایشی که «نعلبندیان» اداره کرد، سروج و پایه ریز «تئاتر تجربی» و «نمایش های آوانگارد» بود و بسیاری از نمایش هایی که در «کارگاه نمایش» ساخته و پرداخته شدند در جشنواره های جهانی تئاتر، مانند «آوینیون»، «ادینبرو» و «نانت» روی صحنه رفتند و با استقبال روبه رو شدند.

۲- استقوال مهمی که همیشه برای آشنایان آثار «نعلبندیان» پیش می آید این است که چرا او انتحار کرد؟ سؤال مهمی که مجال پاسخ به آن در مقاله حاضر نیست. فقط به عنوان اشاره می توان گفت مجموع ناکامی ها در زندگی شخصی علاوه بر ماجرابی که در حین تصرف «کارگاه نمایش» در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد و

موفقیت در کنکور و امتحانات، کنکورپها فرصت را از دست ندهید! شما با موفقیت در کنکور فاصله خیلی کمی دارید. خود را خسته نکنید زمان باقی مانده را از دست ندهید. بهتر است قوانین طلایی و کلید های اساسی موفقیت در کنکور را یاد بگیرید.

نتایج دوره فوق:

از بین بردن موانع یادگیری بالا بردن انگیزه مطالعه سازماندهی و برنامه ریزی زمان تقویت حافظه کسب علاقه شدید به دروس استفاده از ابعاد روانی تست زدن آسان ترین راههای یادگیری تمرکز عالی ذهن

بیشترین استفاده از زمان موجود ریلکس مخصوص برای کنکورپها رفع خستگی ناشی از مطالعه از بین بردن بی نظمی و بی برنامهگی راههای رفع مشکلات محیطی برای درس خواندن

موسسه فرهنگی هنری رشد آوران

۲- ۸۷۳۴۱۵۱

۱۳۶۱

عکسها جاودان می مانند

بزرگنمایی، کوچک نمایی و ادیت عکسهای قدیمی

امکان حفظ عکس بر روی CD و فیلم V.H.S

طراحی کاتالوگ، بروشور و پوستر تماما با کامپیوتر

۰۹۱۱۲۳۰۳۶۵۵

۵- «تئاتر تجربی» متضمن آن است که نویسنده اش معلومات و محفوظات قابل اعتنایی داشته باشد تا بتواند در جای مناسب آن ها را به کار گیرد. کارهای «پیتربروک» یا «برژی گروتوفسکی» مؤید این موضوع هستند و «عباس نعلبندیان» در سال های ۱۳۴۸ به بعد می خواست به این «تئاتر تجربی» برسد. پس مجموعه سنت های قدیمی ایران را خوب می خواند به طوری که در میان دوستان او مرسوم بود که می گفتند: «عباس کتاب نمی خواند، کتاب را می بلعد».

متون پیش از اسلام را می خواند و از اساطیر و فرشته های دین زرتشت بهره ها می گرفت، اما به همان نسبت متون متصوفه را نیز می خواند و به عارفان و صوفیان بزرگ اسلام مانند «عطار»، «مولانا»، «شیخ نجم الدین کبری» علاقه داشت.

در نوشته هایش رد نشر «شیخ روزبهان یقلی شیرازی» در «شرح شطحیات» به خوبی آشکار است. «نعلبندیان» با تئاتر معاصر



صحنه ای از نمایش پژوهشی ژرف و سترگ و نو... کارگردان آربی اوسیان ۱۳۲۷

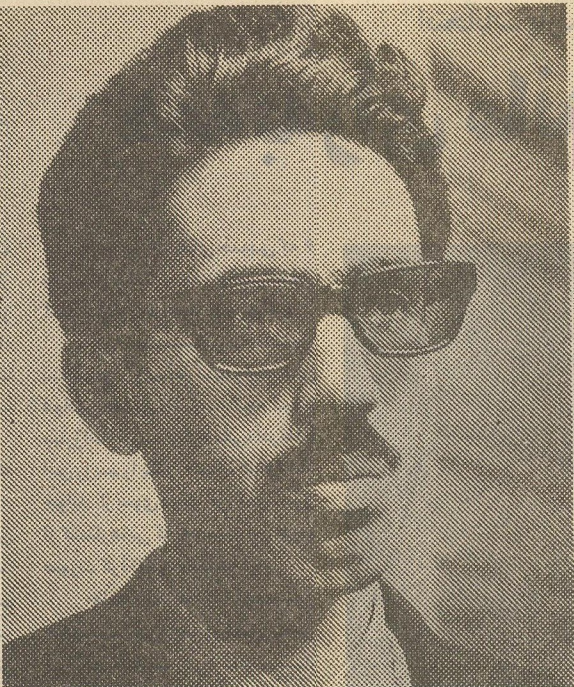
دنیای به خوبی آشنا بود. انگلیسی را گرچه پیش خود آموخته بود، اما آن قدر خوب ترجمه می کرد که کارهای «پیترهائنتکه» و «اگوست استریندبرگ» را به فارسی برگرداند. ۷- روزهایی که «عباس نعلبندیان» سرگرم کار نمایش بود، جامعه تئاتر آن روز ایران چند دسته



صحنه ای از نمایش ناگهان هذا حبيب الله... کارگردان آربی اوسیان ۱۳۵۱

داشت:

الف) تئاتر بازاری که همیشه بوده و هست و هدفش خنداندن یا گریاندن تماشاگر است: تئاتری حرفه ای یا میان پرده و تصنیف، از دروازه قزوین تا لاله زار. ب) تئاتر خصوصی که تجربه های جدی تئاتر و آثار قابل اعتنایی تئاتر جهان را به صحنه می آورد مانند صیاد و آزادی. ج) تئاتر رسمی که بازماندگان تئاتر «عبدالحسین نوشین» بودند، (مصطفی اسکویی) و «حمید



سمندریان» از آن جمله هستند، آثاری که آنان به صحنه می بردند. آثار برشت و مثلاً «دیراه گچی قفقازی»

بسیاری نمی دانند که پیتر بروک که زمانی در نمایش آرگاست

از بازیگران ایرانی استفاده کرد از کجا آنان را دید بروک با دیدن نمایش پژوهشی ژرف و سترگ و نو... که کسانی چون پرویز پورحسینی سعیدپور صمیمی مهتاج نجومی شکوه نجم آبادی و شهروز رامتین در آن بازی داشتند بازیگراش را انتخاب کرد

ببندازد و اسطوره ها و تاریخ اسلام و فولکلور و صوفیه را در کنار هم بنشانند و ثابت کند تئاتر تجربی آینده تئاتر جهان است. آثار «نعلبندیان» به نوعی آثار «پسا مدرن» هستند. هر چند که شاید نتوان صفت «پسامدرن» را به طور کامل درباره آن ها به کار برد.

۹- بسیاری نمی دانند که «پیتر بروک» که زمانی در نمایش «آرگاست» از بازیگران ایرانی استفاده کرد، از کجا آنان را دید، «بروک» با دیدن نمایش «پژوهشی ژرف و سترگ و نو...» که کسانی چون «پرویز پورحسینی»، «سعیدپور صمیمی»، «مهتاج نجومی»، «شکوه نجم آبادی» و «شهروز رامتین» در آن بازی داشتند، بازیگراش را انتخاب کرد.

۱۰- نوشته ام «ناگهان عباس نعلبندیان»، چرا که او حادثه ای در عرصه نمایش ایران بود.

نمایشنامه های عباس نعلبندیان:

۱) پژوهشی ژرف و سترگ و نو در سنگواره های دوره بیست و پنجم زمین شناسی/و یا چهاردهم، بیستم و غیره، فرقی نمی کند.

۲) اگر فافوست یک کم معرفت به خرج داده بود...

۳) صندلی کناره پنجره بگذاریم /و بنشینیم و/به شب دراز تاریک خاموش سرد بیابان نگاه کنیم. ۴) ناگهان /هذا حبيب الله، مات في حب الله، هذا قتيل الله، مات بسيف الله، ۵) قصه غریب سفر شاد شین شاد شنگول به دیار آدم کشان و آفرزان و جذامیان و دزدان و دیوانگان و روسپیان و کاف کشان ۶) هرامسا ۷۰۹، ۷۰۵ سال هایی سرگرم نوشتن بود که حرکت «پسامدرنیسم» ایجاد شده بود و او که می دید در تمام جهان همه آزاد و رها در عرصه هنر مشغول

نشده]

يك یادداشت

نگاهی به اجرای نمایش داستان باغ وحش به کارگردانی خسرو خورشیدی

يك کپی ناقص از اصل

مریم سپهری



داستان باغ وحش نخستین نمایشنامه ادوارد آلبی، نویسنده آمریکایی است که آن را در ۱۹۵۸ نگاشت و به عنوان هدیه تولد سی سالگی به خود تقدیم کرد. داستان باغ وحش برای نخستین بار با نمایش «آخرین نوار کراپ» اثر ساموئل بکت به روی

صحنه رفت و از همان زمان آلبی به نهضت نمایشنامه نویسان معنایاختگی (Absurd) پیوست. آلبی از روی عمد قوانین و روش های تئاتر کلاسیک را نادیده گرفت، همان طور که اوژن یونسکو و دیگران چنین کردند. اما تفاوتش با نویسندگان اروپایی این سبک، تأکید او برای به تصویر کشیدن موقعیت انسان در جهان واقعی است. آلبی در پی گسست و نابودی ساختارهای مذهبی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر شخصیت های خود را در موقعیت های تراژیک، خلق می کند. البته در نمایشنامه «چه کسی از ویرجینیا ولف می ترسد؟» که در آن شخصیت هایش را در یک تقابل روانی با یکدیگر مورد بررسی قرار می دهد، به تنسی ویلیامز و استریندبرگ نزدیک می شود.

اما نمایش داستان باغ وحش...

هر نمایشنامه ای می تواند با سبک ها، برداشت ها و شیوه های مختلفی اجرا شود و این اجراها با توجه به آن که در کجا و به دست چه کسانی شکل می گیرند، هویت ویژه ای پیدا می کنند و گاه دچار بی هویتی و بی شکلی می شوند.



صحنه ای از نمایش داستان باغ وحش

عکس: نیوشا توکلیان

در داستان باغ وحش با طراحی و کارگردانی خسرو خورشیدی، سعی بر آن بوده است جری (Jerry) کاملاً در هیأت یک نیمه و لنگرد آمریکایی امروزی ظاهر شود. باباز این نقش اسکیت به پا دارد و دستکش چرمی، گوشواره و پیراهن جین، طراحی لباس او را کامل می کند.

اما اشکال این جاست که بازیگر این نقش همچنان ایرانی باقی می ماند و این اشیا و صله های ناچوری هستند بر بازی و فیزیک او. به طوری که برای تماشاگر؛ این ظاهر یک کپی ناقص از اصل جلوه می کند.

از سوی دیگر متوسل شدن به برخی عوامل و عناصر، برای مدرن جلوه دادن اجرا، بویژه در طراحی صحنه، موجب نادیده گرفته شدن و نبردختن به اصول کارگردانی و بیشتر بازیگری شده است. جدای از تحلیل و تفسیر متن و رسیدن به نقش، تربیت حس، فن بیان و بدن از اصول مهم و اولیه بازیگری است. بازیگر نقش پیتر با لحن و لهجه ای عجیب صحبت می کند و ثن صدایش آن قدر پایین است که گاه به سختی شنیده می شود، به نظر می رسد اصرا دارد صدایش تداعی کننده صدای یکی از دوبلورها باشد که این موضوع، نمایش را در لحظاتی کمدمی می کند و لطمه شدیدی به کار زده است.

خود جلوه دهی در صحنه، یکی از آفت های بزرگ است که بافت اجرا را متزلزل می کند. این نمایش یک کار دانشگاهی است، پایان نامه بازیگری بازیگران آن است. از همین نقطه و در همین اجراها باید اصول منطق های نمایشی و کارکرد هر عنصری در صحنه پیدا و مشخص شود. افکت ها و موسیقی که گاه بسرای اهمیت دادن به برخی دیالوگ ها بخش می شوند نیز حرکت های چرخشی جری در صحنه که به مدد اسکیت ها انجام می گیرد از عناصری هستند که اگر با پختگی بیشتر شکل می گرفتند، در تقویت جنبه های درمانیک مؤثر واقع می شدند. اما در این اجرا هماهنگی بین عوامل مختلف از جمله طراحی صحنه، بازی، متن و... کمتر دیده می شود. آنچه مطرح نیست آلبی و داستان باغ وحش است. آنچه بیش از حد جلوه می کند طراحی انتزاعی صحنه است که کافی نیست.

موسسه آزاد هنری

تربیت آموخته...
طراحی - نقاشی

کودکان، بزرگسالان

کار یگاتور
ثبت نام تا ۱۰ خرداد

با تخفیف ویژه خرداد ماه

تلفن: ۶۴۹۱۸۱۴

استخر بزرگ شهید کشوری

با آب گرم

نشانی: خیابان میرداماد، انتهای خیابان رازان جنوبی تلفن ها: ۲۲۵۵۹۸۹۸ و ۲۲۵۵۱۲۱-۲

دوم خرداد گرامی یاد

آغاز ثبت نام کلاسهای آموزش شنا ترم تابستان

تحت نظارت فدراسیون شنای جمهوری اسلامی ایران با امکان استفاده از تراس آب، آموزش شنا توسط مربیان مدرسه شنا و مربیان بین المللی

آموزش ویژه خردسالان زیر ۵ سال در استخر مجزا روزهای زوج: دختران، خانمها روزهای فرد: پسران، آقایان

جمعه ها: شنای تفریحی صبح خانمها بعد از ظهر آقایان

خانه موی ایران

اولین موسسه ترمیم مو در ایران
روش تین اسکن از آمریکا
زیر نظر متخصصین ترمیم مو از کانادا
باز یکصد تار مو تا یکهزار تار مو

نشانی: ولیعصر، جنب سینما آفریقا، طبقه سوم
تلفن: ۸۸۰۰۲۸۰-۸۹۰۴۲۳۳-۸۸۹۳۱۲۳-۸۸۹۹۸۲۸

عکسها جاودان می مانند

بزرگنمایی، کوچک نمایی و ادیت عکسهای قدیمی

امکان حفظ عکس بر روی CD و فیلم V.H.S

طراحی کاتالوگ، بروشور و پوستر تماما با کامپیوتر

۰۹۱۱۲۳۰۳۶۵۵

یادداشت اقتصادی

نقش رسانه‌ها در نوسانات نرخ ارز

صغری پشمینه

در نیمه دوم سال ۱۳۷۶ با اعلام آزادشدن خرید و فروش ارز با منشا خارجی توسط سیستم بانکی، مسئله نرخ ارز اهمیت دوچندان یافت و از همان روز کوچکترین تغییر نرخ ارز در بازار رسمی ارز و همچنین در بازار موازی، سوزه روز مطبوعات کشور شد. اینکه امروزه در کشور ما هر تصمیمی را با نرخ آن مرتبط می‌دانند بر کسی پوشیده نیست. مثلاً اگر نرخ کرایه تاکسی افزایش یابد یا قیمت اجناس توسط گرانفروشی بیش از نرخ مصوب باشد، دلایل آن را به بالا رفتن نرخ دلار (ارز) ربط می‌دهند ولی اینکه تا چه حدی این امور به نرخ ارز وابسته است خود جای تأمل دارد.

نرخ ارز یکی از متغیرهای مهم در اقتصاد داخلی هر کشور است و هر کشور به تناسب وضعیت اقتصادی خود نظام ارزی مناسبی جهت کنترل ارز و نیز برقراری ارتباط در سطح بین‌المللی انتخاب می‌کند در سیستم پولی بین‌المللی، نظام ارزی دغدغه اصلی سیاست‌گزاران است و در نظام ارزی، تنظیم نرخ بهینه و مناسب از ارز بسیار مهم است چون اگر این نرخ به صورت مناسب تنظیم نشود نه تنها در راستای اهداف سیاست‌های پولی و ارزی یعنی رشد اقتصادی حرکت نخواهد کرد بلکه خود مانعی برای رشد اقتصادی خواهد شد. نرخ ارز مناسب علاوه بر تأثیر مثبتش بر تراز پرداخت‌ها و تقویت رقابت خارجی منجر به افزایش کارائی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع اقتصادی و تشویق انگیزه تولیدکنندگان خواهد شد در غیراین صورت آثار مخرب نرخ ارز نامناسب در روند توسعه اقتصادی خلل ایجاد کرده و حتی در پاره‌ای از مواقع منجر به شکست برنامه‌ها خواهد شد.

در اوایل سال ۱۳۷۷ با اعلام تغییر نرخ ارز مسافری از صادراتی به واریزنامه‌ای، که مطبوعات کشور این سیاست را نقد کرده‌و آن‌را نکوهش کردند ولی در این میان کسی بررسی نمود که چنین سیاستی تا چه حد سبب کاهش مسافرت‌های طبقه مرفه جامعه با دلار صادراتی شد؟ آیا کسی دقت نمود که این امر تا چه میزان باعث افزایش صرفه جویی ارزی برای دولت شد؟ و یا سهم ارز مسافرتی از کل بازار ارز چه رقمی است؟ در این دوره توجه بیش از حد به این موضوع سبب افزایش بیش از انتظار نرخ ارز در بازار غیررسمی شد که با پایان یافتن این بحث‌ها روند افزایش لحظه‌ای نرخ دلار نیز متوقف شد. ولی چون متغیر نرخ ارز در اقتصاد ایران غیرایستاست لذا شوک وارده بر آن دائمی شد درنتیجه قیمت ارز که در این دوران بالا رفته بود با اندکی کاهش در همان نرخ باقی ماند. در نیمه دوم سال ۷۷ به دنبال اظهارات معاون ارزی بانک خصوصی سیاست‌های ارزی دولت، نرخ ارز سیر صعودی پیدا کرد و دامن زدن مطبوعات به موضوعاتی از قبیل مجاز بودن دادوستد ارز در بانک‌ها به نقل از مدیرعامل بانک توسعه صادرات، پایین آمدن قیمت نفت، ضعف نقدینگی، سررسید بدهی‌های خارجی و ... موجب تداوم افزایش نرخ ارز تا پایان سال شد به طوری که در سال ۷۷، نرخ ارز در بازار غیررسمی حدود ۷۰ درصد افزایش یافت. اینکه چند درصد از این ۷۰ درصد به دلیل ساختار بیمار اقتصاد و دلایلی چون افزایش حجم نقدینگی و افزایش هزینه عمرانی و جاری دولت، عدم امنیت سرمایه‌گذاری، واردات کالای قاچاق، پیش‌بینی نرخ رشد منفی و سایر دلایل مرتبط بوده و چند درصد ناشی از جو روانی ایجاد شده توسط مطبوعات بوده است خود جای سؤال دارد؟

لاست آثار تغییر و تحولات ارزی را هم از بعد ملی و هم از بعد بین‌المللی در نظر داشته و تغییرات آن را بر بخش‌های واقعی اقتصاد و تجارت بین‌المللی مورد بررسی قرار دهیم، گواه این سخن تغییری است که در نرخ ارز واریزنامه‌ای ایجاد شده. بدین مضمون که تعیین نرخ ارز واریزنامه در سازمان بورس توسط عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و بانک‌ها دخالت مستقیم ندارند و بنا به گفته معاونت ارزی بانک درنهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی این سیاست به دنبال تشکیل صف‌های طولانی جهت دریافت ارز واریزنامه‌ای و در راستای سامان دادن به فعالیت واردکنندگان و صادرکنندگان اتخاذ گردیده و در حال حاضر متقاضیان می‌توانند بدون نوبت ارز مورد تقاضای خود را دریافت نمایند. به نظر ایشان سیاست ارز واریزنامه‌ای می‌تواند به عنوان خروجی از یک بازار تثبیت ارز استفاده شود به عبارتی بازار واریزنامه‌ای نقش Exit*starategy را ایفا می‌کند. بی‌تردید این سیاست در بخش صادرات و یا در بخش تراز پرداخت‌ها مؤثر خواهد بود ولی بازتاب عجولانه و جنجال‌آفرینی در این خصوص به این امر منجر خواهد شد که اقتصاد ما در حالت لزوآن باقی بماند و این امر به سود هیچ‌کسی نیست اگر صحبت از یک ساختار سالم اقتصادی است در این ساختار سالم باید کلیه امور و تصمیم‌ها با دلایل کارشناسانه به نقد گذاشته شود و سعی شود در فضای سالم و به دور از ایجاد تقاضای کاذب و جو روانی نتیجه تصمیمات متخذه مورد بررسی قرار گیرد نه اینکه با تیتراهای گمراه‌سعی نماییم جو روانی حاکم بر جامعه را تشدید کنیم.

چه خوب است باتوجه به نیاز اقتصاد کشور ما جهت دستیابی به نرخ ارز متناسب، اجازه دهیم به دور از ایجاد هرگونه تشنج در جامعه، ساز و کار ذاتی اقتصاد یعنی تعیین قیمت از طریق عرضه و تقاضا در خصوص نرخ ارز واریزنامه‌ای اجرا شود و در نهایت نتایج مثبت این سیاست در اقتصاد کشور را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

سکه و طلا	
۲۱ خرداد	
یک سکه تمام بهار آزادی	۵۳۵۰۰۰
یک سکه نیم بهار آزادی	۲۹۵۰۰۰
یک سکه ربع بهار آزادی	۱۵۷۰۰۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۵۵۰۰۰
یک مثقال طلای ۱۸ عیار	۲۴۷۰۰۰
به گزارش خبرنگار ما دیروز هر دلار آمریکا در بازار غیررسمی برابر ۸۳۰۰۰ ریال معامله شد	

دوم خرداد بر ملت عزیز ایران مبارکباد	
کمیته کامیونیستی	
کمیته هیأت‌مدیره	
چاپ	
گروه تبلیغاتی گرافیک مرکز مفتخر است تا با ۱۵٪ تخفیف ویژه دهه اول خردادماه در خدمت شما مشتریان گرامی باشد	
۹ صبح ۵۳ ۶۵ ۸۸۹ ۹ شب	

سازمان آگهی‌های روزنامه	
نشاط	
تلفن‌ها	۸۷۷۷۶۷۹
	۸۷۷۹۱۲۵
	۸۷۷۷۲۷۷
	۸۷۷۷۲۶۲
فکس	۸۷۷۹۱۲۵

گروه اقتصادی- انتخابات دوم خردادماه سال ۱۳۷۶ و روی کار آمدن دولت سیدمحمد خاتمی دور جدیدی از تحولات در عرصه سیاسی کشور آغاز شد. برخی معتقدند در برنامه‌های ارائه‌شده توسط خاتمی که بیشتر بر مسائل توسعه سیاسی در کشور متمرکز بود مسائل اقتصادی در حاشیه قرار داشته‌است. لیکن تأثیر و نقش برنامه‌ها و سیاست تشنج‌زدایی خاتمی‌باعث شد تا نگرش کشورهای منطقه ۱۰۰روپایی و غربی در نحوه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی تغییرات اساسی را به دنبال داشته باشد. تمایل کشورهای غربی به سرمایه‌گذاری در ایران، همکاری نزدیک ایران با عربستان و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) برای تثبیت بهای نفت و... ازجمله اثرات تحول دوم خرداد بر حوزه‌های اقتصادی است. آنچه می‌خواهید گفت وگوی نشاط با تنی چند از صاحب‌نظران اقتصادی درباره تأثیر روی کار آمدن دولت سیدمحمد خاتمی بر مسائل اقتصادی است.

دوم خرداد تأثیر چندانی بر مسائل اقتصادی نداشته‌است
موسی غنی‌نژاد اقتصاد‌دان و استاد دانشگاه گفت: از سال ۱۳۷۲ که سیاست بازگشت یا عدول از اصلاحات اقتصادی شروع شد و سیاست تعدیل کنار گذاشته شد، مسائل اقتصادی در درجه دوم قرار گرفت.

وی افزود: در یک سال آخر دولت هاشمی‌رفسنجانی نیز به مسائل اقتصادی در نحوه پرداخت و دولت به کنترل نرخ ارز، صادرات، واردات و... بازگشت یعنی برنامه‌های دولت آقای موسوی به نوعی زنده شد.

غنی‌نژاد اضافه کرد: در سال ۱۳۷۶ که دولت آقای خاتمی روی کار آمد، بیشتر برنامه‌ایشان بر روی مسائل توسعه سیاسی، آزادی، جامعه‌مدنی و... قرار داشت و مسائل اقتصادی در سایه قرار گرفت.

اولین باری که دولت جدید به طور جدی به مسائل اقتصادی توجه کرد، بحث طرح ساماندهی بود آن سال باز روی برنامه‌های اقتصادی تصمیم‌گیری نشده‌است.

غنی‌نژاد تصریح کرد: وضع کنونی ادامه وضعیت در سال ۱۳۷۴ است و تاکنون آن وضع کم‌وبیش با تغییر اندک ادامه داشته‌است. بنابراین می‌توانیم بگوئیم بعد از روی کار آمدن

بالا بودن هزینه‌های صدور پایان کار و شهرسازی عمده‌ترین مشکل واحدهای بی‌پروانه‌است

طرح‌شناسایی ۱۵۰ هزار نفر واحد صنعتی تولید و توزیعی بدون پروانه دیروز در تهران به اجرا درآمد.

به گزارش خبرنگار گام، علی‌فاضلی رئیس مجمع امور صنعتی صنوف تولیدی و خدمات، فتنی تهران دیروز در جمع خبرنگاران گفت: واحدهای صنعتی در تهران می‌توانند به مدت سه ماه با مزایعه به واحدهای صنعتی مربوطه فرم‌هایی را در این ارتباط پر کنند.

وی افزود: در مدت سه ماه یادشده مشکلات واحدهای بدون پروانه بررسی و در صورت نبود مشکلات تسهیلات لازم برای صدور پروانه آنها ارائه خواهد شد.

به گفته‌وی طرح شناسایی استان‌های دیگر در سه ماه آینده به اجرا در خواهد آمد.

وی هدف از اجرای این طرح را منضبط کردن واحدهای صنعتی برای تحقق اهداف کلان برنامه‌های اقتصادی دولت و نظارت در جهت حفظ منابع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و جمع‌آوری شبکه‌های فاقد صلاحیت فنی و تولیدی و همچنین رعایت اصول استاندارد در امر تولید دانست.

وی درخصوص واحدهای بدون پروانه گفت: در کلیه واحدهای صنعتی اعم از تولیدی و توزیعی شاهد ناسامانی‌های زیادی هستیم که نه سازمان‌های دولتی توانایی نظارت بر آنها را دارند و نه اتحادیه‌ها.

فاضلی با اشاره به این که در حال حاضر مشکل نامهانگی بین وزارت کشور و بازرگانی حل شده‌است گفت: ۸۰ درصد مشکل واحدهای بدون پروانه مربوط به شهرسازی و بالا بودن هزینه‌های صدور پایان کاری است که توسط شهرداری‌ها اخذ می‌شود و باقی آن مربوط به سازمان‌های صنعتی است.

وی افزود: در مورد هماهنگی با وزارت کشور و شهرداری در حال مذاکره هستیم و پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل

شرکت مهندسی نوآوران

فروش ویژه دوم خرداد

EPSON - HP

Pentium 233- Ram 32LG - HDD 4.3

Monitor SVGA - FDD Mitsumi - VGA 1-2

104 KEY - MOUSE - CD 36X - Sound - Speaker

۵,۰۴۰,۰۰۰ ریال

نقد - اقساط (چک کارمندی)

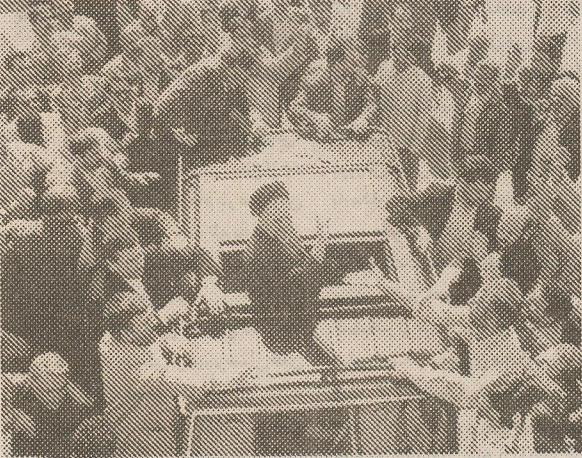
تلفن : ۷-۸۸۴۴۰۰۶ فاکس: ۰۷-۸۸۳۵۸۰۷

دوم خرداد تجلی اندیشه مبارکباد

اقتصادی

نظرخواهی نشاط از صاحب‌نظران اقتصادی

دوم خرداد و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی



دولت سیدمحمد خاتمی تصمیم‌های جدی گرفته نشده‌است و راهکارها و برنامه‌ها به صورت اجرایی مطرح نشده‌است.

بنابراین دوم خرداد نطفیاً و اثباتاً تأثیر چندانی بر مسائل اقتصادی نداشته‌است غنی‌نژاد درباره تأثیر دولت بر مسائل اقتصادی گفت: دولت قادر به حل مسائل اقتصادی مردم نیست، بلکه دولت می‌تواند موانع بر سر راه رشد اقتصادی مردم را از سر راه بردارد.

غنی‌نژاد افزود: من اعتقاد چندانی به برنامه‌ریزی و توسعه از طرف دولت ندارم، ولی دولت می‌تواند با برداشتن موانع موجود راه را برای رشد اقتصادی باز کند، یک سری از موانع

مربوط به خود دولت است و دیگر به نهاد‌های حقوقی مربوط می‌شود، دولت باید اصلاحاتی درباره این نهاد‌های حقوقی اصلاحاتی انجام دهد.

اقتصاد ما

نیازمند تحول ساختاری است
حسین کدخدایی اقتصاد‌دان و استاد دانشگاه به خبرنگار گام گفت: از جمله پدیده‌هایی که بعد از دوم خرداد شاهد آن بودیم، طرح ساماندهی اقتصاد



شده‌است.

وی درباره اشتغال زایی در بخش صنوف گفت: اگر به‌طور متوسط به کارگیری حداقل سه نفر کارگر را در واحدهای صنعتی محاسبه کنیم در مجموع چیزی بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر در سطح شهر تهران اعم از پراپروانه و بدون پروانه مشغول فعالیت هستند یعنی حداقل ۲ یا ۳ نفر کارگر در هر واحد صنعتی مشغول هستند.

وی درخصوص اصلاح قانون کار برای کارگاه‌های زیر ۳ کارگر گفت: آنچه که مطرح شد بیش از اندازه رنگ‌بوی سیاسی به خود گرفته‌است. در حال حاضر در قانون کار کارگاه‌های کوچک و بزرگ با یک چشم دیده شده‌اند و این باعث شده‌است که کارفرمایان جرأت به کارگیری نیروهای کار حتی در سطح محدود را نداشته باشند و نوع اثر و رابطه قانون کار مبتنی بر یک تعادل باشد ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که با داشتن حداقل ۳ نفر در یک واحد می‌توان تأمین هزینه‌های حدود ۲ میلیون نفر را فراهم کرد. وی با بیان مخالفت خود از رشد بی‌رویه واحدهای بدون پروانه گفت: ضمانت اجرایی در دست اصناف نیست و در این باره هم شهرداری‌ها و هم نیروی انتظامی باید باری کنند.

به گفته‌وی در حال حاضر ۳۴ هزار واحد صنعتی در بخش املاک وجود دارد که این خود باعث تشدید بورس بازی می‌شود.

وی با اشاره به این که در سراسر کشور حدود ۱/۵ میلیون واحد صنعتی فاقد پروانه کسب وجود دارد گفت: این طرح شناسایی به دستور مستقیم رئیس جمهوری پیگیری خواهد شد.

وی گفت: در این طرح آمده‌است که واحدهای صنعتی تا زمانی که موفق به اخذ پروانه در زمان مقرر نشده‌اند تعطیل نخواهند شد.

مرحله طرح اولیه باقی مانده‌است و برخی به مرحله عمل رسیده‌است، اما کالی نیست و باید گام‌های جدی‌تری برداشته شود.

وی گفت: اقتصاد ما نیاز به تحول در ساختار زیربنایی دارد که با انجام این اقدامات امید می‌رود مشکلات از جمله تورم، پایین آمدن قیمت نفت، بیکاری و... برطرف شود.

مشکلات اقتصادی اهداف دوم خرداد را از دسترس دور می‌کند
بهمن آرمان صاحب‌نظر اقتصادی در این زمینه گفت:

البته انتظار مردم از انتخابات دوم خرداد مقوله‌ای فراتر را دربر می‌گرفت و مردم بر این باور بودند که از طریق انتخاب نماینده اصلاح از نقطه‌نظر اقتصادی نیز دستاوردهایی قابل توجه و قابل لمس‌ی برای آنان نیز وجود داشته باشد وی افزود: ولی ادامه تششت سیاسی داخلی و عدم حل مشکلات اساسی با طرف‌های اصلی تجاری کشور بسته نبودن دست دولت در زمینه استفاده از امکانات مالی نهاد‌های جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و مؤسسه‌های وام‌دهنده، دستیابی به هدف‌های یادشده را غیرممکن ساخت. ضمن این که دولت مواجه با کاهش درآمد نفت بود که آن نیز بالغ از تحقق اهداف قبلی بود و فشار را بر دولت افزایش داد ولی در عین حال مردم و کارشناسان مسائل اقتصادی و اجرایی این ایراد را بر آقای خاتمی دارند که هیأت دولت او از نظر اجرایی و اشتیاق به انجام کار، به مراتب از دولت پیشین ضعیف‌تر است.

آرمان اضافه کرد: به نظر می‌آید که مشکلات بیرونی با ضعف بدنه اجرایی دولت هماهنگ شده و موجب وارد آوردن فشار بیشتری بر مردم شده‌است و تحقیق هدف‌های دوم خرداد ۷۶ را عملاً دور از دسترس قرار داده‌است.

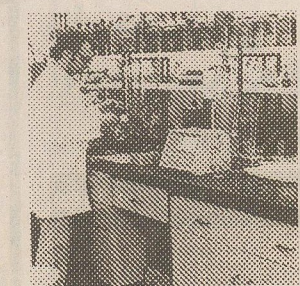
گروه اقتصادی - سندیکای صنایع آلومینیوم ایران خواستار تسریع در اعلام نرخ‌انواع محصولات آلومینیومی شد. به گزارش خبرنگار گام، این سندیکا اعلام کرد تاخیر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به صنعت آلومینیوم کشور موجب سردرگمی بازار، عدم توزیع محصول به وسیله تولیدکنندگان به علت نداشتن قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت و نارضایتی عمومی شده‌است. هوشنگ گودرزی عضو هیأت مدیره سندیکا گفت: بعد از گذشت دو ماه آلومینیومی اعلام نشده‌است - کارخانه‌ها - بالا کلیفک ماده‌اند و تا قیمت نهایی به آنان ابلاغ نشود، نمی‌توانند برای سال ۷۸ برنامه‌ریزی کنند. وی تفاوت قیمت بین بازار آزاد و فروش دولتی را از جمله مشکلات این صنعت ذکر کرد و گفت: در حال حاضر قیمت هر کیلو آلومینیوم ۳۰۰ تومان در بازار آزاد گران‌تر است. قیمت‌گذاری از گروه اقتصادی - سندیکای صنایع آلومینیوم ایران خواستار تسریع در اعلام نرخ‌انواع محصولات آلومینیومی شد. به گزارش خبرنگار گام، این سندیکا اعلام کرد تاخیر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به صنعت آلومینیوم کشور موجب سردرگمی بازار، عدم توزیع محصول به وسیله تولیدکنندگان به علت نداشتن قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت و نارضایتی عمومی شده‌است.

هوشنگ گودرزی عضو هیأت مدیره سندیکا گفت: بعد از گذشت دو ماه آلومینیومی اعلام نشده‌است - کارخانه‌ها - بالا کلیفک ماده‌اند و تا قیمت نهایی به آنان ابلاغ نشود، نمی‌توانند برای سال ۷۸ برنامه‌ریزی کنند. وی تفاوت قیمت بین بازار آزاد و فروش دولتی را از جمله مشکلات این صنعت ذکر کرد و گفت: در حال حاضر قیمت هر کیلو آلومینیوم ۳۰۰ تومان در بازار آزاد گران‌تر است. قیمت‌گذاری از گروه اقتصادی - رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران آمادگی صاحبان صنایع، بازرگانان و سرمایه‌گذاران ایرانی را برای همکاری با سرمایه‌گذاران و صاحبان تکنولوژی فرانسه اعلام کرد.

به گزارش ایرنا، علینقی خاموشی در همایش یک روزه‌ای در پاریس گفت:

وزیر نفت:

در صنعت نفت باید به سطح فن آوری روز برسیم



نفت ایران به یک شرکت بین‌المللی نفت برای فعالیت در زمینه فروش نفت خام، سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و مدیریت سهام آخرین مرحله از گام اول می‌باشد.

وی گفت: وزارت نفت باید در زمینه سیاست‌گذاری و نظارت بر اعمال سیاست‌ها فعالیت کند.

وی گفت: گام بعدی در فعالیت اصلاح ساختار، آموزش مدیران برای اداره شرکت‌ها است که باید به عنوان یک نگاه اقتصادی و سودآور فعالیت کند. وی آموزش نیروی انسانی، ارتقا

تحولات بازار نفت

نفت و همکاری‌های منطقه‌ای

آوین خورشیدی

در سال‌های گذشته با بسط خصلت «جهانی‌شدن» و «بی‌وطنی» سرمایه و در پی آن ادغام شرکت‌های بزرگ در عرصه‌های مختلف، بسیاری از شرکت‌های نفتی نیز در جهت ادغام با یکدیگر گام نهاده‌اند. برخی علت این ادغام‌ها را ناشی از قیمت‌های پایین نفت دانستند. در حالی که باتوجه به مجموعه تحولات در اقتصاد جهانی به نظر می‌رسد که ادغام‌ها در نهایت صورت می‌گرفت و شاید تنها تأثیری که کاهش قیمت نفت بر آن گذاشت تسریع در روند ادغام‌ها بود.

در ادامه ادغام‌ها، در روزهای گذشته خبری مبنی بر مذاکره مقام‌های شرکت نفت دولتی ونزوئلا با همتای برزیلی خود توسط خبرگزاری‌ها گزارش شده‌است. با این حرکت ونزوئلا به نظر می‌رسد که یک اندیشه ملی در جهت مقابله با تحولات اخیر در بازار نفت، در حال شکل گرفتن است که تا حد زیادی به گرایش‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای منگی است.

تاریخ عملکرد و سست ونزوئلا در عرصه نفت، بیانگر حضور فعال، پویایی و نوآوری مقام‌های نفتی این کشور در مقاطع مختلف است. از مهمترین عملکردهای این کشور، پیشگامی در قراردادهای جدید با شرکت‌های نفتی در دهه ۱۹۵۰ و در پی آن تشکیل سازمان اوپک در اوایل دهه شصت است. و در جهت مقابله با رکود قیمت‌ها در سال گذشته نیز ونزوئلا نقش فعالی ایفا کرد. این رویکرد جدید ونزوئلا نیز برای مسئولان نفتی کشور ما قابل تعمق است.

در روزهای گذشته با تحرک سیاست خارجی ایران مبنی بر بسط ارتباطات با کشورهای حوزه خلیج فارس و سفرهای سیدمحمد خاتمی به چند کشور عربی، به نظر می‌رسد که موقعیت مناسبی برای همکاری‌های منطقه‌ای در جهت تدوین سیاست‌های نفتی مشترکی که منکبی بر منافع ملی طرفین به عنوان تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت ایجاد شده‌است. لذا در این راستا لازم‌است که مسئله نفت به عنوان محور قابل اتکایی جهت بسط مذاکرات منطقه‌ای مدنظر قرار گیرد و البته نباید فراموش کرد که کشورهای دیگری همچون عراق نیز از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردارند و با فرض وجود اهداف امنیتی در مذاکرات جاری، به نظر می‌رسد که مسئله نفت و همکاری بر سر آن و مشارکت دادن کشورهای مختلف در این همگرایی، پایه مناسب و مستحکمی به شمار آید.

قیمت انواع نفت خام			
۱۰ تا ۱۰۰ فوریه	۲۲-۲۳ اردیبهشت	۳۱ اردیبهشت	
سبک ایران	۱۲/۸۲	۱۳/۵۰	۱۳/۷۵
سنگین ایران	۱۴/۴۲	۱۳/۰۸	۱۳/۱۰
برنت	۱۶/۲۶	۱۶/۴۱	۱۵/۵۸
وست تگزاس	۱۷/۰۹	۱۷/۶۹	۱۷/۴۰
ماخذ آمار هفته نامه Global Markets			
# خبرگزاری رویتر			
# برآورد نشاط			
- قیمت نفت ایران در بندر سیدی کریر است. قیمت فوب آن در خلیج فارس ۱ تا ۱/۵ دلار کمتر از قیمت‌های فوق است.			

سندیکای صنایع آلومینیومی ایران:

قیمت محصولات آلومینیومی با گذشت دو ماه از سال هنوز اعلام نشده‌است

صادرات بدون پیمان سپاری و آزادسازی سهمیه‌بندی مواد اولیه کارخانجات می‌شود و این موضوع موجب تفاوت زیاد قیمت در بازار آزاد می‌شود.

وی افزود: نمی‌دانند ما در مسائل آلومینیوم کشور اظهارنظر کنیم، ما مواد اولیه زیر ۲۵ درصد ظرفیت خود تولید می‌کنند.

وی میزان افزایش قیمت محصولات آلومینیومی را در سال ۷۸ حدود ۳۰ درصد نسبت به سال قبل اعلام کرد. وی از مسئولان درخواست کرد برای قیمت‌گذاری مواد اولیه تمام مسائل صنعت از قبیل راه‌اندازی، تولید، تأمین منابع اولیه و... را در نظر داشته باشند. هادی غنیمی‌فرد رئیس هیأت مدیره سندیکا نیز گفت: صنعت آلومینیوم می‌تواند خود کفاباشد و بهبود بهره‌وری از صنعت باید با سیاست‌گذاری کارشناسانه به نتیجه برسد. آزادسازی واردات بدون انتقال ارز، تأمین مواد اولیه کارخانه‌های آلومینیوم و آزادسازی می‌کند.

ششمین فرد گفت: بالا بودن نرخ شمش در بازار آزاد به علت نامهانگی بین عرضه و تقاضاست. در حال حاضر میزان مصرف داخلی حدود ۱۵۰ هزار تن است در حالی که توزیع شرکت ایرانکو در سال ۷۷ حدود ۸۳ هزار تن اعلام شده‌است، یعنی حدود ۷۰ ظرفیت تولید کما اینکه کارخانه‌های ما بالای ۵۰۰ هزار تن است و اگر منابع اولیه وارد کشور شود امکان صادرات به میزان ۳۵۰ هزار تن همزمان وجود دارد. بر رف نیاز داخلی و کاهش قیمت‌ها، به میزان زیادی نیز سود عاید کشور می‌کند.

وی خواستار لغو این رتبه‌بندی و برقراری پوشش بیمه صادراتی از سوی مؤسسه بیمه «کوناس» فرانسه‌ای ایران شد و افزود که به این ترتیب بازرگانان ایرانی و فرانسوی می‌توانند همکاری میان خود را گسترش دهند. خاموشی درباره قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران انطباق هرچند قانون قدیمی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی همچنین اجرا می‌شود و دولت از آن حمایت می‌کند، اما اکنون قانون جدید سرمایه‌گذاری در دست بررسی است که در آن امتیازها و آزادی عمل بیشتری به برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در نظر گرفته شده و محدودیت‌های گذشته در ارتباط با میزان سهام سرمایه‌گذاران خارجی رفع خواهد شد. وی با اشاره به ۳۵۰ میلیارد دلار خرید خارجی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب و انجام تا آخرین رتبه فهرست کشورهای ریسک‌پذیر منطقه‌ای نیست و بیشتر نوعی برخورد سیاسی با ایران است که با سیاست بازشدن درهای اتحادیه اروپا به روی ایران سازگار نیست.

روایت‌های ۶ گانه از یک فیلم ۶ قسمتی

هیاهوی بسیار برای کیش

از زمان انتخاب «قصه‌های کیش» در جشنواره کن تاکنون، روایت‌های گوناگون و متضادی از سوی کارگردانان سفر رفته، فیلمسازان جامانده، تهیه‌کننده فیلم، ژیل ژاکوب، خبرنگاران روزنامه‌ها و حتی منابع ناشناس با نامه‌های بدون امضا منتشر شده است. اما حقیقت چیست؟

روز گذشته در پی اخبار جنجالی مربوط به حضور «قصه‌های کیش» در جشنواره کن، تصویر نامه‌ای از ژیل ژاکوب دبیر این جشنواره به همراه ترجمه آن از طرف منابع مختلف و غیررسمی برای نشریات ارسال شد. از شیوه نگارش این نامه که بدون عنوان تنظیم شده است چنین به نظر می‌آید که در پاسخ به درخواست فرد یا گروهی، نوشته شده است. در این نامه ژاکوب گواهی می‌کند که حذف اپیزود «گفت و گو با باد» از سوی او و هیأت انتخاب فیلم جشنواره کن صورت گرفته است. نامه ژاکوب تاریخ

از طرف دیگر باز هم دیروز فاکس‌های غیررسمی و تأیید نشده با سرپرک مؤسسه توسعه سیاحتی کیش (متعلق به سازمان منطقه آزاد



پشت صحنه فیلم دختر دایی گمشده - فیلم مهرجویی ناگام ماند تا نادیده بماند

۱۹ مه را بر خود دارد اما سه روز پس از نگارش در حالی برای مطبوعات ارسال شده است که بیشترین نامه دلجویانه محمدرضا یزدان پناه خطاب به دبیر جشنواره کن در اختیار روزنامه‌نگاران قرار گرفته بود و در روزنامه‌های شبیه **اُپل** خردادماه (۲۲ مه) به چاپ رسید. در این نامه، یزدان پناه خطای ناقص بودن فیلم را برعهده گرفته و عرضه ناتمام آن را ناشی از اشتباه مسئولان و مشاوران آن سازمان دانسته است و به این ترتیب یزدان پناه خواستار حذف فیلم از بخش مسابقه و شرکت آن در سال آینده شده است.



امروز، همیشه

داگلاس فرنکس

حرفه: بازیگر، تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس
تاریخ تولد: ۲۳ مه ۱۸۸۲
محل تولد: دنور، کلرادو
نام اصلی: داگلاس التون اولمن
درگذشت: ۱۲ دسامبر ۱۹۳۹، سانتامونیکا، کالیفرنیا

امروز یکصد و شانزدهمین زادروز این ستاره دوران اولیه سینما و فیلم‌های صامت است. او در ۱۲ سالگی بازیگری را با نمایش‌های صحنه‌ای آغاز کرد.

در ۱۹۱۵ به سینما راه یافت و در ۱۹۲۰ پس از جدایی از نخستین همسرش با مری پیکفورد، ستاره محبوب آن دوران ازدواج کرد.

تخصص او در ایفای نقش قهرمانان ماجراجو بود؛

نقش‌هایی همچون قهرمانان فیلم‌های سه تفنگدار (۱۹۲۱) رابین‌هود (۱۹۲۲) و دزد بغداد (۱۹۲۴) که در همه آنها او بدون استفاده از بدل، صحنه‌های حادثه‌ای را خود انجام می‌داد.

این بازیگر (که به تهیه فیلم و نگارش فیلمنامه نیز می‌پرداخت) یکی از بنیان‌گذاران یونایتید آر تیستز بود که سال ۱۹۱۹ تأسیس شد و در آن جمعی از چهره‌های قدرتمند صنعت سینما (فرنکنس، پیکفورد، چارلی چاپلین و گریفیث) گرد هم آمده بودند.

فعالیت او با پیدایش سینمای ناطق سیر نزولی و پس از اینکه زندگی مشترک او و پیکفورد در ۱۹۳۶ باطلای به پایان رسید با لیری سیلیویا اشلی، یک نجیب‌زاده انگلیسی از دواج کرد.



در نخستین سالن روز جمعه من شکو منند دوم خرداد انتشارات امداد پوستر چهار رنگ گفتنی علی‌نشر یعنی این چهره‌ی جاویدان روشنفکری دینی را به دوستداران و علاقه‌مندان هدیه می‌نماید.

عرضه در بازار چه کتاب و کتاب فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران

دیگر دوره طاقت فرسای از اعتراض و گلايه و جنجال را بدون هیچ ثمری پشت سر گذاشت. اولین اعتراض رسمی با عکس‌العمل بهرام بیضایی آغاز شد. او در نامه‌ای خطاب به قریب تهیه‌کننده فیلم کیش درخواست کرد تا از شرکت کامل‌شش‌اپیزودی در دوره آینده جشنواره‌ای جلوگیری شود. اما ناصر تقوایی دیگر کارگردان معترض پس از آن که یزدان پناه از آنان دلجویی کرد نامه‌ای را به ژیل ژاکوب نوشت و در آن

خواست تا او و کرانتبرگ رئیس هیأت داوران این دوره جشنواره تا زمان رسیدگی و کلاّی تقوایی به مسائل مورد اختلاف، اپیزود «کشتی یونانی» را از بخش مسابقه خارج کنند. نامه تقوایی به‌خواست یزدان پناه مشابه بود، چرا که او هم به وعده شرکت دادن فیلم کامل‌شش‌اپیزودی در دوره آینده جشنواره کن درخواست کرده بود فیلم از بخش مسابقه و لیست احتمالی جوایز خارج شود. بی‌آن که بداند با پدید آمدن این مسائل حاشیه‌ای دیگر

یزدان پناه:

نباید به حسادت‌ها دامن بزنیم

خبرها و اظهارنظرهای ضدونقیض و جنجال‌هایی که پیرامون مجموعه قصه‌های کیش ایجاد شده ما را بر آن داشت با محمدرضا یزدان پناه مدیر سازمان منطقه آزاد کیش و تولیدکننده و سرمایه‌گذار این پروژه گفت‌وگویی داشته باشیم که در زیر می‌خوانید:

● شما در نامه‌تان نوشته‌اید این فیلم با قصد تبلیغاتی ساخته نشده است، با توجه به این که سازمان منطقه آزاد کیش یک سازمان دولتی است براساس چه شرح وظایفی وارد فعالیت فرهنگی - هنری شده است؟

- این‌گونه فعالیت‌های فرهنگی توسط سازمان‌های دولتی دیگر هم انجام شده است مانند ساخت فیلم گبه توسط سازمان صنایع دستی. ما با توجه به پتانسیل‌های سیاحتی موجود در این جزیره و اهداف توسعه سیاحتی آن برای شناساندن کیش در دنیا از کارگردانان بزرگ دعوت کردیم که این مجموعه را بسازند و در ساخت مجموعه نیز هیچ‌گونه دخالتی نداشته‌ایم. فرستادن این مجموعه برای جشنواره‌های خارجی و به ویژه جشنواره کن هم در راستای همین اهداف بود.

● بنابراین شما در کنار فعالیت فرهنگی به هر حال درصد کار تبلیغاتی بودید.

- اگر به نظر شما این کار تبلیغات محسوب می‌شود به نظر من کار اعلام انصراف محسوب می‌شود برای اهداف توسعه سیاحتی سازمان صورت گرفته است.

● نامه ژاکوب به تاریخ ۱۹ می است یعنی سه روز قبل از اعلام انصراف شما. آیا از متن نامه خبر داشتید؟

- خیر. من از وجود این نامه بی اطلاع بودم.

● ولی می‌بایست خیلی بیشتر از این باخبر شده باشید که فیلم آقای بیضایی رد شده است. چرا آن موقع این را اعلام نکردید.

- ما به دلیل احترامی که برای ایشان قائل هستیم و نیز به دلایل اجتناب از ناراحتی ایشان این خبر را انعکاس ندادیم و اکنون نیز موافق انعکاس آن نبودیم.

● شما در نامه خودتان عنوان کرده‌اید به دلیل آن که این فیلم به صورت ناتمام ارسال شده است - ترسیدن یک اپیزود و مشکلات دو اپیزود دیگر - خواستار حذف آن در فهرست کاندیدا برای هر نوع جایزه احتمالی شدید، در صورتی که حذف اپیزود گفت و گو با باد نیز قبلاً این فیلم را ناقص کرده بود.

- اعلام انصراف ما در واقع احترام به کارگردانان نسل اول بود و این که کدورتی این عزیزان از ما نداشته باشند، ولی با توجه به این که هر کدام از قسمت‌های این مجموعه کاملاً مستقل از یکدیگر هستند مسلماً برای ارائه آن‌ها به نحوه مطلوب و در راستای اهداف توسعه سیاحتی سازمان و شناساندن جزیره کیش مسلماً در مورد جشنواره‌های دیگر جهانی اگر لازم بود به صورت انفرادی نیز هر کدام از بخش‌ها را شرکت خواهیم داد.

● خبرهایی برای روزنامه‌ها فاکس می‌شود که بدون امضا و با استفاده از سرپرک سازمان‌های تابعه آن سازمان صورت می‌گیرد و خبر از احتمال دریافت جایزه را می‌دهد، نظر شما در این باره چیست؟

- من هر گونه خبری را که در این مورد باشد تکذیب می‌کنم و فکر می‌کنم ما نباید به اشتباهات، حساسیت‌ها و حسادت‌هایی که در این زمینه در حال شکل‌گیری است دامن بزنیم و با احساسات کارگردانان نسل اول بازی کنیم. به هر حال حضور این مجموعه در کن منتفی است.



باران بومی - فیلم بنی اعتماد را ممیزی در تهران نگه داشت

این جزیره آزاد دارند. بیضایی برای راه‌هایی از این جریان از تهیه‌کننده فیلم درخواست کرده که اپیزود «گفت و گو با باد» را به او بفروشند و این در حالی است که تقوایی از پرداخت نکردن مطالبات خود از تهیه‌کننده فیلم می‌گوید. فیلمی که هدف آن تبلیغی غیرمستقیم برای جزیره‌ای توریستی بود. جزیره‌ای که اگر می‌توانست حرمت هنرمندان را به خوبی نگه دارد امروز موفق‌ترین روزگار خود را با حضور فیلمی در کن سپری می‌کرد.

اما امروز تبلیغات غیرمستقیم که هدف تهیه‌کنندگان فیلم بود تبدیل به منفی‌ترین تبلیغات برای آن لاقال در داخل کشور شده است. این مسئولیت برگردد دست‌اندرکاران دیگر است که از کشیده شدن



در- فیلم مخفیان درکن به نمایش درآمد اما او هم ناگام ماند

ماجرای اختلاف انگیز داخلی به جشنواره کن جلوگیری کنند، تأثیری سینمای ایران حفظ شود.

ولی هنوز این مسئله در ابهام است که چه کسی از ژاکوب خواسته است تا چنین تأییدیه‌ای را امضا کند؟

نمایشنامه‌نویسی مجانی

اصولی متون نمایشنامه‌نویسی برگزار می‌شود. دوره‌های یاد شده در چهار ترم سه ماهه برگزار می‌شود و شرکت‌کنندگان در آن علاوه بر آموزش متون نمایشنامه‌نویسی به شکل کارگاهی، نقد و تحلیل مهم‌ترین نمایشنامه‌های ایران و جهان، گزیده‌ای از تاریخ ایران و جهان، آشنایی با نمایشنامه‌نویسان مطرح ایران و جهان را مورد بررسی قرار خواهند داد.

همه می‌گویند چرا نباید این فیلمساز فیلمی به نام «همه چیز برای پدرم می‌ساخت»، توجیه به زنان تنها در مضامین فیلم‌ها خلاصه نمی‌شود. نخستین جایزه کن نیز به یک کارگردان و کم‌دین زن اسپانیایی تعلق گرفت. او جایزه سی‌وومسین دوره هفتمه منتقدان را که از بخش‌های جنبی این جشنواره است به دست آورد. این جایزه نقدی به مبلغ ۱۰۰ هزار فرانک (برابر ۱۵ هزار یورو) است که نیمی از آن به کارگردان و نیم دیگر به شرکت توزیع‌کننده فرانسوی فیلم تعلق می‌گیرد.

فیلم‌های هفتمه منتقدان پس از پایان جشنواره کن در آخر ماه مه در شهرهای پاریس و بوردو و در نیمه‌ماه ژوئن در شهر لیون مجدداً نمایش می‌یابد. همچنین بخش سینه فونداسیون (سینمای دانشجویی) که به فیلم‌های هنرجویان سینمایی اختصاص دارد نیز جوایز خود را اعلام کرد. ژیل ژاکوب هنگام اهدای جوایز این گروه آن‌ها را «نسل تازه سینما» نامید.

جایزه نخست جشنواره به امیلی یانگ از لندن و جوایز دوم به دوور کسناوشلی (تل‌آویو) و امانوئل برکو (پاریس) تعلق گرفت. جایزه سوم نیز به هاگن کلاوسن («کنهاگ») اهدا شد.

۳۰۲۰۱...هفت

تئاتر در این هفته

در حال اجرا...

● سومین جشنواره دانشجویی نمایش عروسکی از دیروز اول خرداد ماه کار خود را آغاز کرد.

کانون نمایشی دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر با همکاری مبارک یونیمیا و شرکت فرهنگی - هنری صبا متولی برگزاری این جشنواره است که تا هفت خرداد ماه در تالار هنر - کانون نمایش‌های عروسکی - و دانشکده سینما-تئاتر برگزار می‌شود.

جشنواره‌های دانشجویی معمولاً با اقبال عمومی روبه‌رو نمی‌شوند و به‌جز جمعی محدود از جمله دوستان و بستگان دست‌اندرکاران جشنواره مخاطبی ندارند. شاید مهمترین علت این کم‌رونقی کیفیت نامطلوب نمایش‌ها باشد که آن هم به کمبود امکانات لازم برای کار کردن و تجربه‌اندوختن دانشجویان در زمان تحصیل باز می‌گردد.

شاید زمان آن رسیده باشد که با جدی گرفتن هنر نمایش و دعوت از استادان مجرب در رفع این نقص عمده بکوشیم.

● ششمین یادواره تئاتر دفاع مقدس با نام عاشورا بیان فردا دوشنبه سوم خردادماه به کار خود پایان خواهد داد. مراسم اختتامیه این جشنواره در تالار اصلی تئاتر شهر برگزار می‌شود.

در این جشنواره علاوه بر رقابت ۲۳ نمایش در بخش مسابقه، هر روز در محوطه تئاتر شهر یک تئریزه و یک نمایش خیابانی به اجرا درآید. برگزاری جلسات نقد و بررسی و میزگردهایی پیرامون تئاتر دفاع مقدس از بخش‌های جنبی این جشنواره بود.

● نمایش توفان روح نوشته فرهاد مهندس‌پور به کارگردانی حسین پارسایی با رویکردی به واقعه کربلا و جنگ ایران و عراق هم‌زمان با جشنواره تئاتر دفاع مقدس در تالار وحدت به‌روی صحنه رفت. اجرای این نمایش نیز هم‌زمان با پایان یافتن جشنواره پایان می‌گیرد.

مجموعه تئاتر شهر از روز سه‌شنبه با دو نمایش برنامه عادی خود را از سر می‌گیرد.

نمایش ریچارد سوم اثر ویلیام شکسپیر به کارگردانی داود رشیدی در تالار اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود. برخی عقیده دارند اجرای ریچارد سوم دچار افت کیفی شده‌است، این در حالی است که بلیت‌های نمایش برای چند روز پیشفروش می‌شود.

- نمایش داستان باغ وحش اثر ادوارد آلبی، ترجمه حسین پرورش به کارگردانی علی عمرانی در تالار چهارسوه به‌روی صحنه می‌رود. در این نمایش محمود جعفری همراه علی عمرانی به ایفای نقش می‌پردازد.

● اجرای دیگری از داستان باغ‌وحش با همان ترجمه در تالار مولوی به روی صحنه است. این نمایش پایان نامه بازیگری مسعود سخایی و مسعود میرحسینی است و خسرو خورشیدی طراحی صحنه و کارگردانی آن را برعهده داشته‌است.

● در خانه نمایش اداره تئاتر نمایش موسیو یعنی ویولن نوشته فرامرز طالبی به کارگردانی حسین عاطفی و بازی جمال اجلائی به‌روی صحنه است. با وجود بازی خوب اجلائی این نمایش با استقبال روبه‌رو نشده‌است.

● نمایش مذهبی غننامه فرات در تالار اندیشه حوزه هنری اجرا می‌شود.

این اجرا کاری از مرکز نمایشی حوزه هنری با موضوع وقایع کربلا است.

درباره اجرا...

«طوفان روح»، ساعت ۱۹، «ریچارد سوم»، ساعت ۱۹، «داستان باغ وحش»، ساعت ۲۰، «داستان باغ وحش»، ساعت ۱۹، «موسیو یعنی ویولن»، ساعت ۱۹ و «غننامه فرات»، ساعت ۱۸/۳۰ اجرا می‌شود.

دیگر اینکه...

● شورای نظارت و ارزشیابی بر نمایش در اطلاعیه‌ای اعلام کرده‌است که از اول خرداد ماه فقط طرح‌ها و نمایشنامه‌هایی را می‌پذیرد که از سوی گروه‌های ثابت تئاتری پیشنهاد شوند. این حرکت در پی تصمیم تشکیل گروه‌های تئاتری شناسنامه‌دار بر مبنای سیاست‌های مرکز هنرهای نمایشی، آغاز شده‌است و به‌نظر می‌رسد در این اقدام، تئاتر کشور به‌سوی پیدا کردن جایگاه واقعی خود گام برمی‌دارد.

مطابق این طرح هر گروه می‌تواند با توجه به اساسنامه خانه تئاتر کشور مبتنی بر یک آیین‌نامه مدون داخلی و شناسنامه کامل، خود را به ثبت برساند. اگر این طرح به‌شانت، برنامه‌ریزی‌های دقیق و نظمی که طلب می‌کند اجرا شود، در پی ثباتی که دست خواهد داد بسیاری از مشکلات اولیه تئاتر کشور حل خواهد شد مشروط بر اینکه کمبود امکانات و تالارهای نمایشی موجب دلسردی و دلخوری گروه‌های متقاضی استقرار در تالارها از یکدیگر و مرکز هنرهای نمایشی نشود و معضلی بر معضلات دیگر نیفزاید.

برخی از کارگردانان تئاتر عقیده دارند کیفیت را نباید فدای کمیت کرد و مرکز هنرهای نمایشی نباید برای راضی نگه داشتن همه گروه‌ها، امکانات را چنان تقسیم کند که هیچ‌کس نتواند به تمامی از این بضاعت‌اندک استفاده کند. البته افتتاح خانه نمایش اداره تئاتر، احداث تالارهایی در پارک ایران‌شهر، ساخت تالار سایه و بازسازی تالار قشقایی در مجموعه تئاتر شهر، اقدامات مثبتی در جهت افزایش امکانات است. اما به علت پیشرفت نبودن فن‌آوری به کارفته در این تالارها و شناخته‌نبودن آنها برای تماشاگران، کمتر گروهی حاضر به اجرای نمایش در آنها می‌شود، مگر آنکه به امکانات صحنه‌ای و نوری زیادی احتیاج نداشته باشد.

آنچه مسلم است علاوه بر این که آغاز اجرای این طرح اهمیت ویژه‌ای دارد چگونگی حرکت آن و به دست آوردن نتیجه‌ای مطلوب نیز بسیار مهم است.

۱ و ۲ و ۳ پرسش

از فهیمه راستکار

نمایشی برای خود نمایش

آن‌چه می‌خوانید صحبت‌های یکی از بازیگران قدیمی تئاتر است که چندی پیش در نمایش بازگشتی نیستن اثر ریک برادول به کارگردانی گلچهره سجادی به ایفای نقش پرداخت. این نمایش که اولین تجربه کارگردانی سجادی به بود با اقبال عمومی مواجه‌نشد.

● چرا مدت‌ها از صحنه تئاتر دور بودید؟

- حقیقت این است که اولاً تئاتری نبود ثانیاً از من دعوتی نشده بود.

می‌دانید که من جزو گروه اداره تئاتر نبودم به همین دلیل جزو تئاتری‌های فراموش‌شده‌بودم. ولی وقتی گلچهره سجادی - که سال‌ها پیش با هم در نمایش خانه برناردلینا اثر گارسینالور کار بازی داشتیم - تصمیم به اجرای این نمایش گرفت، من با کمال میل پذیرفتم برای این که از نمایشنامه خیلی خوشم آمد، بسیار منسجم بود، به مسائل مملکت ما ربط داشت. درست است که به جنگ جهانی اول مربوط بود ولی به هر حال هر جنگ‌های دیگر مربوط است. استیل نمایشنامه که برای یک ساعت اجرا در نظر گرفته شده، بسیار جذاب است و حرف‌های زیادی در دل خود داشت. مثل نمایش‌های دیگر دف و ساز نداشت. نمایشی بود برای حس کردن و گوش کردن. گویانکه با مشکلات زیادی برای پیدا کردن نقش‌ها مواجه شدیم ولی به هر حال نمایش بی ادعایی بود و نمایشی بود برای خود نمایش نه برای جلب تماشاچی. چیزی که در ایران کم شده‌است - چیزی که خودش تئاتر باشد. ما هیچ کوششی نکردیم که نمایش را به گونه دیگری دریاوریم.

این نمایش در فرهنگ نمایش‌های انگلیسی قرار می‌گیرد. پرسوناژهای آن یک هویت نهفته دارند که کشف و به تصویر کشیدنشان کار ساده‌ای نبود. من معتقد نیستم که ما صد درصد موفق شدیم ولی بسیار کوشش کردیم که در نمایش فریاد بی‌جان‌زنیم و خودمان را به تماشاگر تحمیل نکنیم.

● چرا برای پیدا کردن نقش‌ها با مشکل مواجه شدید؟
- در این نمایش برای پیدا کردن نقش مَرِد مشکل داشتیم. به دلیل اینکه هنرپیشه‌ها برای گذران زندگی جذب تلویزیون و سینما می‌شوند. البته بازیگر این نقش نهایت کوشش خود را کرد. جوان‌ها هم که بار اول بود به‌روی صحنه آمدند با توجه به‌زمانی که برای تمرین داشتیم توانستند کارشان را انجام دهند. در هر صورت فکر می‌کنم یک شهر بزرگ به‌انواع نمایش‌ها احتیاج دارد ولی به نظر من بدترین نوع آن نمایشی است که مردم را فریب‌دهد. یعنی نمایشی که خیلی اشتباه است ولی به نظر بیاید که خیلی درست است.

نشاط

روزنامه جام جم

دو سال اصلاحات در ایران گامی به پس گامی به پیش

می برند افزون بر این دو به نظر می رسد روزنامه نگاران و روشنفکران هوادار خاتمی با فشارهای بیشتری روبه رو هستند. اما نکته مهم در آنجاست که خاتمی توانسته است به نحو آشکاری فضای سیاسی را بگشاید. اگر هم در شرایط کنونی سخن از ضرورت فضایی بازتر برای روشنفکران بر زبان می رود محصول انتظارات و مطالبات جدیدی است که در جامعه ایران ایجاد شده است. اینک می توان گفت حتی اگر خاتمی نیز نتواند برنامه خود را پی گیری کند مطالبات جدید جامعه ایران چنان اوج گرفته که هیچ آلترناتیو دیگری نمی تواند آنها را نادیده بگیرد و این مسلماً گامی به جلو برای جنبش دموکراسی در ایران است.

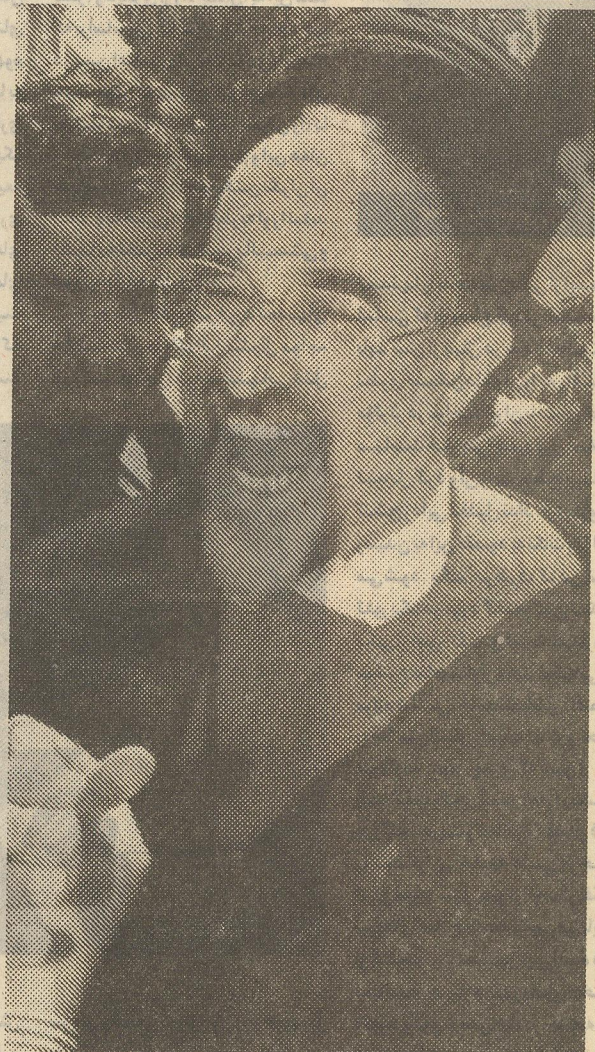
گروه داخلی روزنامه نشاط - صفحه مسائل ایران - به مناسبت دومین سالگرد حرکت دوم خرداد ویژه نامه ای را تدارک دیده است که می کوشد با رویکردی جامعه شناختی به این حادثه مهم چشم اندازی از گذشته، حال و آینده اصلاحات در ایران را ترسیم کند.

گروه داخلی

مهم ترین گروه قانونی مخالف دولت رئیس جمهور خاتمی را تشکیل می دهند، به نحو آشکاری کوشیده اند رئیس جمهور را از پی گیری برنامه های خود منصرف سازند. آنان با اتکا به شعار قانون گرایی رئیس جمهور کوشیده اند قانون را در مقابل حقوق و آزادی های اساسی قرار دهند. واقعیت این است که در ساخت قدرت جمهوری اسلامی سهم بیشتری که معمولاً ثابت و دور از دسترس رای مردم است در اختیار محافظه کاران قرار دارد. طبیعی است که در چنین شرایطی اصلاح طلبان ایرانی مجبور به عقب نشینی هایی شوند. در طی دو سال ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، اصلاح طلبان تعداد بیشتری از نیروهای مؤثر خود را از دست داده اند: افزون بر چهار مخالف جدی داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده که به عنوان روشنفکرانی ناراضی به خاتمی این امکان را می دادند که از حقوق از دست رفته پاره ای شهروندان ایرانی سخن بگویند هم اکنون دو اصلاح طلب هوادار خاتمی غلامحسین کرزباسچی و محسن کدیور در زندان بنسر

روزنامه جام جم

امروز دوم خرداد ماه سال ۱۳۷۸ دو سال پس از یک انتخاب مهم در ایران است. دو سال پیش ایرانیان برای کشور خود رئیس جمهوری را برگزیدند که شعار فضای باز سیاسی و فرهنگی را به عنوان محور پلتفرم انتخاباتی خود برگزیده بود. رئیس جمهور خاتمی هنگامی که آماده پذیرش این مقام شبد دشواریهای کار را کم و بیش لمس می کرد. این دشواری ها بری او در دو سال اخیر ملموس تر شده است. محافظه کاران و متحدانشان که

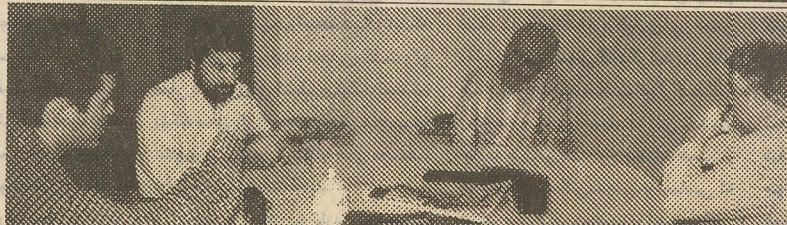


جامعه باز و انصار حزب الله در کیهان با خاتمی

از نگاه غربی

یک روزنامه نگار آمریکایی زندگی رئیس جمهور ایران را به تصویر می کشد

صفحه ۶



میزگرد

صفحه ۳

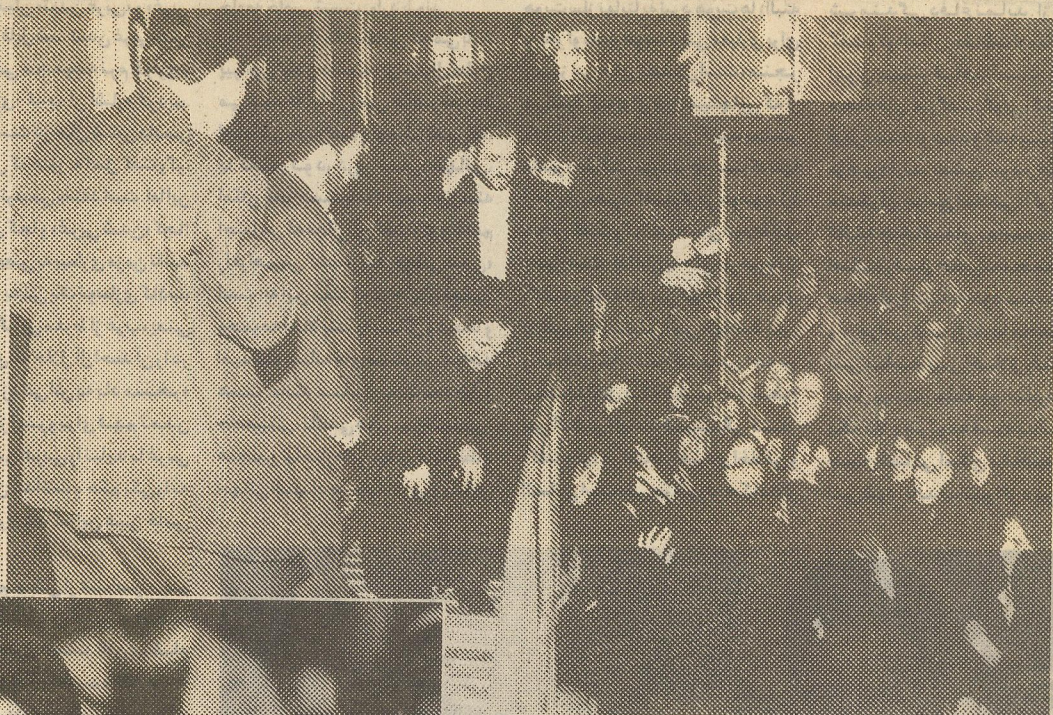
صفحه ۷

مقاله

خاتمی از نگاه عکاسان نشاط

عکاسان:

حمشید بایرامی - اصغر بادپر
عباس کوثری - منوچهر قلمچی
نیوشا توکلپان - نازنین نور
آرش محمدی



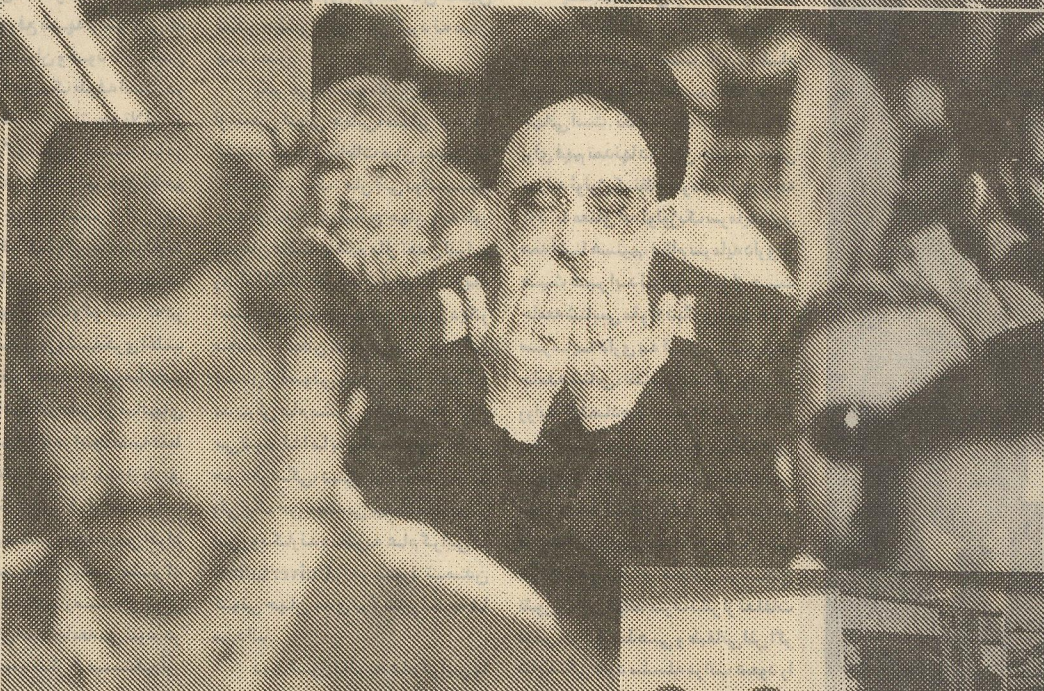
فروتن در برابر مردم

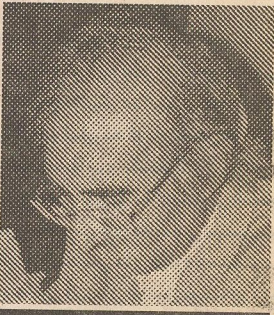
در میان روزنامه نگاران

در میان مردم

خندان و شکیا

گاهی عصبانی





محمد دهقانی آرانی

بی‌آنکه غذایی بخورد به دفتر کارش بر گردد. با وجود این، هیچ وقت دیده نشد که در چنین وضعی هم، غذای سید را مثلاً از رستورانی خارج از کیهان بیاورند. لایذ آنقدر طاقت داشت تا رفتن به خانه، گرسنگی را تحمل کند. نویسندگان، خبرنگاران، کارمندان و کارگران روزنامه برای دیدن خاتمی هیچ مشکلی نداشتند و از آن تشریفات کذایی مدیران پیش از او خبری نبود. کارهای اداری و مالی مؤسسه را به محمدحسن ملک مدنی سپرده بود. شمس الواعظین هم با اینکه بیست و دوسه ساله و هنوز خیلی جوان بود، سر‌دبیری را بر عهده داشت و خیاالش از هر جهت راحت بود و بدین جهت اگر یکی از کارکنان کیهان خواست با مشکلی داشت بی‌هیچ قید و بندی به اتاق خاتمی می‌رفت و آن را بازگو می کرد. سید هم بدون تکلف، حرف‌ها را می‌شنید و جالب آنکه در تمام مدت حضور خاتمی در کیهان، کمتر کسی به او مراجعه کرد و دست‌خالی بر گشت. حتی با آتانی هم که نمی‌توانست کاری برایشان بکند به گونه‌ای برخورد می کرد که با لبخند رضایت، اتاقش را ترک می کردند.

پیش از انقلاب، سلف سرویس کیهان در ماه رمضان هم دایر بود و جالب آنکه شلوغ‌تر از دیگر ماه‌ها می شد! اما بعد از پیروزی انقلاب، سلف سرویس در ماه رمضان تعطیل می‌شد و آشپزباشی و دار دسته‌اش به مرخصی اجباری می‌رفتند.

ماه رمضان بود و سلف سرویس هم تعطیل. بسیاری از بچه‌ها روزه می گرفتند. هر کس هم عذری برای نرفتن روزه داشت به طریقی با قضیه کنار می آمد. مخصوصاً این که زمان کار در ماه رمضان، یکی دو ساعتی کاهش می‌یافت و کارکنان می‌توانستند زودتر به‌خانه‌هایشان بروند و اگر روزه باشند، شکمی از عزا درآورند.

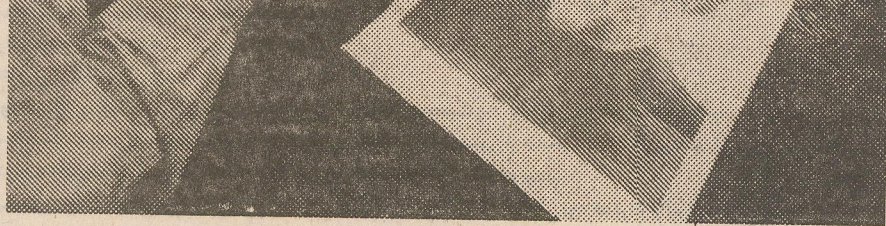
یکی از روزهای رمضان، خاتم کارمدنی که توانسته بود روزه بگیرد و ساعت کارش هم طوری بود که باید تا بعدازظهر در مؤسسه بماند، در حالی که ظرف کوچک غذایی‌اش را در ساک

دستی جا داده بود، به مؤسسه آمد. مؤسسه کیهان در آن زمان – مثل الان – چند نگهبان داشت که دوسه نفرشان دم در ورودی (در شیشه‌ای) می ایستادند. یکی از آن‌ها پر خلاف سوابق نه چندان خوبی که از او داشتیم، بعد از انقلاب، کاتولیک‌تر از پاپ شده بود و بیش از حد، در دبلسوزی برای اسلام و انقلاب، آتش می‌سوزاند و حتی هنگام ورود کارمندان با سابقه و قدیمی و مورد اعتماد، آنچنان تسمم سوراخ سنبه‌ها را می‌گشت نه اگر کسی او را نمی‌شناخت، تصور می‌کرد که در همه کیهان، همین‌اقا مطمئن‌ترین فردی است که او را

خاتم کارمند، بی‌آنکه حرفی بزند، به اتاق خاتمی رفت و موضوع را بازگو کرد. من تصور نمی‌کنم هیچ کس خاتمی را در آن حال دیده باشد. گونه‌هایش از خشم قرمز شده بودو لب‌هایش می‌لرزید. به اینکه تلفن کند و یا غیرمستقیم دستور بدهد، اکتفا نکرد. یگراست از طبقه سوم به طبقه همکف آمد. وقتی با نگهبان روبه‌رو شد، من که شاهد صحنه بودم، احساس کردم همین الان است که با مشت بر مغز او بکوبد. با وجود این، سید به شماتت و مؤاخذه لفظی نگهبان پمنده کرد و خطاب به او گفت: «لایذ شما فکر نکردید که ممکن است این خانم یا

سر دبیری داشت، اما همان موقع هم با وجود غرور جوانی معتقد به مشورت بود و کار انتخاب تیت‌رها با ریزنی دبیران سرویس صورت می‌گرفت و آنچه هم در نهایت انتخاب می‌شد، بی‌آنکه با اعتراض خاتمی یا شمس الواعظین مواجه شود، در روزنامه به چاپ می‌رسید.

یکی از ویژگی‌های برجسته خاتمی – که البته به شمس جوان هم سرایت کرده بود، مخالفت با سانسور و خودسانسوری در روزنامه بود. او در عین حال که اعضای تحریریه را به رعایت اصول اخلاقی و توجه به رسالت بزرگی که بر عهده دارند، فرا می‌خواند،



هیچگاه از آنان نخواست که در نوشتن و انعکاس مطلبی به سانسور روی آورند و در مواردی هم در برابر برخی از تنگ‌نظراتی که به فضای موجود در کیهان معترض بودند، سختی مقاومت می‌کرد. این موضوع، یک بار نیز درباره نگارنده که تیت‌ری حرفه‌ای و خبری برای روزنامه انتخاب کرده بودم و با نظر خود خاتمی و شمس به چاپ رسید، روی داد و چون کار صحیحی صورت گرفته بود در برابر مترضان بی‌منطق ایستاد. خاتمی درعین حال که ناخشنود خود را از این تنگ‌نظرها

*

دیگری عذری برای نرفتن روزه داشته باشد. او که ظاهر به روزه‌خواری نکرد،

و بعد در همان محوطه و در حضور عده‌ای از کارکنان و ارباب‌رجوع، سخنانی گفت که بیانگر آزادمنشی، سعه صدر و روح بلند او بود. رفتار خاتمی با کارکنان تحریریه مثال زدنی است. او هر روز و زمانی که باید تیت‌رها را دعوت می‌کرد، می‌شد به تحریریه می‌آمد. با تک تک بچه‌ها احوال‌پرسی و با برخی از آن‌ها شوخی می‌کرد و وعده به اتاق تیت‌ر می‌رفت. شمس الواعظین سمت

گمارده‌اند که نکند خدای ناکرده، شمس الواعظین و با دیگر اعضای سرشناس تحریریه با خودشان بعب به مؤسسه بپردازند و انفجاری به بار آورند! همین‌اقا که معلوم نشد چطور از وجود ظرف کوچک غذای خاتم کارمند در ساک دستی او مطلع شده است، با این گمان که کشف بزرگی کرده‌است و بزودی حق‌الکشف هم خواهد گرفت، کارمدنی که توانسته بود روزه بگیرد و ساعت کارش هم طوری بود که باید تا بعدازظهر در مؤسسه بماند، در حالی که ظرف کوچک غذایی‌اش را در ساک

*

پرش

آسیب‌شناسی پروژه اصلاح



سیدمرتضی مردابیا

باید بپذیریم، چون همین فرد در سوابق خود نشان داده است که دوست استراتژیک هیچ‌کسی جز قدرت خود نیست و حتی پاره‌ای از سوابق نامطلوب برخی از قضایای اخیر که دامان خودشان را گرفت،

نفع این یا آن گروه اقتصادی بوده یا نبوده باشد، به نفع یک جریان بوده است و آن پروژه نوسازی در ایران است. چون کسی که در جامعه‌ای با ساختمان سازی، فضای شهری، ترافیک، تبلیغات و… خاص زندگی کند به ناچار فکر و فرهنگ او نیز تغییر خواهد کرد.

بنابراین اگر در دهه دوم انقلاب راههای رویگرد فرهنگی به مدرنیته و مدرن سازی بسته شد، کارگزاران از راه‌های ناشناخته‌ای نگذاشتند شمع گرایش به وضعیت مدرن خاموش شود. اگر چه این راه بهترین راه نبود، اما تنها راه ممکن بود و این‌ها از آن استفاده کردند.

کارگزاران در دهه دوم انقلاب تنها جریان اصلاح طلب حاضر در قدرت بودند و به نوعی زمینه دوم خرداد را فراهم کردند. اما از آنجایی که از یک سو، طرفداران استبداد مصلح هستند و از سوی دیگر به دنبال منافع شخصی و فردی بوده‌اند همواره در معرض خطر بوده‌اند که بر سر اصول اصلاح معامله گروهی (یک طرفه و یک جانبه) انجام دهند.

مثلاً الان یکی از عناصر برجسته اما در عین حال ناپایدی کارگزاران، در شورای شهر تهران حضور دارد و اعمال نفوذ جدی هم می‌کند. این نکته مهم است که ضمن انتلاف با آن‌ان از سلطه آنان

به طرف جریان چپ هم از این ماجرا دور نیست. اگر چه مقایسه جناح چپ مدرن و کارگزاران در یک کفه قرار دادن آنان بی‌انصافی زیادی می‌خواهد. اما این نکته وجود دارد که حتی حزب مشارکت عمدتاً اتصالات‌های رفاقتی دارد. سیستم نسبتاً بسته است اما مبتنی بر سابقه و رابطه، که با شایسته‌سالاری و ارتقا و جذب بر حسب توانایی مطلقاً سازگار نیست. البته آنان این وضعیت را طبیعی تلقی می‌کنند و حتی از نوعی روایت خودی – غیر خودی دفاع می‌کنند و حتی این داعیه که روزنامه‌ای روزنامه

ایران می‌کرد، با لبخند معناداری از شمس و من خواست کاری نکنیم که بهانه به دست طرفداران سانسور و مخالفان آزادی بدهیم، که البته نیز چنین هم عمل می‌شد. وقتی خاتمی به سمت وزیر ارشاد انتخاب شد و احساس کرد فرصت کمتری برای حضور در کیهان دارد، مرد اندیشه و قلم سیدحسن شاهچراغی نماینده مردم دامغان در مجلس را به عنوان سرپرست کیهان برگزید و پس از آنکه سیدحسن در ساحتیه‌هایی توسط رژیم بیت عراق به شهادت رسید، چهره ارزشمند دیگری چون سیدمحمد اصفری نماینده مردم تهران در مجلس را به همین سمت منصوب کرد و پس از آنکه به این باور رسید با وجود افراد و جناح‌هایی نمی‌تواند آن‌طور که شاید و باید خدمات ارزنده‌اش را به فرهنگ و ادب و هنر این مملکت تداوم بخشد، عطای وزارت را به نقایش بخشید و استعفا کرد، هر چند که پیش از اینکه وزارت را ترک کند و با رفتن خود، فضای روشنی را که برای اهل هنر، فرهنگ و ادب ایجاد کرده بود، به تاریکی بسپارد، از سرپرستی مؤسسه کیهان نیز کناره‌گیری کرده بود.

سیدمحمد خاتمی در س آزادی و آزادی‌را از کودکی در مکتب بزرگمردی چون آیت‌الله سیدروح‌الله خاتمی آموخته‌است. بی‌جهت نبود که وقتی به سرپرستی کیهان منصوب شد، حاج سیداحمد خمینی گفت: او فرزند مردی است که باید او را طالقانی دیگری دانست.

کیهان و کیهانی‌ها – منظورم آنانی است که در زمان خاتمی در کیهان بودند – هیچگاه سید و خلق نیکویش را فراموش نمی‌کنند. با جرأت می‌گویم روز دوم خرداد ماه ۷۶ تمام‌آن کیهانی‌ها – برخلاف سفارش‌ها و توصیه‌های اکیدی که دریافت داشتند – جزو همان بیست و چند میلیون نفری بودند که رأی خود را با نام «سیدمحمد خاتمی» به صندوق انداختند. مطمئن باشید که جز این نیست و اگر ده بار دیگر هم همین اتفاق بیفتد، جز این نخواهد بود.

*

همه جناح‌ها باشد را به انکار می‌گذارند. بخشی از این حرف‌ها البته کاملاً درست است. مثلاً حزب، خانه جوانمردان نیست که به روی همه باز باشد، و بنابراین طبیعتاً هر حزبی می‌تواند بر اساس معیارهای خود، برخی را خودی و برخی دیگر را غیرخودی بداندو البته در روزنامه خود حرف‌های خود را بزند. ولی اگر آن حزب حتی بر روی کسانی که به لحاظ عقیدتی و اخلاقی و سیاسی به او نزدیک هستند، ولی فقط سابقه قبیله‌گی و خویشی ندارند بسته بماند، آن وقت این چپ، چپ کلاسبیک خواهد بود، نه مدرن. و بنابراین داعیه مدنیت و مدرنیت آن قابل تردید خواهد بود. در تعریف خودی و غیرخودی نیز باید حقوق سلب شده از غیر خودی‌ها مشخص شود. این که مثلاً دیگران در جلسات حزب شرکت نکنند البته طبیعی است و از این نظر البته غیرخودی



هستند ولی آیا به بهانه غیرخودی بودن حقوق شهروندی آنان هم می‌تواند تعطیل شود؟ و یا نسبت به توضیح آن می‌توان بی تفاوت نشست؟ و در مورد روزنامه نیز به روزنامه‌بی طرف مطلق نمی‌توان داشت ولی کیست که بتواند مدعی شود بین روزنامه انتخاب و کیهان، بین نشاط و همشهری فرق نیست؟ به نظر می‌رسد تا زمانی که جناح‌های اصلی جبهه اصلاح طلبی به این آسیب‌شناسی به‌صورت صمیمانه و جدی نپردازند، پروژه اصلاح طلبی پروژه‌ای ناتمام خواهد بود.



محمد فوجانی

پارادیم تا اندازه‌ای بود که نه فقط فداییان و مجاهدین که حتی روحانیان نیز در زمره معتقدان به مبارزه مسلحانه قرار می‌گرفتند. در این میان تنها یک نفر هیچ‌گاه از مبارزه مسلحانه به عنوان یک برنامه راهبردی یا حتی تاکتیکی دفاع نکرد و آن امام خمینی بود که تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سطح تهدیدات او نسبت به رژیم از حد هشدار به اعلام جهاد فراتر نرفت.

در واقع شاید وی تنها کسی باشد که توانست با اتکا به وجه کاریزماتیک خود در آن فضا دوام آورده و در برابر موج افزون یک مطالبه عمومی (مبارزه مسلحانه) بایستد همه بر این باور بودند که رژیم شاه تا بن دندان فاسد شده است و همان گونه که کارل مارکس در مورد نظام سرمایه داری گفته بود تنها راه اصلاح آن اعدام سرمایه داری است، مردم ایران نیز زمره (بلکه فریاد) سر می‌دادند که تنها راه اصلاح رژیم سلطنتی اعدام سلطنت است. با این همه پروژه مبارزه مسلحانه نه تنها جواب نداد، بلکه پس از مدتی به آنتی‌تزی علیه خود بدل شد. انقلاب اسلامی نه با مبارزه مسلحانه شبه روشنفکران چریک که با استفاده هوشمندانه چهره‌ای فرهمند از توده‌های مردم صورت گرفت، امام خمینی با وجود آن که از مجاورت گروه‌های مسلح و وفاداری مانند جمعیت مؤتلفه اسلامی برخوردار بود، هرگز راضی نشد که به رهبر یک گروه چریکی بدل شود.

هنگامی که در ۲۲ بهمن ۵۷ انقلاب ایران پیروز شد دو گروه در صف موافقان انقلاب بیش از همه شگفتی زده شدند: نخست آنان که مدت‌ها بود بر رفرم اصرار می‌ورزیدند (جبهه ملی، نهضت آزادی و …)، دوم کسانی که تنها راه راهبری را مبارزه مسلحانه می‌دانستند. (مجاهدین، فداییان و …).

پس از پیروزی انقلاب و با وجود شکل گیری گروه‌های شبه نظامی جدید (سازمان مجاهدین انقلاب) بیش از پیش بی‌بنایی این پروژه آشکار شد. هنگامی که در سال ۱۳۶۰ گروه‌های معتقد به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی وارد صحنه شدند نه تنها توقیفی در گشودن راه خود به صحنه قدرت به دست نیاوردند، بلکه با بهانه دادن به دست محافظه کاران مذهبی امکان فعالیت را از دیگر گروه‌های اپوزیسیون سلب کردند. تجربه دهه ۶۰ برای هر دو سوی نزاع‌های مسلحانه تجربه تلخی بود. با این تفاوت که اگر روزگاری (مانند دوران رژیم پهلوی) خشنوتی که از لوله تنگ خارج می‌شد، تقدیس می‌شد و در پرتویک خشم مقدس «دم کشی» مجده می‌شد، اینک در فضای جدید که چندان دو صف پاکی و آلودگی از هم جدا نبود و در هر دو جبهه فرزندان‌ای یک نسل می‌زیستند، آن‌قدرست نیز وجود نداشت و عملاً فرزندان نزاع به سبب نسبت نزدیک‌تری که با قدرت یافته بود، سکولار شده بود. طرقالین چندان به اعتقاد نمی‌اندیشید و روزه به روز امنیت برای حفظ قدرت و صاحبان و شیفتگان قدرت معنای بیشتری می‌یافت.

«خشنوت برای صلح و آزادی» پارادکسی بود که در دو دهه قبل و بعد از انقلاب آفت‌ها و آسیب‌های خود را نشان داد. باورمندان به این ایده که روزگاری در زمره پاک‌ترین انسان‌ها بودند پس از مدتی به ناشین‌های خشنوت زایی بدل می‌شدند که به جنایت‌های مقدس دست می‌زدند. غافل از آن که خون به خون شستن محال‌آمد، محال …

در این جاود که با ایجاد بحران در مشروعیت به کار بدن خشنوت برای اهداف مقدس کاخ پارادایم «مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک» فرو ریخت و پارادایم جدیدی متولد شد که در دوم خرداد ماه ۷۶ به طور عینی تبلور یافت. دوم خرداد یک تحول آشکار در روش و محتوای مبارزات مردم ایران بود. یک سده آزادیخواهی نافرجام، سرانجام به آنجا رسید که دریافتیم باید میان ابزار و هدف تمایسی برقرار سازیم. نمی‌توان با ابزار آلوده به سراغ اهداف مقدس رفت. این نتیجه محترم و در عین حال محتوم، محصول انتخاب روشی متمم‌دانه برای اعمال اراده عمومی مردم (انتخاب سیدمحمدخاتمی) در دوم خرداد دو سال قبل بود.

در دوم خرداد ۷۶ مطالبات عمومی بسیار رادیکال‌تر از آن بود که آن را به انگاره‌هایی از پایتخت مردم به انقلاب ۵۷ تحویل دهیم که در این صورت حرکت دوم خرداد یک حرکت ارتجاعی خواهد بود. در دوم خرداد مردم نه تنها به تغییر جناح هیأت حاکمه رأی دادند که خبر از اختیار یک جبهه سیاسی (اصلاح طلبان در برابر محافظه کاران) یک جریان فکری (نوگرایان دینی در برابر سنت‌گرایان) و حتی یک دستگاه دین شناسی جدید دادند و این همه نه از لوله تفنگ که از طریق صندوق رأی بیان شد. مردم ایران در دوم خرداد ۷۶ اهدافی رادیکال را از راهی لیبرال تحقق بخشیدند و این گامی به جلور برای جنبش دموکراسی در ایران با همه مشخصه‌های اصول‌گرایانه آن است. اما اینک در سالگرد دوم خرداد باید به این پرسش تاریخی پاسخ داد که آیا دوم خرداد تنها یک بار برای همیشه رخ داده است؟ آیا دوم خرداد (حتی برای پدیدآوردندگان آن) تنها یک تاکتیک بوده است؟

این سؤال در روزگار ما زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که در نظر آوریم محافظه کاران کوششی می‌کنند تا به هر نحو ممکن تناسب روش (مسالت‌آمیز) و محتوای آزادیخواهانه را از بین ببرند. استفاده مؤثر از قانون بر علیه حقوق اساسی مردم مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند اصلاح طلبان را عصبانی کند و آنان را وادارد که برای دفاع از حقوق خود (آزادی‌ها و برابری‌ها) راهکارهایی غیرقانونی (خشم و خشنوت، شورش و انقلاب) را برگزینند.

شاید اگر دوم خرداد در کار نبود جنبش دموکراسی کمتر از این تعداد نویسنده و نشریه شهید را از دست می‌داد. اما اینکه بهای گزافی برای دموکراسی (و نه صرفاً آزادی) از جیب اصلاح طلبان دوم خرداد خرج شده است. چندان که برخی از فرط پاکبازی کتمان می‌کنند که باید هرچه را در جیب دارند به قمار بگذارند.

شاید اصلی در این جاست که ما برای دموکراسی مبارزه می‌کنیم و نه صرفاً آزادی. دموکراسی نظامی مرکب از سه جزء اصلی و سه رکن بنیادی: آزادی، صلح و قانون است.

دموکراسی – که همان شکل نهاده‌بنه و سوسیالیزه آزادی است – از آزادی بسی فراتر می‌رود و به قواعدی برای آزادی (تعمیق آن) می‌اندیشد. بخشی از این قواعد اخلاقی هستند (در این جاست که باید میان آرمان آزادی و روش صلح‌جویانه آن تناسب قابل شد) و بخشی دیگر حقوقی هستند (در این جاست که حد آزادی را قانون مشخص می‌کند).

مجموع این قواعد مهم‌ترین ضامن تأمین حداقل آزادی و مهم‌ترین مجرای ارتقای سطح آزادی است. این همان حلقه مفقوده‌ای است که جنبش دموکراسی ایران در تاریخ خود از آن غفلت ورزید و در دوم خرداد آن را یافت. کوتاه سخن آن که درشرایط کنونی بیش از پیش حفظ اخلاق دموکراتیک ضروری است. اگر بر سر پرسش اصلی بازگردیم (دوم خرداد: قاعده یا استثنا؟)باید بگوییم این واقعه تنها در یک صورت امکان تکرار خواهد یافت و آن در صورتی است که تناسب محتوا و روش و ابزار: آزادی و صلح و قانون را حفظ کنیم. ما به دموکراسی دست نخواهیم یافت مگر آن که از خود صیر نشان دهیم و خویشتن داری و بیاموزیم که مدارا حتی با دشمنان مدارانه تنها تاکتیک ما که باید حتماً استراتژی باشد.

میزگرد

اشاره:

با گذشت دو سال از پیروزی سیدمحمدخامنی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ هنوز روشنفکران و سیاستمداران در مورد ماهیت تحولی که در این روز اتفاق افتاد، به اجماع نظر نرسیده‌اند. چندان که در نامگذاری این تحول نیز مناقشه است و در حالی که برخی دوم خرداد را یک اصلاح (ولو ادیکال) می دانند، گروهی نیز وجود دارند که آن را انقلابی آرام می دانند.
دو سر این طیف کاملاً متفاوت در میز گردی که روزنامه نشاط به مناسبت دومین سالگرد دوم خرداد برگزار کرد و اینک متن آن را پیش رو دارید، قابل تفکیک است.

روزنامه نشاط امیدوار است که چنین گفت و گوهای چندسویه‌ای با دیگر صاحب نظران تکرار گردد.

نشاط: از دوستان عزیز برای شرکت در این گفت وگو متشکرم. آنچه قصد داریم دراین گفت وگو به آن بپردازیم، حادثه دوم خرداد و ابعاد اجتماعی آن است. شاید اگر از دیدگاه جامعه‌شناختی به این پدیده بنگریم بتوانیم تصویری متفاوت از تصاویر مرسومه که از این حادثه در طول این مدت ارایه شده ترسیم کنیم.

به دوم خرداد نام های مختلفی داده اند: انقلاب آرام، «اصلاحات از درون» و ... ولی بالاخره برآیند اکثریت این نامها این است که دوم خرداد حرکتی رفورمیستی بود. آیا اصولاً شما چنین نظری را قبول دارید، یا این حرکت را چیز دیگری می دانید؟ به تعبیر دیگر، تحلیل جامعه شناختی این حادثه از نظر شما چیست و روش و محتوای آن را چگونه ارزیابی می کنید؟



رئیس دانا: من کلمه واقعه را در تعبیر «واقعه دوم خرداد» در گیومه نمی‌گذارم. دوم خرداد از بسیاری جهات برای افراد فراوانی حتی برای جامعه شناسان سیاسی، سیاست شناسان، تحلیلگران جهان غرب و برای بخش بزرگی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین برای مردم عادی، جنبه غافل گیر کننده داشت. با این وصف این حاد نه غیر قابل پیش بینی نبود.

شعار زیادی از جامعه شناسان سیاسی و کارشناسان علوم سیاسی بودند که وقتی مکانیزم های درون جامعه را ارزیابی می کردند، پیش بینی می کردند که این جامعه آستان تحولات است. کما اینکه من شخصه این پیش بینی را همین الان هم برای وضعیت فعلی دارم.

بنابراین، نیروهایی در جامعه در کنش های متقابلی میامد بودند، گرچه چرخ دنده های آنها باهم گیر کافی نداشتند و کارگردهای اجتماعی و سیاسی با آن ساختارهایی که به لحاظ اداری، به لحاظ نحوه اداره کشور، به لحاظ سازماندهی اقتصادی و از همه مهم تر نیازهای مردم شکل می گرفت، با هم جفت و جور نبودند. اگر شما می‌خواستید با دیدگاه های دترمینیستی (deterministic) تاریخی نگاه کنید، ممکن بود یک نتایجی بگیرید، و اگر دیدگاه دیالکتیکی داشتید نتایجی دیگر.
اما اگر دیدگاه دو تکوین را داشتید مبنی بر این که چگونه می شود تحولی رخ دهد، به نتایجی دیگر دست می یافتید.
نمی‌خواهم بگویم ما براساس کدام ابزار تحلیلی پیش بینی می‌کردیم که باید حادثه‌ای اتفاق بیافتد (این موضوع بحث فحلی ما نیست)، اماقبایل

پیش بینی بود که آن نحوه اداره کشور وسازماندهی و نظارت بر امور، و آن نحوه محرومیت ها، ناموزونی ها، بی عدالتی ها، شرایط اداری و سیاسی که وجود داشت، حتماً ایستن تحول عمیقی بود. البته عوامل دیگری نیز، به نظر من، وجود داشت که تبلور آنها را در برخی واکنش های سیاسی خارج از کشور می دیدیم و همین طور جابه جایی های جناح های حکومت و جناح های مختلف سیاسی در داخل کشور نیز از عوامل دیگر این حادثه بود.

افزون بر اینها به نظر می‌رسد که چه آگاهانه و چه با وجدان ناخودآگاه حاکمیت، امکان و مفری هم برای اینکه مردم خود را در پدیده‌ای مثل دوم خرداد نشان دهند داده شد. نمی‌خواهم بگویم کسانی برای این کار سازماندهی وطراحی کردند یا

این قصد که واقعه دوم خرداد به وقوع پیوبود؛ گرچه حتی اگر چنین چیزی هم در مقیاس محدودی صورت گرفت، خود این هم به صورت ناگزیر نبوده است.

به طور خلاصه، واقعه دوم خرداد محصول فشار نیروها و نابسانانی هایی بود که در گذشته وجود داشت و از سوی دیگر کوشش می‌شد که این فشار خود را در شکل های غیرقابل مهار نشان ندهد و حتی امکان چهارم شدن و در درون مناسبات نظام باشد. اما به هر حال، غافل گیرکنندگی، گستردگی، ژرفا و تکانه‌د هایی که این حادثه را در جامعه ایجاد کرد آن قدر جدی و شدید است که برخی آن را انقلاب دوم خرداد نامیده‌اند یا به عنوان پدیده‌ای کاملاً غافل گیر کننده.

نشاط: یعنی شما آن را انقلاب تصور می‌کنید؟ رئیس دانا: نه؛ من درست برعکس فکتم! اگر

این حاد نه انقلاب باشد باید تمام وضعیت موجود و مناسبات سیاسی را به هم بزنند و اگر انقلاب اجتماعی است باید مناسبات مربوط به بهره برداری

از نیروهای تولیدی و اقتصادی را نابود کرد،، شکل دیگری را جایگزین آن کند؛ اگر انقلاب فرهنگی است، باید نحوه تلقی، نگرش و ارتباط انسان ها را با یکدیگر و باسنت ها دگرگون کند.

این حادثه به نظر من انقلاب نبود؛ بلکه پدیده‌ای ناگزیریود نسبت به نیروهایی که در پشت سر خود داشت. یعنی نیروهایی جمع شده بودند، ناپهنجاری هایی پدید آمده بود، برخی کارکردها یا ساختارها نمی‌خواند، سیستم فاقد نظم شده بود و اگر چنین وضعیتی به وجود نمی‌آمد به شکل دیگری وضعیتی مشابه به وجود می‌ آمد.

در بخش بعدی سخنانم خواهم گفت که پشت سر این قضیه آن چنان تحولات اجتماعی، جمع بندی و تراکم نیروها و عدم تعادل پدید آمده بود که تحول در جامعه ایران اجتناب ناپذیر بود. در دوم خرداد یکی از شکل های محتمل تحول رخ داد که در واقع به نوعی – چه خواسته و چه ناخواسته – برای اینکه به این شکل هدایت بشود تلاش شده بود.



محمدی: شما [نشاط] دو پرسش داشتید. یکی اینکه واقعه دوم خرداد چگونه حادثه‌ای بود، و دیگر اینکه آیا این رخداد رفورمیستی بود یا نه؟ سؤال اول شما مقدم بر سؤال دوم است.

پدیده دوم خرداد نه حرکت بود، نه نهضت، نه انقلاب، هیچ یک از اینها نبوده و نیست. این تعبایر، معانی و پیامدهایی دارند که بر واقعه دوم خرداد منطبق نیست. پدیده دوم خرداد یک انتخابات بود. ماهیت آن روشن است: هیچ چیز جز یک انتخابات سیاسی نبود. اما می‌توانیم برسیم چه چیز است که این پدیده را این قدر قابل توجه کرده است. به نظر من آنچه این حادثه را قابل توجه می‌کند، پیش بینی ناپذیری و غیرمنتظره بودن آن است. چرا این حادثه پیش بینی ناپذیر بود؟ می‌توان چنین توضیح داد که رقابت های سیاسی در ایران، اگر آنرا با بازی فوتبال مقایسه کنیم، دور مقدمانی، دور نهایی، یک هشتم نهایی، یک چهارم نهایی، و امثال آن ندارد. رقابت های سیاسی ما، به دلیل اینکه نیروها تکلیف خود را روشن نکرده‌اند و احزاب و تشکل های مدنی تعیین مردم فکر می‌کنند که اصل ماجرا همین امروز اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که استفاده از کلماتی مثل بحران، سال سرنوشت و نامگذاری هایی که در پروژه های گروه ها می‌شود، چنین تصویری را به دست می‌دهد که گویی این آخرین بازی است و این سال، سال بسیار مهمی است. بعد هم دیده‌ایم که در بیست سال گذشته، این امور تفاوت چندانی باهم نداشته‌اند.

علت اینکه دوم خرداد پدیده قابل توجهی شد این بود که قبل از آن رقابت های سیاسی در ایران مراحل اولیه خود را طی نکرده بودند. یعنی نیروهای موجود به روشنی در مقابل هم صف‌آرایی نکرده بودند. ما هم یک نظام افکار سنجی نداریم که اینها را به هم نشان دهد تا وقتی چنین حادثه‌ای رخ می‌دهد چشم ها باز نماند.

علت اینکه من از کلماتی مثل انقلاب (اعم از آرام یا غیرآرام) و نهضت و امثال آن برهیز می‌کنم این است که ما در تحلیل پدیده دوم خرداد، نباید گرفتار تحلیل های دوقطبی شویم. وضعیت اجتماعی ما و ساختار سیاسی‌ای که روی این وضعیت سوار می‌شود، اصولاً دیگر دوقطبی نیست بلکه چند قطبی است. ما انواع واقسام منافع، اقشار منابع و طبقات را داریم که در کنار هم بازی را با سامان می‌دهند. در یک مقطع سه تا از این بازیگران دیده می‌شوند؛ در مقطعی دیگر دو تا از آنها، و در مقطعی دیگر هفت – هشت تا از آنها در صحنه انتخابات دیده می‌شوند. مثلاً در انتخابات شوراها تعداد بازیگران افزایش پیدا کرده بود.

پیش بینی ناپذیری دوم خرداد به این دلیل بود که این تیم های بازیگر در صحنه، پیش از آن خود را در بازی های دیگر عرضه نکرده بودند تا مردم حد و مرز هر یک را در مسابقات قبلی ببینند و آنچه بعد رخ می‌دهد چندان غیرقابل انتظار نباشد. کلماتی مثل «توده‌ای»، «تخیه گرایانه» و امثال آن که در مورد دوم خرداد به کار می‌رود تعبیری است که انقلاب ها و نهضت ها به آن متصف می‌شوند. ما نمی‌توانیم این کلمات را در بررسی پدیده دوم خرداد به کار بریم، چون دوم خرداد حقیقتاً یک انتخابات سیاسی است یا همه مشخصاتش.

تا پیش از دوم خرداد، تیم های بازی انتخابات چندان شکل یافته نبودند. خود آقای خاتمی سه – چهار ماه قبل از دوم خرداد در یافت که باید در این بازی شرکت کند. احتمال وقوع این اتفاقات به نظر من در آینده بسیار کمتر است؛ چون همین طور که ما پیش سی‌رویم تیم‌ها شکل مرتب تر و منظم تری به خود می‌گیرند و وقایع قابل پیش بینی پدیری بیشتری می‌یابند. این دلیل باقلی پرسش اول شما بود. نشاط: بحث بر سر کاربرد عباراتی مثل نهضت و انقلاب و تعبیه‌گر و توده‌ای

روزه دوم خرداد

دوم خرداد؛ انقلاب یا اصلاح؟

بخش اول

نیز درباره همین بحث رفورم و انقلاب صحبت کنید.

رئیس دانا: اولاً به نظر من آقای خاتمی دوم خرداد را به وجود نیاورده است و دوم خرداد هم فرصتی را فراهم نیاورده که ناراضیانی ها، حرف ها، گرفتاری های، معضلات و مشکلات و دردهای مردم عنوان بشود. من این را که گفته می‌شود، یک مهندسی معکوس نادرست می‌بینیم. بحث من دونهونه‌اش را از سال ها قبل نوشته و گفته‌ام؛ برمی‌گردد به ناراضیاتی های فشرده شده مردم، که من دونهونه‌اش را از سال ها قبل نوشته و گفته‌ام؛ ناراضیاتی های اقتصادی (بیکاری، تورم، فشار بر دوش طبقه کارگر و تهی دستان شهری و طبقه متوسط شهری).

بدون توجه به این نکات تحلیل پدیده دوم خرداد ممکن نیست. عامل دوم – آشکارا می‌گویم – فشارهای جنسی بود که بر جوانان وارد می‌شد. محرومیت های شدید جنسی و به تعویق افتادن سن ازدواج به خاطر مسائل اقتصادی؛ و از طرف دیگر، کنترل های روی جوانان به خاطر ماهیت انقلاب و اخلاق اسلامی و به خاطر شرایط جنگ. ما پیش بینی کرده و گفته بودیم که این پدیده فقط یک پدیده لیبیدو (Libido)یی فرودمی نیست که خود را در انحراف فرد یا والایش یا ... نشان دهد؛ بلکه این پدیده جنسی خود را به شکل یک حرکت اجتماعی نشان خواهد داد و جوانان – چه مستقیم یا غیرمستقیم، و چه آگاهانه یا ناآگاهانه – فشار خواهند آورد. البته اگر کسی این امر را کوچک تلقی کند و بگوید رئیس دانا می‌خواهد پدیده تحول را با نیازهای جنسی ارزیابی کند، باید بگویم در اشتباه است. این مساله کوچک نیست، بلکه مهم است و البته خودش به محرومیت های اقتصادی از یک سو و فشارهای غیر مشروع و غیر اخلاقی و حتی غیر قانونی حکومت و دستگاه های انتظامی مرتب می‌شد.

مورد دیگر مربوط به نایه کار کردی هایی بود که در جامعه ما وجود داشت. نمونه‌اش نایه کارآمدی بخش دولت بود. مردم به گریه و تنگنا افتاده بودند. اگر می‌خواستی یک نامه را جایی ثبت کنی، یا حتی مالیات دولت را پرداخت کنی، شما را به گریه می‌انداختند و سر از حراست درمی‌آوردید – همین امروز خود من سر از حراست درآوردم.

مورد دیگر، نابسانانی ها و تبعیض ها و بی قانونی های بسیار شدید بود و همین طور که آقای باقی فرمودند، افزایش جمعیت و نسل تازه بعد از انقلاب. دلیلی نداشت که آن نسل توان چیزی را که ما برای او ساخته بودیم پس بدهد. ایمن بی‌حرمتی ها، تبعیض ها و بی قانونی ها در واقع به صورت یک نیرو کار می‌کرد.

علاوه بر این، نایه هنجاری ها بود – جامعه نایه هنجار بود و به معنای دقیق کلمه نایه هنجار

رئیس دانا: چه آگاهانه و چه با وجدان ناخودآگاه حاکمیت، امکان و مفری برای اینکه مردم خود را در پدیده‌ای مثل دوم خرداد نشان بدهند داده شد

کرد و لذا مردم مجبور شدند بر این شکل عقیده خود را نشان دهند. همچنین گفتید مردم خواستند نخبگان جدیدی را که قطع بیعت کرده بودند جایگزین نخبگان حاکمیت کنند. به نظر می‌رسد در این صورت و براساس این نظر حاکمیت حداقل می‌تواند بگوید من مقاومت نکردم؛ چون نخبگان مورد پذیرش مردم را پذیرفت و اجازه داد که وارد ساخت سیاسی شود. به این لحاظ، همان گونه که آقای حمیدی گفتند، خیلی راحت می‌توان گفت که انتخاباتی خیلی عادی بود و برخی در آن شرکت کردند و رأی آوردند.

علاوه بر این، حادثه دوم خرداد به لحاظ آثار هم چندان با ادعای انقلابی بودن آن سازگار نیست. در انقلاب نمی‌توان گفت که انتخاباتی رخ می‌دهد، ولی بعد از انتخابات دوم خرداد ما شاهد چنین چیزی

مجید محمدی: پیش بینی ناپذیری دوم خرداد به این دلیل بود که تیم‌های بازیگر در صحنه پیش از آن خود را در بازارهای دیگر عرضه نکرده بودند تا مردم حد و مرز هریک را در مسابقات قبلی ببینند و آنچه بعداً رخ می‌دهد چندان غیرقابل انتظار نباشد

نمودیم. بنابراین، هم به لحاظ رفتار حاکمیت و هم به لحاظ آثار، به نظر نمی‌رسد که پدیده دوم خرداد با تعریف انقلاب سازگار باشد. در این باره توضیح شما چیست؟

باقی: اینکه می‌گویید ساخت سیاسی می‌تواند مدعی شود ما در مقابل خاتمی مقاومت نکردیم و اجازه دادیم او به ساختار حکومت وارد شود، فعلاً برای ما قابل قضاوت نیست. گزارش های تاریخی است که به تبیین درست این قضیه کمک می‌کند و الان چندان روشن نیست که چنین نبوده باشد. اتفاقاً اگر شما به ماه های قبل از دوم خرداد بر گردید، می‌بینید هر جا حاکمیت احتمال می‌داد برخی کاندیداها ممکن است باعث ایجاد رخنه در کاست قدرت شود در مقابل آن به سختی مقاومت کرد. نمونه‌اش کاندیداتوری مهندس موسوی بود. وقتی که ایشان کاندیدا شد با تمام قوا از پیوستن او به جره کاندیداهای ریاست جمهوری مقابله شد.

محمدی: من یک سؤال تاریخی از آقای باقی دارم. از همین دو چهره‌ای که شما با هم مقایسه می‌کنید، به لحاظ جایگاه شان در ساختار حکومت، آقای خاتمی مسئول در آن زمان کتابخانه ملی و آقای مهندس موسوی عضو شورای اختصاص مصلحت نظام بودند. کدام یک از اینها احتشاح رخنه در ساخت حکومت را تقویت می‌کرد؟ کسی که در شورای تشخیص مصلحت نظام است، یا آن که مسئول کتابخانه ملی است؟

باقی: آن کسی که انتخاب می‌شود لزوماً لیدر این انقلاب نیست. در آنجا دیگر فرق نمی‌کند که او خاتمی باشد یا مهندس موسوی، یا هر کس دیگری. این نکته را بعداً در بخش دیگر سخنانم خواهم گفت. اماآن که گفتند ساخت سیاسی می‌تواند چنان ادعایی کند – کما اینکه آقای رضایی یک بار گفت دوم خرداد چیزی بود که ما چند سال قبل آن را برنامه‌ریزی کرده بودیم – باید توجه داشت که ماتریال تاریخی خلاف این را نشان می‌دهد. آنها در هر جا که احتمال ایجاد این رخنه را دارند به سختی مقاومت کردند. از بالاترین مقامات به مهندس موسوی پیام دادند که انصراف بده و از صحنه رقابت خارج شو.

نشاط: مواردی که شما به آن اشاره می‌کنید بیشتر مبتنی بر شایعات است و در مقام اثبات نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

رئیس دانا: خیر؛ در مورد مهندس موسوی شایعه نیست؛ مبتنی به سند مشخص است.

باقی: آنچه من در مورد مهندس موسوی می‌گویم مبتنی بر اخبار دقیق و قطعی است. اتفاقاً شما روزنامه‌های آن زمان را ببینید. مهندس موسوی که سالها منزوی بود و گاهی هم از او – حتی در نشریات جناح راست – به نیکی یاد می‌شد، به ناگهان مورد تهاجم‌های مختلف و حتی افتراهای غیراخلاقی در آن روزنامه‌ها قرار گرفت. این تهاجم نشان می‌دهد که آنان می‌خواستند اگر موسوی به طور جدی وارد صحنه شود، همه چیز او – از جمله دوران مسئولیت‌اش – را زیر سؤال ببرند.

محمدی: آقای باقی؛ همه آنچه در مورد مهندس موسوی می‌گویید در مورد آقای خاتمی هم تکرار شد. یعنی در مقایسهٔ این دو، تفاوت رفتاری ای نمی‌بینیم.

باقی: من در این مقایسه می‌خواهم همین را توضیح دهم که وقتی خاتمی کاندیدا می‌شود، از آنجا که جناح حاکم به وجود درجه‌ای از مشارکت در انتخابات نیاز دارد تا به آن مشروعیت ببخشد، یعنی به کمک رقیبان خود برای خود مشروعیت بسازد، با کاندیداتوری او موافقت می‌شود. ولی نظر همه این بود که تهدید پیروز نخواهد شد، بلکه تنها اگر بتواند سه – چهار ماهه‌ای جمع کند تا از آن به بعد جناح چپ بتواند با اتکای به این آرا از موضع نسبتاً مقتدرانه تری به حیات خود ادامه بدهد، همین مغتنم است. تا دو یا سه هفته پیش از انتخابات، حتی شخصی آقای خاتمی، احتمال پیروزی خود را نمی‌داد. به همین دلیل بود که ساخت سیاسی، خاتمی را پذیرفت. اولاً دید که وجود خاتمی می‌تواند در جاتی از مشارکت را ایجاد کند و در این مسابقه یک اسبه مشروعیت پیدا بشود و در ثانی، ساخت سیاسی مبتنی بر حاکمیت می‌ماند.

نشاط: آقای دکتر رئیس دانا، اگر ممکن است شما

کشیده شد؛ چه در قضیه جنگ و چه در قضیه قائم مقامی رهبری. الان چون زمان گذشته به نقش این گونه حوادث در شکل گیری آنچه در آینده رخ می‌دهد کمتر توجه می‌کنیم، اینها باعث ایجاد نوعی بحران ایدئولوژیک شد. پرسش ها در جامعه و نسل جوان و دانشگاهیان سرازیر شد. در آن زمان دیدیم که در دانشگاه ها، میزگردها، سخنرانی ها و برنامه ها، همه تغییر مضمون دادند و به این متوجه شدند که سؤالاتی را پاسخ گویند. از آن طرف عوارض روحی، روانی و اقتصادی ناشی از جنگ تحولاتی را در جامعه به وجود آورد که در ۵۰۰۰ دوم دیدیم زیر پوسته شروع اتفاق هایی افتاد که از چشم همه پنهان بود. رواج بزه‌کاری و فقر، افت مشروعیت دستگاه سیاسی، اعتیاد، رشد مهاجرت،

مجید محمدی: پیش بینی ناپذیری دوم خرداد به این دلیل بود که تیم‌های بازیگر در صحنه پیش از آن خود را در بازارهای دیگر عرضه نکرده بودند تا مردم حد و مرز هریک را در مسابقات قبلی ببینند و آنچه بعداً رخ می‌دهد چندان غیرقابل انتظار نباشد

افزایش جمعیت و ... به طوری که دیدیم در دهه دوم انقلاب ۴۰ میلیون از جمعیت، جوانانی بودند که انقلاب را در ک نکرده بودند. علاوه بر اینها حوادثی بود که فراتر از ایران رخ می‌داد. مثلاً در سال ۵۷ بسیاری از خانواده هایی که تلویزیون نداشتند. خود ما تلویزیون نداشتیم. در محله ما در تهران فقط چند خانواده بودند که تلویزیون سیاه و سفید داشتند. در آستانه دوم خرداد، حتی روستاها هم تلویزیون رنگی دارند؛ علاوه بر ماهواره ها که امواج آن مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و از دست حکومت خارج اند. همه این اتفاقات به طور پنهان و آشکار رخ می‌دهد. مجموعه این عوامل را در نظر بگیرید.

از سوی دیگر، ساختار سیاسی ما به دلایل متعدد به ساختاری بسته تبدیل شد؛ همین جاست که دیدگاه پارتو به کار می‌آید. پارتو حرفش این است که وقتی در جامعه‌ای گردش آزاد نخبگان صورت نمی‌گیرد و یک دایره بسته از حاکمان هستند که جابه جا می‌شوند انقلاب رخ می‌دهد، در جامعه‌ای حدود سه میلیون، به دو دهه رخ می‌دهد (بویژه دهه دوم) نخبگان متکثر به وجود می‌آیند. شما می‌بینید هنگام وقوع انقلاب اسلامی، حدود دویست هزار نفر دانشجو داشتیم، ولی در این زمان حدود سه میلیون؛ به علاوه یک دومیلیون تحصیل کرده، اگر ما مساحتاً به این افراد تحصیل کرد، اگر ما نخبگان فرهنگی بدهیم، می‌بینیم که با نخبگان انباشته شده غیر حاکم مواجهیم. چون مجال گردش اینها وجود نداشت، حاکمیت بسته و گروه خاصی قدرت را به دست دادند و اجازه نمی‌دهند این نخبگان از بیرون وارد شوند، در نتیجه این افراد که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و از بیرون برای ورود به سیستم فشار می‌آورند. ساخت بسته در مقابل این فشار مقاومت می‌کند.

در نظریه پارتو، حاکمیت به دلیل انسداد سیاسی و ممانعت از گردش آزاد نخبگان دچار انجماد می‌شود. این انجماد به اضافه تحولات دهه دوم، در جامعه ما و افزایش نخبگان نتایج زیادی در پی داشت.

در این میان حادثه دیگری هم رخ داد که عبارت بود از تغییر بیعت روشنفکران. در هر جامعه‌ای که روشنفکران نسبت به حاکمیت تغییر بیعت دادند، نقطه آغاز سقوط ساخت سیاسی حاکم بوده است. این اتفاق در دهه دوم انقلاب در مقیاس وسیعی رخ داد.

تغییر بیعت روشنفکران و انباشت نخبگان، به کل این حوادث جهت و معنا می‌دهد. یعنی اینها فشار می‌آورند و ساخت سیاسی مقاومت می‌کند. اینجاست که پارتو می‌گوید وضعیت انقلابی به‌وجود می‌آید. به همین دلیل می‌توان تعبیر انقلاب را برای پدیده دوم خرداد به کار برد.

فشار به ساخت سیاسی باعث می‌شود که کاست بستهٔ قدرت شکسته شود. یکی از دلایلی که من می‌گویم انقلاب آرام، همین است که وضعیت انقلابی – به تعبیر پارتو – موجب می‌شود که این شیران انباشته‌شده، رویاهان درون دایره بسته حاکمیت را به زیر بکشند. این همان اتفاقی است که در دوم خرداد رخ داد.

مردم ما به دلیل اینکه تجربه انقلاب اسلامی را پشت سر داشتند و هنوز خیلی با آن فاصله نگرفته بودند – بسیاری از آنان دیده بودند که انقلاب لزوماً باعث بهبود اوضاع نخواهد شد – از طرفی نیز جنگ را پشت سر گذاشته بودند و تجربه هشت سال جنگ نشان داده بود که دشمن جدی در مرزها وجود دارد؛ تهدیدهای جهانی را نیز می‌شناسند؛ اما مردم بدون اینکه توقعی داشته باشند، همان افزایش آگاهی ها این آگاهی جمعی را نیز ایجاد کرد که مردم بدانند یک بار دیگر هم فرصت دارند.

روایع مردم در این وضعیت انقلابی، انجماد حاکمیت را از بین بردند و راه را برای گردش نخبگان باز کردند و یک بار دیگر به حاکمیت فرصت دادند. بنابراین، از دید پارتو، این یک وضعیت انقلابی بود؛ ولی چون روشی که مردم انتخاب کردند روش تحمیل نخبگان بود، نه به زیر کشیدن رویاهان به تعبیر پارتو). مضمون آن می‌توان به یک انقلاب تعبیر کرد – ولی انقلاب آرام.

نشاط: شما می‌گویید ساخت سیاسی مقاومت

برای دوم خرداد نیست در مورد وقوع انتخابات دوم خرداد، حتی اگر چنان که شما می‌گویید آغازی برای انتخابات آرامی باشد که در آینده تکرار می‌شود (و در خیلی از کشورها هم به طور عادی رخ می‌دهد، بی‌آنکه نام انقلاب و ... به آن بدهند) این سؤال پیش می‌آید که در ایران چطور زمینه برای چنین انتخاباتی به‌وجود آمد. خیلی از کسانی که معتقدند این حرکت حرکتی رفورمیستی است در حقیقت می‌گویند این حادثه تحولی در روش جمهوری اسلامی برای برخورد با رأی مردم، یا تحول در روش برخورد مردم با حکومت بوده است. یعنی به دلیل این که شیوه این انتخابات رفورمیستی بوده خودآن را نیز رفورمیستی می‌دانند. این هم تعبیر شما فرایند است و به دلیل همین اولین بودنش شایسته این است که ما آن را به صورت پدیده‌ای استثنایی بنگریم. اگران پدیده را مثل آنچه که در کشورهایی همچون فرانسه رخ می‌دهد ببینداریم، چندان قادر به تحلیل آن نخواهیم بود. حتی ممکن است این اتفاقی که شما می‌فرمایید تکرار نشود. کسانی که این حادثه را رفورمیستی می‌دانند دقیقاً به همین ویژگی استثنایی بودن آن توجه دارند. حال سؤال من این است که چگونه مردم یا حکومت یا هر عامل دیگری، به این نتیجه رسید که باید این گونه رفتار کند.

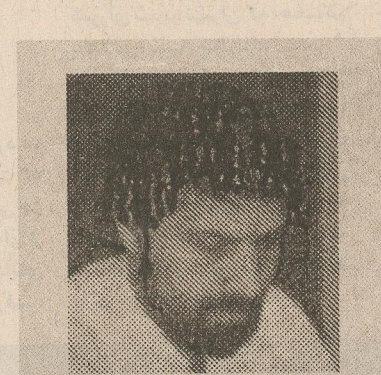
محمدی: تفسیر رایجی که از انقلاب ها می‌شود این است که انقلاب بحران انتخابات فراینده است یعنی نظام سیاسی قادر نیست به انتظارات مردم جواب بدهد، لذا مردم به سراغ تئوری های براندازه می‌روند.

دوم خرداد، را باید پدیده‌ای ناشی از مطالبات انباشته دانست، نه ناشی از انتظارات فراینده. حرف شما درست است که این حرکت، حرکتی رفورمیستی بوده است؛ ولی اینکه در مجموعه انتخابات صورت گرفته در جمهوری اسلامی، انتخابات دوم خرداد بی نظیر بوده است، سختی نیست که من بپذیرم. چون انتخابات مجلس پنجم تقریباً به نوعی شکل گیری آرایش نیروهای سیاسی را نشان می‌دهد.

هر چند که من خیلی با این تقسیمات دوقطبی موافق نیستم؛ چون این تقسیم‌های دوقطبی ما را به تحلیل های دوقطبی می‌رساند. ما با تفرق نیروهای سیاسی در انتخابات مجلس پنجم مواجه شدیم. این تفرق در انتخابات ریاست جمهوری آرایش تازه‌ای پیدا کرد و این آرایش تازه بود که به این انتخابات ویژگی غیرمنتظره داد؛ چرا که ما نمی‌توانستیم پیش بینی کنیم برای مجموعه آن نیروهایی که در طول دهه هشت مطالباتشان از جناح جامعه‌گرا پاسخ نمی‌داد. فردی یا جناحی پیدا شود که جاسخ گوی آن مطالبات باشد. پدیده دوم خرداد در واقع بروز این مطالبات انباشته شده است. البته بعد از آن ما با مشکلات ناشی از این مطالبات و بخش پاسخ نایافته آن – که در برنامه سیاسی دولت آقای خاتمی نیز آمده – روبه‌رو هستیم.

خلاصه رفورمیستی بودن دوم خرداد الان

برای ما یک کشف تازه نیست؛ چون اصلاً هراتخاباتی رفورمیستی است. با عنوان رفورمیستی بودن ما نمی‌توانیم انتخابات دوم خرداد را توضیح دهیم. چون در توضیح دادن باید به عوامل و عللی اشاره کرد که مغفول واقع شده باشند. رفورمیستی بودن در ذات هر انتخابات سیاسی هست. به نظر من سؤال دوم شما، به همین دلیل، چندان تبیین کننده نیست.



پوشنده، پژوهشگر و روزنامه نگار. مؤلف کتابهای: حزب قاعدین زمان، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، انقلاب و تنازع بقا، کاوشی درباره روحانیت و...

باقی: من می‌خواهم از کاربرد اصطلاحاتی شبیه انقلاب و ولو به نحو مسامحه، دفاع کنم. تا ما ندانیم که دوم خرداد چرا و چگونه رخ داد، نمی‌توانیم بگوییم آنچه رخ داد رفورمیستی بود یا انقلاب.

یکی از تئوری هایی که می‌تواند این واقعه را تبیین کند نظریه پارتو است. وقتی ما از انقلاب سخن می‌گوییم به هیچ وجه مراد ما این نیست که این پدیده فقط اتفاق می‌افتد. سنتری طولانی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و ... وجود می‌یابد و به جایی می‌رسد که زمینه های عینی و ذهنی برای وقوع آنچه ما انقلاب می‌نامیم فراهم می‌شود.

بعد از انقلاب اسلامی در دهه اول به دلیل جنگ و تاحدی حضور امام خمینی، برخی از اتفاق هایی که نوعی رجعت به وضع قبل از انقلاب بود و با اهداف و آرمان های انقلاب نیز اصلاً همخوانی نداشت. توجیه می‌شد، با آغاز دهه دوم انقلاب با اتفاق های دیگری مواجهیم. نحوه ختم جنگ و حوادث سال ۶۸ باعث شد که برای اولین بار دستگاه ایدئولوژیک حاکم ترک بر دارد. هشت سال می‌گفتیم جنگ با صدام یعنی جنگ اسلام و کفر. یک دهه بعد اینها و روایات و خوارها دلیل باقلی برای توجیه وحدت مر جوبیت و رهبری می‌آوردیم. ناگهان دیدیم طرف یک روز خط بطلانی بر همه اینها

میزگردی با حضور: فریبرز رئیس دانا، عمادالدین باقی و مجیدمحمدی

ادامه از صفحه ۴

این مجموعه چون دیگر ابزار و سازمانی نداشت، برای اینکه خود را متشکل کند و به یک وضعیت انقلابی بکشانند... اجازه دهید همین جا وضعیت انقلابی را توضیح بدهم. وضعیت انقلابی، وضعیتی است که حکومت دیگر نمی تواند حکومت کند و مردم دیگر نمی توانند حکومت شوند. یعنی دیگر تحت هیچ عنوان راه انشتی وجود ندارد. خوب، این وضعیت در ایران به وجود نیامده بود؛ چه به این خاطر که این فشارها هنوز نایخته بود، و چه به خاطر وحشیت. یعنی حکومت هنوز می توانست حکومت کند. البته افکار عمومی جهان نیز به مثابه یک فشار وارد صحنه شده بود- مثلاً دادگاه میخونوس، یا سوسیال دموکراسی اروپا - اما چنین نبود که این افکار عمومی جهان یک سره بیاید و پای مردم بایستد. دولت های غربی به خوبی می توانند از راه های سپید افکار عمومی را سرکوب کنند. این همان است که مردم و افکار عمومی در ایالات متحده از دولت نمی پرسند که تو در افغانستان یا عربستان یا کوبا چه می کنی. پس می توان افکار عمومی را کنترل

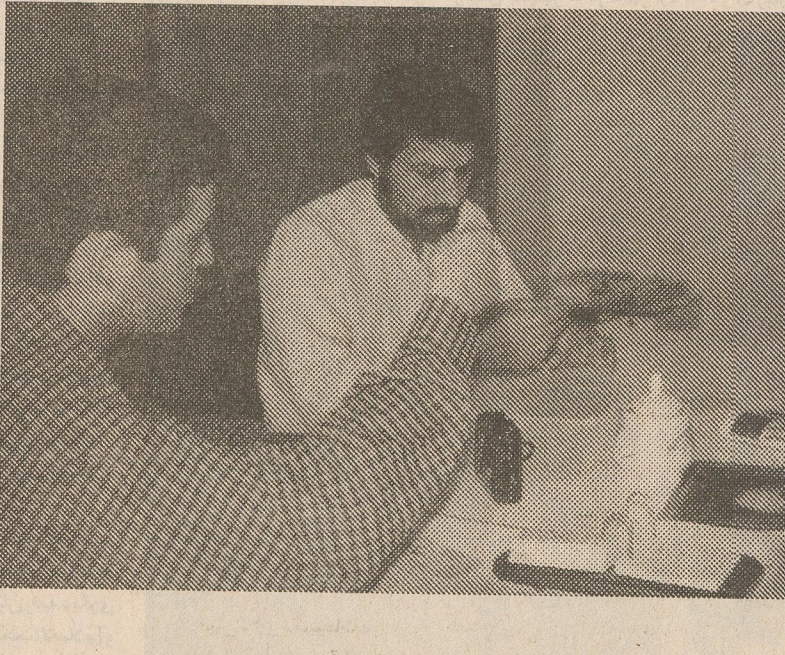
حرکت محافظه کارا نه ای بود؛ یعنی مردم به دلیل اینکه ظرف مناسبی برای بروز آن انباشت انقلابی شان وجود نداشت، مجبور شدند به صندوق های رأی بسنده کنند تا از این طریق تحولی را رقم زنند. سؤال من این است که چطور برای آن پتانسیل عظیم - ولو اینکه متشکل نایافته بود - این ظرف مناسب بود؟ چرا همین مردم دست به انقلاب نزدند؟

رئیس دانا: من به طور خلاصه پاسخ می دهم و از دوستان دیگر هم عذر می خواهم که وقتشان را می گیرم. اولاً، آلترناتیوهایی که برای یک عمل تند و انقلابی وجود داشت باید مورد بررسی قرار گیرند. یکی از این آلترناتیوها نیروهای خارج از کشور بود. آیا آن ها می توانستند رهبری یک انقلاب صادقانه را به عهده بگیرند؟ مطلقاً خیر. خوب، این را مردم می فهمند و آن هایی را که در خارج بیتوته کرده اند می شناسند. می ماند پتانسیل های داخل. این پتانسیل ها برای مردم محبوب بودند. واقعه دوم خرداد تا حد زیادی مدیون همین نیروهاست. اینها عبارت بودند از صد - صد و پنجاه روشنفکر منزوی

مثلاً، اگر الان فرصتی به یک حزب خودانگیخته با پایه های مردمی داده شود و او هم کارش فقط این باشد که به آقای خاتمی حمله کند، مسلم است که اشتباه کرده است؛ چون آقای خاتمی محبوبیت مردمی دارد. این محبوبیت هم به خاطر نشان دادن عملکرد مشخص آزادی سیاسی ایشان است. پس اگر کسی در رابطه با ایشان دست به اشتباهی خطیر بزند خودکشی کرده، ولی اگر خواسته های آقای خاتمی را خوب تشخیص دهد و ضمن ارتباط با مردم دست به طرح انتقادهای عمیق و مشفقانه بزند، ممکن است محبوبتش از آقای خاتمی هم بالاتر برود - این محال نیست.

نشاط: آقای محمدی من مطمئنم شما می خواهید نظریه انقلاب را نقد کنید. محمدی: نه، من نکات دیگری دارم که به بحث دوستان نزدیک است. نشاط: شما در بحث خود گفتید هر انتخاباتی رفورمیستی است و رفورم قبلاً هم اتفاق افتاده بود. در

هزینه های براندازی را بپردازد (برای انتظارانش، قبل از انقلاب؛ و برای مطالبات، بعد از انقلاب). نکته دوم که صحبت های دوستان به آن توجه نشد و آقای باقی بیشتر با مقایسه مهندس موسوی و آقای خاتمی می خواستند نشان دهند که حاکمیت در مقابل این حرکت ایستاده بود - آقای باقی دو چیز را از هم تفکیک نکردند و این دو خلط شدند: یکی اراده سیاسی و دیگری ساخت سیاسی. بله، اراده سیاسی حاکمیت اقتصادی اصلاحات را نداشت و هنوز هم چندان ندارد؛ ولی ساخت سیاسی که ما داریم بن بست ندارد. یعنی قانون اساسی و نیروهایی که حضور دارند بن بست ندارد. هر اصلاحی که شما بخواهید در این نظام اجرا کنید می توانید در چارچوب همین ساخت سیاسی آن را پیش ببرید. یعنی اگر بخواهید مجموعه نهادهای حاکمیت را مسئول و قانونی قرار دهید، راه باز است. حرف آقای رئیس دانا کاملاً درست است که در طول بیست سال مرتباً حقوق شهروندی و قانونی شهروندان ایرانی نقض شده است. ولی از آن طرف



هم این نکته هست که افرادی می دیدند در چارچوب همین نظام می توان اصلاحاتی انجام داد. به همین دلیل در انتخابات آن چنان مشارکت کردند.

نکته سوم انتقال نقطه برآیند نیروهای سیاسی مؤثر در چارچوب دولت - ملت ایران از خارج به داخل است. من معتقدم که اصولاً ما نباید پدیده هایی مثل دوم خرداد را در چارچوب بین المللی تحلیل کنیم؛ چون برآیند نیروهای سیاسی موجود، در داخل است. از همین جاست که می گویم گرچه ایمان استقلال مسأله نیست- همان یادداشتی که آقای مریدپا چندی پیش در نشاط منتشره بودند - ولی انتقال برآیند نیروها از خارج به داخل مسأله است. الان مشکل افغانستان این است که بخش اعظم این نقطه برآیند در خارج از افغانستان است، نه در داخل آن. در ایران این نقطه برآیند در داخل است. در این حال افراد به سمت حرکت های اصلاح طلبانه از کاتال مشارکت می روند.

نکته چهارم این که: مردم سعی کردند از طریق مشارکت روند اصلاحات را پیش ببرند. اگر ما مطالبات انباشته را از هم تفکیک کنیم (مطالبات حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی)، باز چشم انداز من به موضوع با چشم انداز دوستان متفاوت است. دوستان بر مطالبات اقتصادی تأکید می کنند، ولی هم شخصیت آقای خاتمی و هم برنامه ای که عرضه شد بیشتر بر مطالبات سیاسی و فرهنگی تأکید داشت تا مطالبات اقتصادی مردم. اگر به مجموعه بحث های قبل از انتخابات در مطبوعات مراجعه کنیم، می بینیم که این انتظار درمردم بود که آقای خاتمی را برای تحولات سیاسی و فرهنگی می خواهند. نه برای تحولات اقتصادی؛ زیرا چنین چهره ای در مورد آقای خاتمی قابل تصور نبود.

نکته پنجم این است که دوستان از یک مطلب غفلت می کنند. نظام جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست نداده بود. وضعیت انقلابی در جایی پیش می آید که یک نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست می دهد. نظام جمهوری اسلامی چنین نمود، اما بحران مشروعیت داشت. به همین دلیل است که در چالش های دوره انتخابات، مباحث فرهنگی نقش درجه اول را پیدا می کند. بحران مشروعیت در ایران، خود را در بحث فرهنگ نشان می دهد. چون حوزه سیاست و نیروهای آن کوچک اند و احزاب حضور چندانی ندارند، در حیطه فرهنگ و رسانه ها می توان مجموعه چالش های سیاسی معطوف به فرهنگ سیاسی را دید. نظام جمهوری اسلامی بحران مشروعیت خود را با نوعی مهندسی سیاسی کاهش داد: با پذیرش آقای خاتمی، و حتی پس از آن، با پذیرش آقای مریدپا. ولی وقتی رای مردم پذیرفته شد بیانگر این نکته بود که نظام می خواهد آن بحران را کاهش بدهد.

نکته ششم درباره نقش روشنفکران در پدیده دوم خرداد است. که دوستان هم اشاره کردند. ولی من بوجه اصلاح طلبانه آن تأکید می کنم. وجه مشترک روشنفکران ایرانی آن است که ما به تأکید از چالش های دوره انتخابات، در حیطه سمت تحولات آرام و تدریجی و پذیرش قواعد بازی سیاسی برویم. اینها همه نتایج پذیرش آن عقلایت بود. بعد از میان روشنفکران ایرانی نگرش های مختلفی نسبت به عقلایت وجود دارد. از عقلایت ابزاری تا عقلایت انتقادی. ولی آنچه مورد وفاق بود نوعی عقلایت بود که خود را در یک حرکت آرام در حیطه انتخابات نشان داد.

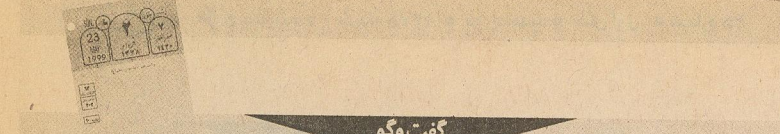
و منفرد که با ایدئولوژی های مختلف فقط به عشق میهن و مردم کار می کردند. بعضی با ایدئولوژی های فوق آزادی خواهانه، برخی با ایدئولوژی های کاملاً چپ و عدالت خواهانه، برخی هم با ایدئولوژی های کاملاً مصالحانه و اخلاق مند مذهبی به میدان آمدند. همه اینها یک همسویی و همفکری داشتند. این مجموعه معضلات و گره هایی که مردم با آن روبه رو شده بودند اینها را به هم متصل می کرد. نتیجه آن را هم دیدیم. با اینکه روشنفکر جماعت نمی تواند سازمان ده سیاسی بشود - لنین استثنای بود؛ او روشنفکری بود که ذاتاً سازمان ده سیاسی بود و در جریان حزب سوسیال دمکرات رشد کرده بود. ولی روشنفکر منزوی و پراکنده، هر چند هم که انقلابی و پر شور باشد نمی تواند کاری کند. از همه مهم تر، مگر در این مدت، جمهوری اسلامی وقتی را به معرفی ما اختصاص داده بود؟ هنوز که من اینجا در خدمت شما هستم، در رادیو و تلویزیون ممنوع تصویر هستم. مردم بالا خره برای رأی دهی و شاخت باید چهره ها را هم ببینند. پس به نظر من سرکوب جدی و بازدارندگی جدی بود. اینکه می گویم مردم مجبورند محافظه کارانه عمل کنند، این محافظه کاری ناشی از انفعال نبود؛ ناشی از هوشمندی بود. این تنها موقعیتی بود که برای مردم به وجود آمده بود. حتی می خواهم بگویم مردم عمق فرمایش های آقای خاتمی را بهتر از روشنفکران درک کردند. یعنی بهتر فهمیدند که او با طرف مقابلش تفاوتی معنی دار دارد. حتی برخی از روشنفکران، تندروری می کردند و می گفتند ما تفاوت معنی داری میان این دو قطب نمی بینیم. ولی مردم این تفاوت را می دیدند. کما اینکه او را برگزیدند.

اما باید توجه کنیم، اگر آقای خاتمی به ریشه ها برگردد، در واقع می توانیم بگوییم یک جریان انقلاب آرام آرام در حال شکل گیری است. اما اگر به ریشه بازنگرد، فقط می توانیم بگوییم ایشان اصلاح طلب - البته پی گیر - است. گرچه من معتقد نیستم که اصل واقعه دوم خرداد یک انقلاب بوده است. در این مورد با آقای باقی موافق نیستم.

نشاط: اگر روشنفکرها توانایی سازماندهی را داشتند و ویژگی هایی را که شما گفتید کسب می کردند، آیا می توانستند انقلابی انجام دهند؟ رئیس دانا: بیست سال فرست از دست روشنفکران رفته بود. آن ها لاقال چهار سال وقت لازم داشتند تا جبران کنند. شما روشنفکران را کنار بگذارید؛ همان نهضت آزادی که سابقه مبارزاتی اش خیلی بیشتر از همه بوده و مهندس سیاسی مرحوم آیت الله خمینی بود و شکل اولیه دولت را بعد از انقلاب ساخت، از ذهن مردم بیرون رفته است.

من امسال برای سالگرد مرحوم دکتر مصدق رفته بودم. در همان نزدیکی ده احمدآباد جوانی پرسید چه خبر است و این احمدآباد کجاست که همه می آیند و سراغ آن را می گیرند. پس در واقع حصر فرهنگی و شبت و شبی مغزی جدی عمل کرده بود. بنابراین، اگر به روشنفکران یا گروه هایی که مورد نظر من است، یا نهضت آزادی، یا جبهه ملی، شش ماه یا یک سال وقت می داندن، معلوم است که روزشان به آقای خاتمی نمی رسد. چرا که آقای خاتمی یک پشتوانه عمیق مذهبی و روحانی دارد، ضمناً روحانی جلیل القدری است. این شناسایی خیلی سریع برای مردم حاصل شد. ولی اگر فرصت بیشتری داده شود و روشنفکران هم بتوانند در راستای خواسته های مردم حرکت کنند، حتماً به فرصت هایی عالی دست می یابند.

ویژه دوم خرداد



گفت وگو

محمد جواد لاریجانی در گفت وگو با نشاط

دوم خرداد سبیل نهادهینه تر شدن دمکراسی در ایران است

سها روحانی در آستانه حادثه دوم خرداد، روز حضور گسترده و میلیونی مردم ایران در سر نوشت خود با دکتر محمد جواد لاریجانی استاد دانشگاه و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در خصوص شکل گیری این رویداد و پیامدهای آن گفت وگویی انجام دادیم که بخشی از آن را در این شماره می خوانید. مشروح مصاحبه در شماره های آتی نشاط به چاپ خواهد رسید.
نشاط: آیا شما خودتان را جزو دوم خرداد می دانید؟
لاریجانی: به نظر من دوم خرداد یک حادثه ملی است و نقطه ای است در روند تکامل جامعه مدنی در کشورمان که از انقلاب شروع شد. بنابراین دوم خرداد متعلق به همه ملت است چه کسانی که رأی داده اند و چه کسانی که رأی نداده اند و فکر نمی کنم که دوم خرداد بتواند پایه لیبراسیون در کشور ما باشد.

نشاط: پس چرا گروهی خود را به عنوان جبهه دوم خرداد معرفی کرده اند؟
لاریجانی: در این جا دو عنصر وجود دارد یکی مردم و انتظارانشان است که آمدند به آقای خاتمی رأی دادند این مردمی که به آقای خاتمی رأی داده اند نه به مفهوم جامعه مدنی چندان توجهی داشته اند و نه به مفهوم دمکراسی. توده مردم ما به دو دلیل در این رأی بسیار جالب شرکت داشتند دلیل اول آن، یک نوع تولای به نظام بود یعنی نسل جوان ما به نظام خودش امیدوار بود و در واقع از طریق ساختارهای نظامش می تواند تغییرات دلخواهش را در داخل نظام ایجاد کند. عامل دوم انتظار تغییرات آن هم عمدتاً در کارآمدی نظام است نظام ما دارای یک مشکل نهادهینه مزمن در عدم کارآمدی است کافیتش شما با هر کسی در هر حوزه ای که هست صحبت کنید می بینید که ناراضی است مثلاً یک ناشر در حوزه نشر کتاب راضی نیست و حتی مردم معمولی در مسایل معمولی شان ناراضی هستند. یک عدم کارآمدی نگران کننده در کشور ما وجود دارد و فکر می کنم آن دلیل عمده ای بود که مردم به آقای خاتمی رأی دادند و این انتظار را از آقای خاتمی داشتند. اما گروه های موجود سعی کردند در این اقبال مردم سرمایه گذاری کنند و به نحوی خودشان را پایگاه قرار بدهند، یکی از مشکلاتی که گروه ها سیاسی در ایران دارند این است که مثل سایر کشورهای دمکراسی غربی نیست که ابتدا گروه های سیاسی ریشه مردمی دارند و قدرت محصول آن هاست. در ایران گروه های سیاسی سوار بر کالسکه قدرت می شوند یعنی امروز به نظر من گروه ها و احزاب مختلف سیاسی به آقای خاتمی اویزان هستند نه این که آقای خاتمی متکی بر این ها باشد طبیعی است که گروه های سیاسی از این به بعد باید ریشه عمومی خودشان را پیدا کنند. این ها ممکن است به نحوی دوم خرداد بودن را مبنای هویت خودشان بدانند و روی این تبلیغ هم بکنند من این گونه دوم خرداد بودن را یک کارسیاسی می دانم البته نه این که یک کار نامشروع و غیرقانونی باشد این غیر از آن دوم خرداد است که مردم آمدند و آقای خاتمی را انتخاب کردند.

نشاط: چرا گروه های دیگر که در مقابل جبهه دوم خرداد هستند خود را دوم خردادی و یا به عبارتی از جبهه دوم خرداد نمی دانند.

لاریجانی: این دلایلش همین استفاده ای است که گروه های سیاسی از مفهوم دوم خرداد می کنند جبهه دوم خرداد برای مردم یک معنا دارد و برای گروه های سیاسی یک معنا. برای مردم، جبهه دوم خرداد یعنی تغییرات یا یعنی اصلاح ساختار کشور، یعنی امید به آینده یعنی اعتماد به انسان. برای گروه های سیاسی دوم خرداد یعنی مدتی که بتوانند ریشه های اجتماعی شان را پیدا بکنند و پایگاه های قدرت و جایگاهشان را در ساختار قدرت پیدا کنند طبیعی است که اگر گروه های سیاسی خودشان را دوم خردادی نمی دانند در تقابل با این تلقی حزبی و جناحی از دوم خرداد هستند. در این صورت آری، جناح های مختلفی وجود دارند که با هم رقابت دارند و لذا آن ها در مقابل جناح هایی که از دوم خرداد به عنوان نردبانی برای تحکیم قدرت استفاده می کند قرار دارند و چون از این نردبان استفاده نمی کنند بنابراین خود را دوم خرداد نمی دانند.

نشاط: با توجه به این صحبت های شما بنابراین یک بازسازی اساسی برای جناح مقابل دوم خرداد ضروری به نظر می رسد.

لاریجانی: صبهه دوم خرداد علی الاصول یک گروه سازمان یافته سیاسی نیست. من فکر می کنم یکی از مشکلات آقای خاتمی این است که هنوز یک ساختار سیاسی منسجمی را در پشت برنامه های خودش ندارد. البته آقای خاتمی امتیازات خیلی زیادی برای کارهای خودش دارد مثل حمایت توده مردم، حمایت رهبری مثل اعتمادی که عمدتاً مردم فرهیخته کشورمان به رئیس جمهور دارند. ولی نداشتن یک گروه سیاسی سازمان یافته سبب شده که در خیلی از مشکلات و مسایل آقای خاتمی نتوانسته سیاست های مورد نیاز نظام را به سرعت و به دقت به انجام برساند. یکی از مهم ترین موارد و نمونه هایش همین طرح اقتصادی کشور است. در واقع کشورمان نیاز به یک طرح نجات اقتصادی دارد. طرح سازماندهی اقتصادی با این که زحمات زیادی برای آن کشیده شده است کاملاً بیانگزن است که دولت توانایی پیش بردن یک سیاست مشخصی را ندارد، به خاطر وجود گرایشات بسیار متنوع. یکی طرفدار اقتصاد دولتی و دیگری طرفدار اقتصاد آزاد است. همه این ها سبب شده که دولت آقای خاتمی در مسایل خیلی جزیی نتواند تصمیم گیری داشته باشد. من از این جهت می خواهم بگویم این یکی از مشکلات است. هر چقدر آقای خاتمی جلوتر می رود مجبور است که روی مسایل حساس اظهارنظر کند و موضع بگیرد و خود این سبب می شود گشایشی که خودشان را داخل جبهه دوم خرداد نمی بینند احساس کنند که جدا شده اند. این البته تا حدی طبیعی است که رئیس جمهوری نمی تواند همه کس را راضی کند، اما در این پروسه بعد از رئیس جمهوری که وجود یک سازمان سیاسی منظم به رئیس جمهور کمک می کند و باعث می شود که وی در برخی مواضع خود پافشاری کند. این مشکلی است که الاّن وجود دارد. یعنی جبهه دوم خرداد و عمدتاً جبهه خیلی با اتصال نازک است و لذا رئیس جمهور نمی تواند به اتصالات تکیه کند و یک سیاست قاطع را در جاهای حساس جلو ببرد.

نشاط: در اوایل صحبتهایتان اشاره کردید که همه مردم به نوعی دوم خردادی هستند و شما هم یکی از این مردم هستید، درحالی که برخی معتقدند که دیدگاه های شما با دوم خرداد متفاوت است و به عبارتی خود را از دوم خرداد نمی دانید.

لاریجانی: من به دوم خرداد افتخار می کنم، چون در دوم خرداد یک حادثه بزرگی رخ داد و آن قدرتمند شدن و نهادهینه تر شدن دمکراسی در ایران است. چرا می گویند در دوم خرداد دمکراسی یک قدم محکم تر شده است. در دوم خرداد اتفاق خیلی بزرگی روی داد. در آن روز رئیس جمهور مقتدر و محبوب مثل آقای هاشمی رفسنجانی از همان نردبان قدرتی که بالا رفته بود، از همان نردبان پایین آمد و مردم ایران کسی را رئیس جمهور کردند که شاید حمایت سیاسی قدرتمند کشور ما را چندان نداشت. اصلاً تست دمکراسی این است. تست دمکراسی این نیست که با آرای مردم برود یا لا. تستش این است که با آرای مردم برود پایین و بدین ترتیب در دوم خرداد حادثه تاریخی اتفاق افتاد. بعد از دوم خرداد حتی کسانی که چندان فکر نمی کردند دمکراسی در ایران ریشه دارد، سرانجام دیدند که ریشه محکمی نیز دارد و این حادثه بسیار افتخارآمیز بود. در دوم خرداد یک نمایشی از تولای مردم به نظام دیده شد، اگر مردم به نظام امید نداشتند، هیچ کس نمی آمد رأی بدهد. من به دوم خرداد همواره افتخار می کنم، چرا که دمکراسی در کشورمان یک چرخش وسیعی پیدا کرد. ممکن است من خودم به آقای خاتمی رأی نداده باشم، این را همه می دانند، این البته همان دمکراسی است. شما نباید حرکات بازی گونه دمکراسی را با ماهیت حقیقی اشتباه بگیرید. در یک بازی شطرنج مهره های شاه، وزیر و سرباز هیچ کدام معنایی ندارد، در واقع آنچه که مهم است ماهیت بازی است. در دمکراسی هم همین گونه است. این خودش حرکت است و به عنوان یک متد ما وارد حرکت می شویم. بنابراین مهم نیست که کسی به آقای خاتمی رأی داده یا نداده، آقای خاتمی رئیس جمهور همه ماست. توفیق آقای خاتمی توفیق ماست. ما نباید معنای وادی سیاسی را با هدف نهایی که کاملاً مقدس است، اشتباه بگیریم. در داخل این سیستم همه باید با هم رقابت کنیم، دوستی با آقای خاتمی این نیست که با هم رقابت نکنیم و تا آنجا که می توانیم دولت را کمک کنیم و این کمک گاهی با حمایت است و گاهی با رقابت.

مقاله

جامعه‌باز

و

انصار

حزب‌الله

«آقای خاتمی در دورانی که تصدی‌وزار تخاصه حساس فرهنگ و ارشاد اسلامی را داشت با عملکرد لیبرالسی و سیاسست‌های تسامح‌مدارانه فضایی را ایجاد کرده بود که فرهنگ این کشور که به حق مدیون خون شهداست عرصه جولان روشنفکران لا ینک و وابسته به رژیم منحوس پهلوی و بدسابقه‌گشت».

(آیچه خواندنید بخش‌هایی بود از ویژه‌نامه یالثارات الحسین (ارگان انصار حزب‌الله) منتشر شده در اردیبهشت ۷۶ و در آستانه دوم خرداد).

مرحله اول: حربه صلح



محمدرهبر

با انتخاب سیدمحمد خاتمی به ریاست جمهوری گمان بسیاری بر این بود که رئیس جمهوری منتخب، بزرگ‌ترین مشکل را با انصار حزب الله به‌عنوان یک گروه‌راد یکال و متعصب خواهد داشت. انصار حزب الله در انتخابات ریاست جمهوری ثابت کرده بودند که به هیچ وجه سر سازگاری با خاتمی ندارند و وی را ابداً تحمل نخواهند کرد. انصار برای نشان دادن عمق اختلاف خود با خاتمی از مواضع گاه دشمنانه نیز اجتناب نمی‌کردند و سردمداران این گروه به صراحت می‌گفتند که خاتمی

رخداد دوم خرداد را با واژگان سیاسی متنوعی توصیف کرده‌اند و آن را به مثابه یک اصلاح، انقلاب آرام، حماسه، همه پرسی و حتی یک انتخابات عادی ارزیابی کرده‌اند، اما در عین این که هیچ یک از توصیف‌های یادشده نادرست نیستند، در عین حال نمی‌توانند عمق این بستر را بشکافند و ریشه این رخداد تاریخی را شناسایی کنند.

عمده مباحثی که پیرامون چگونگی رخداد دوم خرداد صورت گرفته است از مر حله مباحث نظری و ذهنی فراتر نمی‌رود و کمتر به کشف علل عینی و زیربنایی این جنبش همت رفته است. دوم خرداد محصول گذار نسلی به نسل دیگر است و این روز دقیقاً در نقطه ثقل این روند گذار قرار گرفته است.

با بهره گیری از اصطلاحات علوم دقیقه و تجربی می‌توان گفت میان فواصل این نسل با نسل پیش خود درپچه‌ای قرار دارد که براساس میزان بزرگی و کوچکی مقیاس آن روند گذار نسل را به عرصه‌سیاست واجتماع تنظیم می‌کند. واحدومقیاس کوچکی و بزرگی این درپچه را شار اجتماعی می‌نامیم. در حالت طبیعی قدر متوسط درپچه حاکی از روند آرام و فاقد بحران نسل‌ها است. این حالت در کشورهای توسعه یافته که دارای جمعیتی متوسط هستند و میانگین سنی مردم، میانسانی را نشان می‌دهد، قابل مشاهده است. قدر کم درپچه موضوع شاخصه جوامعی است که علی‌رغم توسعه یافتگی دارای جمعیتی کم و میانگین سنی پیر هستند. اما قدر بزرگ این درپچه شاخصه جوامع در حال توسعه‌ای نظیر جامعه ما است که دارای جمعیتی روبه افزایش با میانگین سنی جوان است.

دوم خرداد روزی بود که نشان داد که شار انتقال نسل در جامعه ایران بسیار بالاست و این میزان بالا نقشی شوک آور در عرصه سیاسی ایفا کرد. البته این نقش در جوامعی که راهکارهای دموکراتیک در آن وجود ندارد و نمی‌توان تأثیر آن را در محاسبه در نظر گرفت زیرا دولت‌های غیردموکراتیک میجالی برای انتقال این پتانسیل به طرز آرام و کانالیزه شده ر نمی‌دهند و در حالتی که پتانسیل موصوف بیش از حد ظرف جامعه باشد به شکل انقلاب و جنبش‌های زیرزمینی بروز خواهد کرد. بنابراین در جوامع دموکراتیک ابزار و کانالی برای اعمال مطالبات این نسل و انتقال آن وجود ندارد. اما در جوامعی که از این راهکار بهره‌مند هستند، (بویژه جوامعی که سن رای دادن در حداقل قرار دارد) این افزایش شار را شاهد هستیم.



محمدآقای قرآستانی

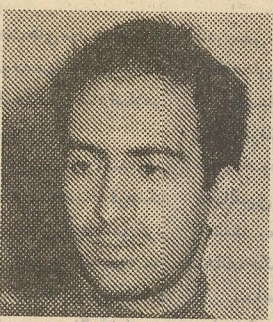
هفته گذشته، «سر جان کارنوویچ، فیلمساز شهیر اهل بلغراد، در نامه‌ای به جشنواره سینماآی کن، با عنوان «به خاطر صلح فیلم ببینید.» چنین نوشت: (نسبت به کشتارهای جمعی هر روزه به یگسری تفاوت شده‌ام! خرابی‌ها چنان است که دیگر حتی به آن نمی‌اندیشم، تا چه رسد که بخواهم درباره آن فیلم بسازم، جشنواره کن نیز بسیار دور به نظر می‌آید، چنان که گویی در جهان دیگری است!) زمانه عجیبی است، بی تفاوتی نسبت به سرنوشت همه نوع و انسان‌های حاضر در

البته آن بخشش خاتمی در عزم

جزم انصار تعبیری نداد و آنان برای ملتپب کردن جو کشور و عاجز جلوه دادن دولت به تحرکات خشن دست یازیدند. انصار تقریباً در تمامی تجمعات دانشجویی حاضر بودند و با شعار و حرکت‌های ایزادی سعی می‌کردند تا طرف مقابل را به عکس‌العمل وادارند و آنگاه در پس یک زد و خورد فریاد برآرند که این است جامعه مدنی!

فشار افکار عمومی باعث می‌شد که انصار مسئولیت مستقیم عملیات خیابانی را بر عهده نگیرند و پشت واژه مردم مخفی شوند؛ مردمی که همگی از دوستداران و آشنایان و نزدیکان انصار بودند بر خورود دانشجویان با انصار بر خلاف انتظار یک برخورد تخصصی نبود و نشانگر این نکته بود که جامعه ما به آن حد از تعقل رسیده است که با روش‌های خشن به خشونت پاسخ نگوید. در اجتماعاتی که اعوان و انصار، انصار حزب الله برای ایجاد تشنج حاضر می‌شدند، گاه حلقه‌های بحث؛ مناظره‌ای تشکیل می‌گشت؛ رئیس جمهوری ختم شود به تشکر می‌کردند و یا وی به بحث و تبادل نظر می پرداختند.

شاید خوشبینانه به نظر آید. اما



محمدرضا سرداری

دینامیک نسل دوم

مولدان دوم خرداد

کسانی که به هر میزان در دوران تبلیغات ریاست جمهوری آقای خاتمی مشارکت داشتند یا نظارت می‌کردند بر احتی می‌توانند به خاطر آورند که میزان مشارکت نوجوانان دانش آموز و جوانان دانشجو در انتخاب رئیس جمهوری حال حاضر ایران چقدر بوده‌است. می‌توان به حافظه مراجعه کرد و به یاد آورد که چگونه خردسالان دبستانی و بالاتر که به لحاظ نداشتن سن قانونی از دادن رای خود به خاتمی محروم بودند، با دست‌های کوچک خود دست‌های پدران ومادران وسایر بزرگ‌تران خود را می‌گرفتند و آنان را به پای صندوق‌های رای می‌گشتند. کسانی که شاید یکبارهم در نظام کنونی رای دادن را تجربه نکرده بودند.

بله به یاد آوریم که چگونه نوجوانان کم سن وسال دبیرستانی در آستانه امتحانات پایان سال خود کتاب و درس را رها کردند و تا پاسی از شب در کوچه و خیابان‌های کشور پوستر محمد ختمی را نصب می‌کردند و به یاد داشته باشیم دانشجویانی را که در سراسر کشور ستاده‌های انتخاباتی رئیس جمهوری را اداره می‌کردند و سپس مجموعاً با رای خود رخدادی را رقم زدند که تمامی معادلات

دشمنان امید

تمدن‌های دیگر، در آخرین ترکش‌های قرن بیست، عبرت برانگیز است. همچون کارنوویچ، چند سال پیش از این، بودریار پست مدرن هم وقتی شاهد صحنه‌های شوم در جنگ متجدین علیه عراق و فجایع بعدی در بوسنی و هرزگوین بود، گفته بود: «جنگ‌ها را لمیدبر بر روی پالش‌های نرم، یا در اتاق‌های ناهارخوری، تماشا می‌کنیم، جایی که غرش انفجارموشک‌ها بر صفحه شیشه‌ای با جیک جیک شادمانه کودکان، زنگ تلفن، صدای رایانه‌ها و گفت‌وگو درباره آخرین مدل اتومبیل‌ها و تعطیلات بعدی در جنوب فرانسه درمی‌آمیزد»، گویی سرنوشت هیچ تمدنی، ارتباط چندانی با تمدن مجاور ندارد. گویی عصری از پایان گفتمان (Close of Discourse)، جهان را فراگرفته، که در آن، پذیرش آشتی تمدن‌ها و طرح اندیشه ایجاد یک راه حل جهانی،

همین بر خوردها و گفت و شنیدها باعث می‌شد تا بدنه صادق و ساده انصار به خود آیند و تصورهای پیشین خویش را معارض با واقعیت بیابند و خلاصه این که با آن خشمی که می‌آمدند به خانه یاز نمی‌گشتند.

مرحله سوم: شاخه خیابانی غیرفعال می‌شود
در دومین سال ریاست جمهوری خاتمی به نظر می‌رسد انصار به این نتیجه رسیده‌اند که شاخه خیابانی راه به جایی نخواهد برد و برگزاری دو سخنرانی موفقیت‌آمیز دکتر سروش در سال جاری حاکی از این است که انصار دیگر چندان اعتمادی به روشهای خشن ندارند و سعی دارند در عرصه مطبوعات فعال باشند البته این درست که قواعد مطبوعاتی و بر خلاف انتظار یک برخورد تخصصی نبود و نشانگر این نکته بود که جامعه ما به آن حد از تعقل رسیده است که با روش‌های خشن به خشونت پاسخ نگوید. در اجتماعاتی که اعوان و انصار، انصار حزب الله و گروه‌های هدف پس از دوم خرداد در عرصه مطبوعات فعال تر شده‌اند، ماهنامه صبح به گونه هفته نامه در آمد و جالب این که با بسته شدن شلمچه، کادر این جریده همان کار توس و جامعه (که شدیداً با ایشان هم بودند) را تکرار کردند و روزنامه



انصار فعالترین سالیان حیات خود را پشت سر می‌گذارد

جبهه را انتشار دادند و این بار لوگوی جبهه با خط نستعلیق بود که نشان می‌داد لوگوی جامعه و توس به مذاق مخالفان آن خوش آمده است. یک نتیجه: استراتژی رئیس جمهوری تحقق می‌یابد
سیدمحمد خاتمی در برنامه‌های خود این استراتژی را تکرار می‌کند که باید معاندان را به مخالفان قانونی و ایشان را به موافقان تبدیل کرد؛ به نظر می‌رسد این راهبرد اصلاحی به تدریج در در خصوص انصار به نتیجه نزدیک می‌شود. یقیناً انصار نمی‌توانند بدون توجه به افکار عمومی تحرکات خشنی را مرتکب شوند. به این موضوع نیز بایستی توجه داشت که بخشی از این افکار عمومی در بدنه انصار قرار دارد و سردمداران این گروه در وهله اول به منظور جلوگیری از ریزش اعضا ملزم به پاسخگویی به ایشان هستند.

در یک نگاه کلی و جمع بندی نهایی می‌توان گفت که جامعه ایران در حال یک تحول اساسی و تغییر بنیادی است و آهسته و پیوسته به سوی فضای باز و توسعه سیاسی و اجتماعی گام بر می‌دارد. بدیهی است در یک جامعه باز که گردش اطلاعات وجود دارد و شفافیت فضا مانع از اتخاذ مواضع ضدونقیض از

متصور روز را برهم زد.

این نسل با رای خود از انتظار خود، پیام‌هایی را به نخبگان داد.

شفاف‌ترین بخش پیام دوم خرداد بالا بودن میزان همین شار اجتماعی بود که به نخبگان هشدار داد چنانچه ساختارهای نظام فعلی خود را با مطالبات آن تطبیق ندهد این شار بالا خسارت جبران‌ناپذیری را به پیگیره نظام‌وارد خواهد ساخت. این روند طبیعی و غریزی هشداری است که راهبرداندیشان نظام باید آن را جدی تلقی کنند.

این نسل اما تفاوت‌های عمده‌ای نیز با نسل گذشته خود دارد. نسل اول نسل خمیرگونه و کم اعطاف است که بین آن شکاف‌ها و مرزبندی‌های بسیاری وجود دارد. برای این نسل هنوز کشمکش‌های دوران انقلاب دغدغه بزرگی است و تأثیر مستقیم بر اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی دارد. اما نسل دوم ماهیتی ژلاتینی و اعطاف‌پذیر دارد. در بین متعلقان به این نسل شکاف‌ها و مرزبندی‌های بسیار ناچیز و کم‌رنگ است. این نسل دعواهای دوران انقلاب را به یاد ندارد و نمی‌خواهد هم به یاد آورد. این نسل همه نسل‌های خود را و حتی نسل اولی را که همرا مطالبات خود می‌بیند، خودی و از خود می‌داند. این به آن معنا نیست که این نسل نسبت به تاریخ گذشته خود و نسل اول بی تفاوت است. اتفاقاً این نسل، نسل گذشته خود را خوب می‌شناسد و به خوبی تشخیص داده‌است که از میان آن نسل چه کسانی را می‌تواند همرا خود سازد و به همین منظور خاتمی را از میان سایرین برگزیده‌است، این نسل که کودکی و خردسالی خود را در خشونت سپری کرده‌است از خشونت برهیز می‌کند. آرمان این نسل آزادی است. این نسل تحقق آرمان‌های در گرو تحقق آزادی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جست وجو می‌کند این نسل از غرب و فرهنگ آن نمی‌هراسد و شیفته آن نیز نشده‌است. اما عطش شناخت کامل آن را دارد. این نسل بزودی حاکمیت مطلق خواهد یافت و مطالبات خود را بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

محاسبات دقیق نشان می‌دهد در آینده‌ای نزدیک تعداد بیشتری از نسل دوم از درپچه موصوف خواهند گذشت و پا به عرصه سیاسی واجتماعی خواهند گذاشت آنان نسل رایانه‌ها هستند تا دیر نشده باید کانالی حفر کرد. این‌چره که سربیزورن کنی، هوارا که بویکشی، درمی‌یابی که طوفانی، سیلی در راه‌است.

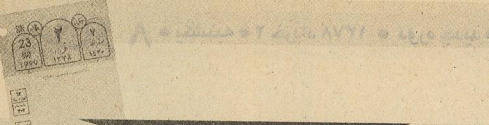
شعار تظاهرات ۱۳۷۸ در تهران: «ما را از دست ندهید»

شعار تظاهرات ۱۳۷۸ در تهران: «ما را از دست ندهید»

آزادی و عقلا یت در تباطی معطوف به تعامل افکار.
رخداد دوم خرداد ۷۶ وانتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور، که منادی اندیشه‌های انسانی و متفکرانه‌ای است، قابل تقدیر و تأمل جدی است. وی در چنین شرایطی است که آگاهانه، درصدد پاسخ به این پرسش که «چرا ما؟» به تمدن قرن بیست و یکم چه خواهد بود؟ برآمده است. او اندیشه‌ورز آن حوزه گفتمانی است که همچون دیگر نخبگان بزرگ قرن بیست، که علیه عقلا یت ابزاری واکنش نشان دادند، به چالش جدی با دشمنان امید در سطوح گوناگون ایدئولوژیک آنان برآمده‌است. او همچون بزرگان اندیشمند قرن که به مقابله با وحشت آفرینی‌های آن برآمدند، مدعی این اصل است که نباید قربانی دیدگاه بدبینانه‌ای شومیم که تاریخ را پدیده‌ای خشن و مخوف می‌بیند. بدین‌ها گفت‌وگوی کنونی تمدن‌ها از سوی ایشان، ناشی از فهم اواز

تجارب بشریت قرن بیستم است. چنین نخبگان هر چند نادر هستند، اما ناجی زیست – جهان در شرایط به‌خصوص تاریخ بوده‌اند.

در شرایطی که همواره منافع موضوعات پیشری اولویت می‌دهد، به راستی، بین دشمنان امید که با تکیه بر عقل ابزاری، فجاج جهانی خلق می‌کنند، با دشمنان امیدی که در کسوف دائم عقل به سر می‌یزند و لذا همه را به چشم غیر، اهریمن می‌نگرند، چه تفاوتی است؟ بی تردید قرن آینده، به پشتوانه صداقت کلام چنین بزرگان در متن اندیشه عمیق، حتماً پاسخ مناسبی به انواع حیل، دشمنان امید خواهد داد.



تریبون

دوم خرداد : انتخاب آگاهانه برای گشایش عرصه عمومی

مسعود پدram

نقاط عطفی چون رویداد دوم خرداد را می‌توان با روایت‌هایی مختلف بیان کرد و از طریق رویکردهایی متفاوت توضیح داد. در توضیح و تحلیل این رویداد، دو مفهوم توسعه سیاسی و عرصه عمومی به‌عنوان چارچوب‌هایی نظری می‌تواند کارآمدی قابل ملاحظه‌ای از خود نمایان سازند.

توسعه سیاسی در اواخر دهه ۶۰ و اواسط دهه ۷۰ میلادی مفهوم سازی شد و عمدتاً آن را نظریه‌پردازان رفتارگرا در آمریکا در سطحی گسترده مطرح کردند. براساس نظریه‌های این صاحب نظران، جامعه در جریان فراگیر نوسازی، هماهنگ با توسعه در جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، در جنبه سیاسی نیز دستخوش توسعه می‌شود.

حتی نظریه‌پردازان چون لوشن پای (Lucian Pye)، گابریل الموند (Gabriel Almond) و لئونارد بایندر (Leonard Binder) که نقش‌ی اساسی در مفهوم سازی توسعه سیاسی دارند بر این اعتقاد هستند که توسعه سیاسی می‌تواند جلودار توسعه و نوسازی فراگیر جامعه باشد و نقش کلیدی در توسعه‌دیگر جنبه‌های جامعه ایفا کند. در میان نشانه‌های توسعه سیاسی می‌توان از باز شدن فضای سیاسی و مشارکت آگاهانه مردم، وجود نشریات و احزاب متنوع و تحکیم وحدت ملی نام برد که اغلب این نشانه‌ها را، هر چند در مواردی ناقص، در جریان رویداد دوم خرداد و وقایع بعد از آن شاهد بودیم. شاهد آن بودیم که مردم در سطحی وسیع در انتخابات شرکت کردند، نشریاتی با چهره و سخنانی نو و متنوع پدید آمدند، احزاب و گروه‌ها (گرچه برخی به لحاظ دولتی رسمیت نیافتند) به نحوی فعال در صحنه سیاسی حاضر شدند و موضوع وحدت ملی آن چنان مطرح شد و گسترش یافت که اغلب ایرانیان خارج از کشور نیز در پی گونه‌ای مشارکت برای تأثیرگذاری در روند تغییر در داخل ایران برآمدند.

حال اگر از منطقی دیگر به رویداد دوم خرداد نگاه کنیم یعنی مفهوم عرصه عمومی را به عنوان یک چارچوب نظری به کار گیریم می‌توانیم بگوییم که این رویداد ناشی از گسترش سریع و پرحرمانه عرصه عمومی بود. عرصه عمومی که مفهوم سازی کردند. هابرماس معتقد است که عرصه عمومی بستری است که در آن قدرت دولت روبه کاستی می‌گذارد و در عوض قدرت استدلال و نقادی فزونی می‌گیرد، عرصه عمومی محافل و مجامع خصوصی افراد شهروند دارد که محلی می‌شود برای پرداختن به امر عمومی با نگاهی انتقادی، در نه نهایت استدلال برتر اعتبار نام‌پای‌می‌کند.

در رویداد دوم خرداد نیز شاهد بودیم عرصه‌هایی که در آن قدرت دولت روبه کاستی گرایید و نظاره‌های متنوع امکان بیان یافتند و همچنان گشوده و به یکدیگر متصل شدند تا عرصه‌ای پدید آمد که در درون آن حرف‌های راگفته مردم (عمدتاً از طریق روزنامه‌های نیز وهای مختلف سیاسی و بویژه از طریق رئیس جمهوری منتخب مردم) بیان و به دولت تحمیل شد.

از آنجا که دیدگاه‌های توسعه سیاسی عمدتاً بر گرایش ساختی کار کردی مبتنی است و در چنین گرایشی آنچه اصالت دارد کل و سیستم است نه افراد و اراده، انتخاب و خلاقیت آنان. به نظر می‌آید مفهوم عرصه عمومی به عنوان یک چارچوب نظری بتواند رویداد دوم خرداد را کامل تر توضیح دهد؛ چرا که در این چارچوب، انسان‌ها با تلاش خود این عرصه را خلق می‌کنند و آن را می‌کنشاند. انسان‌هایی که در عرصه‌های دانشگاه، مطبوعات، مجافل بحث و گفت‌وگو وسخترانی خطر کردند و با آن خودگذاشتی این عرصه‌ها را فعال نگاه داشتند. در حال حاضر نیز این واقعیت کاملاً ملموس است که استمرار رویداد دوم خرداد منوط به انتخاب آگاهانه افراد جامعه برای حفظ و گشودن هر چه بیشتر عرصه عمومی است.

ملک داری به صلاح نه به صلاح

ادامه از صفحه ۶

با این حال هایدک کنندگان این یاد موافق چندان کارگشته نیستند یا این که هنوز با واژه مبارک آزادی مسأله دارند چرا که بعضی از ایشان در دستگاه حکومت کی کاووس مانند، شوق و شور اشتیاق در قدرت ماندن را دارند و قدرت مداری را بر آزادی خواهی اصیل ترجیح می‌دهند.

از همین روی در جبهه دوم خرداد به کیخسرو و مسلکان نیاز است که اهل شور، شوق، مقاومت و صلح و دوستی و عشق و صفا باشند و با یاران آزادی، رسم وفا به جای آورند.

بی گمان در این استراتژی درست تحقق آزادسازی بسیار مهم است. اما آزادسازان، چقدر آزادی خواه هستند؟ نقد گذشته و نشان تأثیر این نقد در عمل می‌تواند بر تحکیم استراتژی آزادسازی بیفزاید.

امروز گاهی می‌رود که استراتژی‌های طرح آزادسازی دوم خرداد، با عمده کردن خطر نیروهای ملی، مذهبی و غیره سعی می‌کند که جناح انحصار را وادار به تجدیدنظر در رفتار خود کنند و در عین حال که به ایشان نشان دهند که می‌توان رسم کی کاووس را به نام دوران کیخسرو استقرار بخشید، متنبها با اتلا یت حاکمیت را از گزند حوادث حفظ کرد اما باز شعار ایران برای ایرانیان را در شعار نه عمل نگذاشت.

بی گمان سخنان خاتمی، از صداقت کیخسروی برخوردار است که می‌خواهد مکلاری به صلاح کند و حکومت داری به سلاح را کنار گذارد. این که هر کسی قاعده بازی را ببیزد، خودی است، خودی گاهی است که بسیاری از یاوران خاتمی به آن باور ندارند. می‌گویند کیخسرو بعد از هر پیروزی متواضعانه از بزدان پاک (خادوند) طلب آمزش می‌کرت تا به غرور و جاه طلبی و خود شیشگی کی کاووس مبتلا شود. با اینکه جبهه دوم خرداد به نقد متواضعانه خود ترسیده است و از سویی در ادبیات برخی از مؤثران این جبهه در درون حاکمیت سخنان تند و شروشت آفرین مشاهده می‌شود بی گمان این گونه سخن گفتن نشان از ادامه روحیه قدرتمداری دارد.

۶ ـ با این همه جدایی از نقد درونی ـ که باید صادقانه انجام گیرد و دل‌ها صفای انسانی بیشتری بگیرد تدوین استراتژی اقدام نه استمرار استراتژی انفعال، امری حیاتی است.

ابزارهای مناسب برای تحقق روند آزادسازی و استقرار دموکراسی در ایران کم نیستند به همین خاطر بهتر آن است که این شیوه‌ها به رعایت صداقت و تلاش به کار گرفته شوند. پیروزی در انتخابات مجلس در گرو اتخاذ شیوه‌های مناسب گشوده کردن درها مشارکت به روی دیگر نیروهای سیاسی ـ اجتماعی است.

شعار تثبیت آزادی به جای گسترش آن، که نیروهای دوم خرداد سر داده‌اند استمرار دیدگاه حذف و نادیده گرفتن اپوزیسیون بخصوص نوع ملی مذهبی آن نشان می‌دهد که مشکلات بیشنی بر محدودیت استراتژی و تاکتیک سیاسی فوق می‌افزاید.

با این همه انتخابات مجلس ششم (با لغو نظارت استصوابی) می‌تواند با شکست جناح تمامیت خواه به سر فصل جدیدی برای تحقق جامعه مدنی باشد. چرا که خاتمی در این دو سال هنوز مواضع مطمئتی در قدرت را تسخیر نکرده‌است. به همین خاطر متافع همه نیروهای آزادی خواه در گرو پیروزی در انتخابات مجلس ششم برای استمرار دموکراسی در ایران است؛ حتی اگر نیروهای درون حاکمیت طرفدار اصلاحات نخواهند که برای به اصطلاح غیر خودی حق مشارکت شهروندی درجه یک قائل شوند.

۷ ـ سخن این است که اگر روند اصلاحات در ایران شکست بخورد، سرنوشت این سامان چه خواهد شد؟ بی گمان در بحبوحه اصلاح طلبی، نمی‌توان از شکست قطعی سخن گفت اما باید از احتمال دست یابی به پیروزی فزون تر و فزون گفت و امیدها برانگیخت و بی تردید بخشی از پیروزی اصلاحات در ایران را جبهه دوم خرداد تضمین می‌کند و عوامل دیگر را جبهه رقیب و شرایط جهانی و داخلی مناسب شکاف در درون جبهه انتصار که در استمرار سیاست سلطه طلبی خود، دارای تضاد منافع هستند می‌تواند از اقدامات استراتژیک جبهه دوم خرداد باشد. اقداماتی تند و سریع و صحیح که بتواند شکاف لازم در این جبهه را دو چندان کند، نیز از عوامل پیروزی است.

۸ ـ با این همه اگر «کیخسرو گونه» عمل شود. یعنی نقد از درون، اقدام مناسب و صداقت در امور اصلاحات و هشدار ی مناسب در برخورد با رقبیان پیروزی، شکست اصلاحات چندان معنی ندارد. چرا که در هر صورت چندان اقداماتی قرین با پیروزی است تا ه را پیروزی کامل و استقرار دموکراسی در ایران یا شاهدهی برای تاریخ فردا تا ره را عاشقان آزادی کم نگذند اگر به اتفاق جهان می‌توان گرفت و روند اصلاحات را باید اقدامات مناسبی می‌توان به تاریخ فردا جواب داد.

امید است که چنین شود.

مخاطبانی بی‌خطاب



امیر حسین رساؤل

آن روز پوسترها و تراکت های خاتمی را پخش می کردند، بازاییم، کسانی هم بودند که پیام ها را به لباس ها، دوچرخه ها و اتومبیل های خود می چسباندند و با شفعی بی مثال مبلغ مردی بودند بی آن که دلائل روینگر خود را به او باندند. در مقابل مجریان تبلیغ نامزد مقابل خاتمی هم، کارت پخش کن های حرفه ای بودند که در ازای دریافت چند ریال با انگیزه ای مشخص و معلوم به تبلیغ او می پرداختند. اما آن طیف دیگر چه انگیزه ای داشتند، برای پیمودن راهی بی اجر و مزد؟

در همان روز دوم خرداد که تلویزیون گزارش های انتخابات را پخش می کرد، رسانه های فراگیر جهانی گزارش های زنده خود را به تصویر کردن روی دیگر ماجرای انتخابات ایران اختصاص داده بودند. در میانه آن روز پرآرزو برای ملت ایران گزارشگر C.N.N تصاویری را به تلویزیون های جهان مخابره کرد که بیانگر آرزوهای یک ملت بود. دوربین به او حوزۀ ای انتخابی در تهران رفت و پس از انداخته شدن رای، میکروفن خود را مقابل دختری جوان گرفت که با مادر خود به حوزۀ انتخابی آمده بود و از او خواست تا هدف خود را از شرکت در انتخابات بگوید. آن دختر جوان تهرانی که معلوم بود به خانواده ای مذهبی هم تعلق ندارد چنین گفت: «برای آزادی» و مادرش او را نهیب زد که «این حرف ها را نگو، و او که هر هیچانش افزوده شده بود چنین پاسخ مادر را داد: «من امروز رای دادم که بتوانم این گونه سخن بگویم، اما مگر خاتمی چه کرده بود که چنین تصویری در ذهن ها ایجاد شده بود؟

حقیقت است آنان که این گونه به خاتمی امید بسته اند حماسه سازان انقلاب و جنگ نیستند. آنان به هیچ یک از دو گروه یا نسل بنیان و صاحبان انقلاب تعلق ندارند. اینان کسانی نیستند که در فعالیتهای ایدئولوژیک یا مسلحانه پیش از انقلاب برای رسیدن به آرمان جمعی تلاش کرده باشند. کسانی نیستند که برای حفظ انقلاب و مین در دفاع از ایران شرکت کرده باشند. این نسل، مبلغانی بی اجر و مزد خاتمی فقط به تحقق رفیایی می اندیشد که گذشتگان یا آژودنن روش های گوناگون به آن دست نیافتند، چرا که گذشتگان این نسل هم حاصل انقلابشان تقسیم بنایان به بلشویوک و مونسویک و تروتسکیست بود. یعنی یک طیف از پدران انقلابی با حذف دیگران خود را صاحبان انقلاب نامیدند. آن هم انقلابی که در اصل تحول طبقاتی درخویر توحیی را حاصل نکرد.

روینگر جوانان به خاتمی برای آغاز حرکتی دیگر در ادامه نسل های گذشته نبود. بلکه ایده یافتن به تفکری بود که روش های به شکست انجامیده گذشتگان را انکار و نوید شیوه ای دیگر را می داد. شیوه ای که روزآمد باشد و جمعی، و اتکالی آن هم به جمعی باشد که محدود به تفکری خاص نیستند. بلکه جمعی که حاصل آرای طیف های گوناگون است. بخصوص که خاتمی از تفکیک مردم خودداری کرد، او هنگام سخن گفتن فقط مؤمنان را خطاب قرار نداد و دانست که حضور و اهمیت بخشیدن به آن جوان دین گریز هم برای تحقق آرمان یک ملت لازم است. او برخلاف دیگران تفکر افراد جامعه را با زبانت طبقه آن فرد ندانست و بزرگترین اقبال خاتمی این بود که فهمید آن طیف بی تفاوت به ارزش های رسمی جامعه هم می توانند حامیان او باشند و بزرگترین امید بستگان به او. زیرا که خاتمی دانست اینان نسلی هستند که حداقل احترام شهروندی به آنان روا داشته نشده است و شعور آنان را در حد مشارکت ندیده اند.

آنان مخاطبانی بودند که تاکنون مورد خطاب قرار نگرفته بودند. آنان از سال ها پیش فراموش شده بودند و مجریان رسمی ارتباط با جامعه، ارتباط با آنان را لازم نمی دانستند.

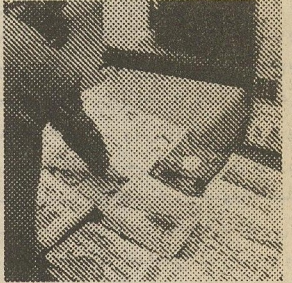
از این رو حتی تلاش نمی کردند در ایجاد گفت وگو با این طیف وسیع طبیفی که گناه آنان خواستن فضایی روز آمد برای زیستن بود. خاتمی برای این نسل یک انقلابی نیست. او یک مصلح است. اینان از خاتمی دیگر انتظار تحولی بنیادین ندارند و خاتمی با شناخت آن را به آراش خواند و حرکت تدریجی برای رسیدن به مقصود را آغاز کرد، و محترم شناختن این طیف خاموش از سوی خاتمی باعث بازانگیختن نیرویی شد که داشت به تدریج هرز می رفت و او این نسل را به آگاهی رساند، در شناخت و اتحاد یکدیگر برای رسیدن به آرمان. اولین قدم در رسیدن به آن انتخاب خاتمی بود در لحظه ای که همگان گمان می بردند فقط خود به او رای داده اند و هنگام اعلام نتایج بود که تازه دریافتند چه نیروی عظیمی هستند که از توانایی های آن آگاهی ندارند.

بزرگترین پیروزی خاتمی هم همین شناخت نیروی اصلی ولی پنهان مردم بود. او نه فقط برای پیروزی از این نیرو مدد جست بلکه ادامه جریان فکری او هم آشکار شدن اهمیت حضور برای رسیدن به همین آرمان است. نسل نوان انتخاب خاتمی را فقط انتخاب یک رئیس جمهوری نمی داند. بلکه آگاهی از قدرت حقیقی خود در ایجاد سرنوشت می بیند. سرنوشتی که تاکنون دیگران قیم وار می خواستند آن را تعیین کنند، با دیدگاه خود که هیچ خواهانی نداشت و حاصل آن فقط ایجاد تعارض بنیادین بود. از منظر دیگر انتخاب خاتمی آشتی دو نسل با یکدیگر است. نسلی که نمی توانست افکار پدران را درک کند با انتخابی مشترک در یافت که او هم از زانوهای دیگر به ارزش های نسل گذشته معتقد است.

با انتخاب خاتمی آن پسر دانست که سکوت و انزوا ی پدرش با خروش و اعتراض او یک هدف را دنبال می کند و رفیقان خاتمی این ها را نمی پذیرفتند و نمی پذیرند. آنان خاموشی پدر را قبول شکست و اعتراض پسر را دشمنی می پنداشتند بی آن که هیچ رای به گفت وگو بخواهند. حتی سال ها اینان اندیشیدن به خواسته های نسل جدید را لازم نمی دانستند به گمان این که تجویز هایشان مداواگر همه امراض است.

در صدر پیروزی انقلاب یکبار نام تیم فوتبال پرسپولیس به از آذ تغییر کرد در روز مسابقه روز شگاهه مملو از تماشاگرانی شد که تیم محبوب خود آزادی را تشویق می کردند.

روز دوم خرداد ۷۶ هم بیست میلیون بی صدا آزادی را خواندند، آنان همه در یک مکان جمع نبودند گرچه آزادی برای آنان هم محبوب ترین بود.



اشاره:

ادبیات سیاسی ایران در دو سال اخیر به نحو شگرفی با خجیم غیر منتظره ای از مقالاتی مواجه شده است که در پی تحلیل و تعلیل واقعه دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ هستند، به گونه ای که شاید نتوان عدد آن مقالات را حتی به دویز بار فهرست محدودی که برای این ویژه نامه تنظیم شده است محصور کرد. باوجود این و در این فرصت محدود فتح بابی می کنیم بر آن چه که به نظر می رسد طی چند سال آینده به یک نیاز عمومی تبدیل خواهد شد. شاید روزگاری برسد که ما نیز مجبور باشیم برای نسلهای آینده از واقعه دوردستی سخن بگویم که در ابهام فرو رفته است. یعنی همان وضعیتی که اینک در مورد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ وجود دارد. گروه داخلی

۱-فولادوند عزت الله: تأملاتی درباره دوم خرداد [مقاله] -همشهری- ویژه نامه دوم خرداد- ۲ خرداد ۷۷
۲-مردیهایسید مرتضی: اقتصاد و دوم خرداد [مقاله] -همشهری- ویژه نامه دوم خرداد- ۲ خرداد ۷۷

گزارش

روزنامه ای که با خاتمی رنگی شد همه ماجرا از روزی شروع شد که روزنامه سیاه-سفید،سلام، رنگی چاپ شد.

یکشنبه هفتم بهمن ماه ۷۵ روزنامه سلام در تیستر اول خود با رویتتری در پاند آبی رنگ با مضمون: «به نقل از منابع آزاد، نامزدی خاتمی را برای ریاست جمهوری اعلام کرد. شاید به خاطر عکس خاتمی، صفحه اول سلام آن روز رنگی چاپ شد. عکسی از مشاور فرهنگی رئیس جمهوری و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی آن زمان که برخی فکر می کردند، پشت قفسه های کتابخانه ملی از یاد رفته است.

قبل از آن پنج سالی می شد که در مطبوعات خبری از خاتمی نبود. مگر آن که هفته کتابی، نمایشگاه کتابی یا امثال آن پیش می آمد تا اسم خاتمی هم آورده شود. آن هم باز روزنامه سلام بود که شاید به حب خاتمی، عکسش را هر چند کوچک در صفحه اول می آورد و والا بقیه...

آن عکس رنگی چنان جدید بود که انگار همان روز گرفته شده است. می گویند عکس کار رئیس یکی از دانشکده های هنر بوده که قبل از در درون وزارت خاتمی نیز با او همراه بوده است. این عکس همان روز با روز قبل از آن در خانه خاتمی از او گرفته شده بود. بعد از نزدیکان سیاسی خاتمی شاید اولین گروهی که با مشاهده این عکس هیجان رده شدند، اهالی قلم و هنر بودند. پنج سال مدت زیادی نبود تا این وزیر فرهنگ را از یاد ببرند و بالعکس در آن پنج سال اخیر آن قدر از میمیزی سلیقه ای کشیده بودند که دوره وزارت کنابدی جدید را روشن و واضح به خاطر بیاورند.

چهار روز پس از نامزدی رسمی سید محمد خاتمی، سخنرانی های پس از کاندیدبشوری او آغاز شد. اعلام حمایت های اولیه مواضع کاملاً سیاسی را بیان می داشت. این سخنرانی ها مصادف بود با شب هفدهم رمضان ۱۴۱۷ هجری قمری و همان روزهایی که سریال امام علی(ع) با تمام فراز و فرودها و مخالفت هایی که با آن شده بود شیفتگان امام اول را هر دوشنبه پای تلویزیون می نشاند. بعد از مدت ها صدا و سیما مجموعه ای بر اساس احادیث و روایات مذهبی ساخته بود که مردم گریز نبود. در همین شب های قدر خاتمی نظام اسلامی ایران را نمونه ای از حکومت حضرت علی(ع) میتنی بر آزادی های اصیل انسانی خواند و گفت: «در الگوی حکومتی امام علی، انسان هاق تشکیل حکومت و حق نظارت و بازخواست از آن را دارند و هم دارای حق ابراز نظر و عقیده هستند...»

شاید اولین واکنش فرد دیگری از اهالی فرهنگ در حمایت از خاتمی، سوی داعیای سرپرست روزنامه اطلاعات صورت گرفت که گفت: «برای کسانی که به علت کناره گیری مهندس موسوی از صحنه انتخابات دلسرد شده بودند، حضور دکتر خاتمی باوقامی است.» خاتمی هم چند روز پس از این اظهار نظر در چهارم اسفند در دیدار با اعضای جمعیت زنان جمهوری اسلامی گفت: «امروز رای مردم، رای به برنامه هاست و نه به افراد...» امروز ضرورت بهره گیری از همه اندیشه ها مطرح است.

دعوت از اهالی اندیشه

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پنج سال پیش، کم کم داشت همان حرف هایی را می زد که در زمان وزارت هم می گفت. او گرایش خود را به فرهنگ و هنر در روز هفتم اسفند در

گردهمایی بزرگ دانشجویان در دانشگاه شریف بروز داد. همان جایی که یکسال و نیم بعد شاهد برگزاری گردهمایی بسیار شکوهمندتری از حمایت دانشجویان به عنوان جلسه پرسش و پاسخ بود.

خاتمی در این مراسم دانشگاه را یکی از مهمترین خاستگاه های اندیشه و روشنفکری در هر جامعه قلمداد کرد و گفت: «قشر روشنفکر باید تکلیف خود را با انقلاب اسلامی روشن کند. آنان که مبادی نظری و اعتقادی انقلاب را قبول ندارند، اگر روشنفکر باشند به حکم انصاف و خرد باید آن را جدی بگیرند و با آن رابطه مناسب برقرار کنند. در صورت ابراز حسن نیت این گروه به انقلاب، راه مفاهمه با همه صاحبان اندیشه که اصل انقلاب را

در آن سخنرانی خاتمی هنرمندان جوان را کنسار کارگران، فرهنگیان و صنعت گران جوان گذاشت و تأکید کرد که باید برای آنان زندگی سرشار از مسئولیت پذیری را برنامه ریزی کرد.

بسیاری از همین اهالی اندیشه و هنر که موضع گیری های این کاندیدای از راه رسیده را در پنج سال پیش دقیقاً به خاطر داشتند از این که فردی پس از پنج سال گوشه گیری سیاسی دوباره همان حرف ها را حتی صریح تر بزند. خشنود بودند. خاتمی پنج سال پیش از این در آخرین ماه های وزارت خود در گفت وگویی با روزنامه جمهوری اسلامی دیدگاه های فرهنگی و هنری خود را به تفصیل شرح داده بود.

در این گفت وگویی بلند خیلی از مباحث مطرح در آن زمان در زمینه فرهنگ و هنر مورد نقد و بررسی قرار

متعهدی نیستند بلکه افرادی هستند که قانون به آنان اجازه داده است تا فعالیت کنند.

«اگر ما کاری نکنیم که فعالیت در سینما و هنر به عنوان یک فعالیت مقدس باشد نیروهای مذهبی متعهد به سراغ فعالیت ها نخواهند آمد.

«یکی از اسباب این که ما نیروهای متعهد فراوانی در صحنه فرهنگ و هنر نداریم همان ذهنیتی است که به غلط در جامعه ما نسبت به مسائل فرهنگی و هنری وجود دارد.

«صحنه که خالی نمی ماند. وقتی متعهد به صحنه نمی رود و تازه زمینه برای حضور افراد نامطمئن، همواره می شود. بعداً همه فریاد می کنند که صحنه به نیروهای غیر متعهد داده شده است.

«ما متأسفانه دیده ا و سنت های

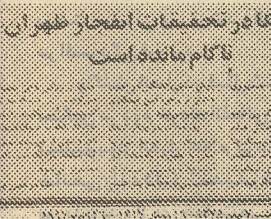
وزیر فرهنگ، رئیس جمهور شد اما حرفهایش تغییر نکرد

دارای اندیشه هایی هستند که صدر صد مطابق اندیشه های اسلامی و انقلاب اسلامی نیستند ولی باید بتوانند در حد مجاز فعالیت کنند.

«یک مرز خطر ناکی وجود دارد که کجا اسلام است و مرز سلیقه کجاست؟ در امور فرهنگی امر اختلاف سلیقه امر بسیار بارزی است و در طول تاریخ هم بوده است. به همین دلیل هم اصل تسامح در مسائل فرهنگی را هم عقل و هم تاریخ و فرهنگ اسلامی قبول دارد.

«هر زمان که تسامح نبوده، فاجعه برای جامعه ایجاد شده است.

«من در عین حال که نگران هستم به نام آزادی، امنیت از بین برود، نگران این مسئله هم هستم که یک سلیقه خاص بخواند به نام دفاع از امنیت چنان عرصه آزادی را بر متفکران خودی و غیر خودی که در نظام اسلامی میجازند

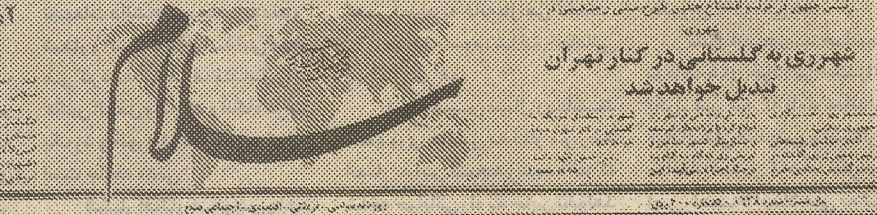


آمریکا و شخصیات اشخاص طهران تا کام ماند است

ریاضی خواستار هشتک حمایت از طرف حامیان رقیب خاتمی درباره خطر استحاله فرهنگی و موضع گیری صریح جناح مقابل را در مقابل نظریه تسامح فرهنگی به دنبال داشت. حتی یکی از نویسندگان مخالف خاتمی در شب قبل از انتخابات اعلامیه ای چهار صفحه ای را در گوشه کنسار شهر بخش کرده و مردم را گوسفندانی خطاب کرد که می روند به فطندر سقوط فرهنگی رای بدهند.

برخی از کسانی که در ستاد مرکزی انتخابات خاتمی حضور داشتند تعریف می کنند که این فرد فرادی آن روز جلوی ستاد قدیم می زد که عکس العمل ستاد ما د باور ببیند، ولی نمی دانیم که او چه دید.

۲۰ میلیون نگران نمایندگان خود دوم خرداد آمد و خاتمی با ۲۰ میلیون رای پیروز شد. جناح مخالف دوفته ای کمتر خوشبختنداری نکرد و هر چه به روز تحلیف نزدیک تر می شویم موضع گیری ها بخصوص در مورد توسعه فرهنگی و سیاسی مطرح شده از طرف خاتمی پر رنگ تر می شد. همه نگران تصمیم مجلس بودند. در بیست و نهم مرداد ماه صفحه اول روزنامه هشتپهری با این عکس ها بسته شده بود: عکس بزرگ خاتمی در وسط عکس نوری در سمت راست و عکس مهاجرانی در سمت چپ او. کابینه خاتمی در این روز رای اعتماد گرفت با دو نمره ناپلوثنی برای دو وزیر کلیدی که مستقیماً با اهدافی که خاتمی بیان کرده بود، قرار بود کار کنند. وزیر کشور خاتمی خیلی زود بر کنار شد. اما قیمتی برای بر کناری شد و نماینده اول شورای شهر تهران، آثانی که با وزیر شدن نوری و عزل او در استیضاح فکر کردند او را از در مجلس بیرون کرده اند، از این که می دیدند از پنجره وارد شده است هنوز هم عصیان می کنند. اما در مورد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نمایندگان همراه ۲۰ میلیون رای به سیاست های فرهنگی خاتمی به نگرانی ها خاتمه دادند. اما این پایان ماجرا نیست...



مهری به گسلسانی در کنار نهم آن فصل خواهد شد

امیران مختلف افغانستان خواستار توقف جنگ و برقراری صلح در این کشور شدند

فرماندهای نظامی ایران به کاندیدبشوری سید محمد خاتمی برای ریاست جمهوری قطعی شد

کاهش منابع آب در نگران کنده اسن

سلام ورود خاتمی به صحنه انتخابات را با یک صفحه رنگی بشارت داد. این تصویر آن صحنه رنگی است.

گرفته بود. شباهتهای موارد نقد شده در آن گفت وگو به موارد استیضاح مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شگفت انگیز است.

خاتمی در این مصاحبه گفته بود:

«تاوجه به اهمیت مسئله فرهنگ در انقلاب اسلامی ایران، ایجاب می کرد که توجه بیشتری به این مسئله شود. من معتقدم هنوز آن طور که باید و شاید ما فرهنگ را در جامعه جدی نگرفته ایم.

«اگر ما در مسیر توسعه هستیم،

«در سیاست های فرهنگی عام،

نمی دانیم در قالب کدام چارچوب

می توانیم کار کنیم بخصوص این که در

مسائل فرهنگی سلیقه ها نقش بسیاری

را می توانند داشته باشند.

«در آغاز انقلاب: دستگاه هایی که

وظیفه غیر فرهنگی داشتند و از

دستگاه های نظامی انتظامی بودند که

کارهای فرهنگی نیز انجام می دادند که

در طول زمان این امر تقریباً جایگاه خود

را پیدا کرده است و کار فرهنگی به سوی

دستگاه های فرهنگی بر گشته است و

این یک گام بسیار بزرگ به حساب

می آید.

«ما باید عادت کنیم در چارچوب

قانون حرکت کنیم. یعنی هر کسی هر

وظیفه ای را که دارد انجام دهد و نگران

وظیفه ای نباشد که به عهده او نیست...

«ما چون وقتی می گوئیم هر کس

مجاز است از این امکانات [امکانات

وزارت ارشاد] استفاده کند همه کسانی

که مجاز هستند ضرورتاً تا افراد کاملاً

نادرستی نسبت به هنر و فرهنگ در جامعه داریم.

«سیاست نظام جمهوری اسلامی از امام گرفته تا امروز این نیست که فقط حرف خودی در ایران مطرح شود و مخالفین حق سخن گفتن نداشته باشند... ما اصلاً بنا نداریم نگذاریم مخالف حکومتان حرف بزند.

«ما ضروری نمی بینیم اگر جو روشنفکری را تحمل کنیم و مهم آن است، که بتوانیم با هر برنامه ریزی دقیق فرهنگی، یک جو روشنفکری قوی اسلامی برقرار کنیم.

«بنده می گویم از افتخارات نظام است که نظام به مخالفین خود اجازه می دهد که حرفشان را بزنند و اجازه دادن هم به این معنی نیست که در موافقت ما حرف بزنند.

«یک نگرانی در این زمینه [ترمش و انعطاف] وجود دارد که منشأ طرح این سوالات می شود و آن هم این که ما در معرض توطئه قرار داریم. هم توطئه اخلاقی و هم توطئه سیاسی و این امری است که وجه مشترک تمامی نیروهای خیر خواه و دلسوز انقلاب است.

«این که تصور کنیم با انتشار یک کتاب یا یک مقاله در یک روزنامه که از نظر حجم به مراتب کمتر از آن چیزی

است که در اختیار نظام است، جامعه ما دچار سقوط اخلاقی می شود، به نظر

من به دلیل اشتباه گرفتن منافع خطر خیز است.

«من هم قبول دارم کسانی در

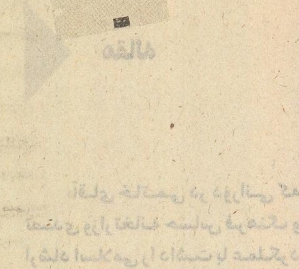
صحنه فرهنگ و هنر وجود دارند که

[مقاله] جامعه سالم- شماره ۲۲- خرداد ۱۳۷۶. ۱۴-عبادی/اشیرین: مباد آن روز [یادداشت] جامعه سالم-شماره ۳۲- خرداد ۱۳۷۶. ۱۵-کردوانی/کاظم: انتخاب مردم انتخاب دولت [مقاله] جامعه سالم-شماره ۳۲- خرداد ۱۳۷۶. ۱۶-زیا کلام/صادق: باسیاه یا سفید مساله ما [مقاله] جامعه سالم-شماره ۳۳- مرداد ۱۳۷۶. ۱۷-باطنی/محمد رضا: ۳۰۰ میلیون رای و بعضی حرف ها [مقاله] جامعه سالم-شماره ۳۷- مرداد ۱۳۷۶. ۱۸-باوند/ادود هرمیداسی: بر سر ذره ای نغز تاریخ [مقاله] جامعه سالم-شماره ۳۳- مرداد ۱۳۷۶. ۱۹-ملازاده/احمد: مردم در جست وجوی بدیلی نو [مقاله] فرهنگ توسعه-شماره ۲۸-مرداد ۱۳۷۶. ۲۰-بهاری/اسفندیار: انتخابات، نیروها و چشم انداز آتی [مقاله] فرهنگ توسعه-شماره ۲۸-مرداد ۱۳۷۶. ۲۱-بهمنو/مسعود: دیدید چه شد: روز دوم خرداد [مقاله] آدینه-شماره ۱۱۹- تیر ۱۳۷۶. ۲۲-مرات/زریز: خاتمی-گورباچف، چرا نباید از مقایسه هراس داشت [مقاله] گفتگو-شماره ۲۲-زمستان ۱۳۷۷.

مآخذشناسی

۳۰ مقاله گزیده درباره واقعه دوم خرداد

۳-عبادیان/محمود: دوم خرداد گذرگاه تاریخی جامعه مدنی [مقاله]-همشهری ویژه نامه دوم خرداد- ۲ خرداد ۷۷
۴-مجتهد شیبستری/محمد: دوم خرداد: باز گشت به کرامت انسانی [گفتگو]-همشهری- ویژه نامه دوم خرداد- ۲ خرداد ۷۷
۵-تحلیل حماسه پر شکوه دوم خرداد [مقاله]- عصر ما- شماره ۷۱-۱۷ خرداد ۷۶
۶-دو خرداد دستاوردها و پیامدها [مقاله]- عصر ما- شماره ۹۵- ۳۰ اردیبهشت ۷۷
۷-نگاهی به نتایج و پیامدهای حماسه دوم خرداد [مقاله]- عصر ما- شماره ۹۶- ۱۴ خرداد ۷۷
۸-عبدی/عباس: نگاهی جامعه شناختی به واقعه دوم خرداد [گفتگو]-راه نو-شماره ۵۱- اردیبهشت ۷۷
۹-حاجاربان/اسعد: دوم خرداد بیمها و امیدها، پیامها و چشم انداز ها [گفتگو]-راه نو-شماره ۲۵- خرداد ۷۷
۱۰-نه بزرگ [مقاله]- ایران فردا-شماره ۳۴- تیرماه ۱۳۷۶
۱۱-هشدارهای انتخابات [مقاله] ایران فردا-شماره ۳۵- مردادماه ۱۳۷۶
۱۲-شمس الواعظین/ماشاءالله: روشنفکری دینی و جمهوری سوم [مقاله] کبان-شماره ۲۷- خرداد و تیر ۷۷
۱۳-زیا کلام/صادق: آنان که گفتند آری، آنان که گفتند نه. نگاهی از منظر سوم



لیلی فرهادپور

لااقل ما روزنامه نگاران به خوبی به یاد داریم مراسم اهدای جوایز جشنواره چهارم مطبوعات با حضور رقیب انتخاباتی خاتمی چه سرد بر گزار شد. انعکاس این حمایت ها حتی باعث تعطیلی و مجازات دو نشریه «روز هفتم» و «آفتابگردان»، شد چرا که به هر حال از نظر قانونی حمایت ار گان دولتی از یک کاندیدا تخلف محسوب می شود. چهره های محبوب هنرمندان تک به تک اعلام حمایت می کردند و جالب آن که آنان که در این خیل حمایت جا ماندند، بعد ها به نامه پراکنی ها و گله گذاری ها از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت خاتمی ادامه دادند و گله هایشان را از قبل از دوم خرداد ۷۶ تا اردیبهشت ۷۸ (استیضاح مهاجرانی، و حتی امروز یک نواخت باقی مانده است.

این حمایت بویژه از طرف اهالی فرهنگ و هنر و پس از شکست جناح مقابل در استفاده از آنان، هشدارهایی جدی را از طرف حامیان رقیب خاتمی درباره خطر استحاله فرهنگی و موضع گیری صریح جناح مقابل را در مقابل نظریه تسامح فرهنگی به دنبال داشت. حتی یکی از نویسندگان مخالف خاتمی در شب قبل از انتخابات اعلامیه ای چهار صفحه ای را در گوشه کنسار شهر بخش کرده و مردم را گوسفندانی خطاب کرد که می روند به فطندر سقوط فرهنگی رای بدهند.

برخی از کسانی که در ستاد مرکزی انتخابات خاتمی حضور داشتند تعریف می کنند که این فرد فرادی آن روز جلوی ستاد قدیم می زد که عکس العمل ستاد ما د باور ببیند، ولی نمی دانیم که او چه دید.

۲۰ میلیون نگران نمایندگان خود دوم خرداد آمد و خاتمی با ۲۰ میلیون رای پیروز شد. جناح مخالف دوفته ای کمتر خوشبختنداری نکرد و هر چه به روز تحلیف نزدیک تر می شویم موضع گیری ها بخصوص در مورد توسعه فرهنگی و سیاسی مطرح شده از طرف خاتمی پر رنگ تر می شد. همه نگران تصمیم مجلس بودند. در بیست و نهم مرداد ماه صفحه اول روزنامه هشتپهری با این عکس ها بسته شده بود: عکس بزرگ خاتمی در وسط عکس نوری در سمت راست و عکس مهاجرانی در سمت چپ او. کابینه خاتمی در این روز رای اعتماد گرفت با دو نمره ناپلوثنی برای دو وزیر کلیدی که مستقیماً با اهدافی که خاتمی بیان کرده بود، قرار بود کار کنند. وزیر کشور خاتمی خیلی زود بر کنار شد. اما قیمتی برای بر کناری شد و نماینده اول شورای شهر تهران، آثانی که با وزیر شدن نوری و عزل او در استیضاح فکر کردند او را از در مجلس بیرون کرده اند، از این که می دیدند از پنجره وارد شده است هنوز هم عصیان می کنند. اما در مورد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نمایندگان همراه ۲۰ میلیون رای به سیاست های فرهنگی خاتمی به نگرانی ها خاتمه دادند. اما این پایان ماجرا نیست...